



مدافعان حقوق بشر ایران ۲۰۲۵

انتشار سازمان حقوق بشر ایران ، خرداد ۱۴۰۵ (ژوئن ۲۰۲۶ میلادی)

بازنشر تمامی محتویات این گزارش بلامانع است.

تصویر روی جلد: جواد علیکردی، وکیل حقوق بشر، در مراسم هفتم برادرش خسرو علیکردی که او هم از وکلای مدافع حقوق بشر بود و در آذرماه ۱۴۰۴ به طرز مشکوکی جان باخت - ۲۱ آذر ۱۴۰۴



©Iran Human Rights (IHRNGO) 2026

www.iranhr.net



@IHRights |



@iranhumanrights |



@humanrightsiiran

فهرست

۵۳	سایه صیدال	۴	درباره این گزارش
۵۴	جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان	۵	مقدمه
۵۶	فعالان صنفی معلمان	۶	فعالان ضد مجازات مرگ
۵۷	کوکب بداعی پگاه	۶	کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام
۵۸	مسعود فرهیخته	۱۰	وکلا
۵۹	محمد حبیبی	۱۱	جواد علی‌کردی
۶۰	علی کروشانی	۱۲	خسرو علی‌کردی
۶۱	حسین رمضان‌پور	۱۳	امیرسالار داودی
۶۲	محمدرضا رمضان‌زاده	۱۴	محمدرضا فقیهی
۶۳	افشین رزمجویی	۱۵	محمد نجفی
۶۴	سیامک صادقی چهرازی	۱۶	بهنام نزادی
۶۵	ایرج توبیهای نجف‌آبادی	۱۷	محمد سیف‌زاده
۶۶	حسین واحدی	۱۸	سعید شیخ
۶۷	فعالان حقوق اقلیت‌ها	۱۹	نسرین ستوده
۶۸	انیسا فنائیان	۲۰	فرزانه زیلابی
۶۹	سروه پورمحمدی	۲۱	روزنامه‌نگاران
۷۰	صمد ریگی	۲۲	کامیار فکور
۷۱	سمکو یوسفی	۲۳	اژدر پیری سارمانلو
۷۲	فعالان محیط‌زیست	۲۴	ویدا ربانی
۷۳	کریم اسماعیل‌زاده	۲۵	خانواده‌های دادخواه
۷۴	یوسف فرهادی بابادی	۲۶	خانواده آدینه‌زاده
۷۵	حر منصورى عبدالملکی	۲۷	مریم اکبری منفرد
۷۶	فعالان حقوق کارگران	۲۸	فیض‌الله آذرنوش
۷۷	آنیسا اسداللهی	۲۹	منوچهر بختیاری
۷۸	اسماعیل گرامی	۳۰	ماشالله کرمی
۷۹	نسرین جوادی	۳۱	راحله راحمی‌پور
۸۰	شریفه محمدی	۳۲	خانواده سعیدیان‌جو
۸۱	مهران رئوف	۳۳	ناهید شیرپیشه
۸۲	مازیار سیدنژاد	۳۴	مینا سلطانی‌زارع
۸۳	فعالان حقوق زنان	۳۵	فعالان مدنی
۸۴	آیدا عمومی	۳۶	زرشت احمدی‌راغب
۸۵	ژینا مدرس گرجی	۳۷	رضوانه احمدخان‌بیگی
۸۶	هنرمندان	۳۸	هستی امیری
۸۷	وفا احمدپور دامنا	۳۹	سمانه اصغری
۸۸	دانیال مقدم	۴۰	حسن باقری‌نیا
۸۹	جعفر پناهی	۴۱	گلرخ ابراهیمی‌ایرایی
۹۰	نواب قزلباش	۴۲	مطهره گونه‌ای
۹۱	مهدی یراحی	۴۳	احمدرضا حائری
۹۳	توصیه‌های سازمان حقوق بشر ایران	۴۴	لیلا حسین‌زاده
۹۴	پی‌نوشت‌ها	۴۵	رضا خندان
		۴۶	بهفر لاله‌زاری
		۴۷	نرگس محمدی
		۴۸	مهدی محمودیان
		۴۹	ضیاء نبوی
		۵۰	پوران ناظمی
		۵۱	آرش صادقی
		۵۲	خشایار سفیدی

درباره این گزارش

گزارشی که پیش‌رو دارید به‌همت «سازمان حقوق بشر ایران»، نهادی غیردولتی، مستقل و غیرحزبی مستقر در نروژ، تهیه شده است. فعالیت‌های اصلی این سازمان عبارت است از: مبارزه برای لغو مجازات اعدام، ترویج رویه عادلانه قضایی و حکومت قانون، و پشتیبانی از مدافعان حقوق بشر در ایران.

سعی کرده‌ایم تا در این گزارش با ارائه خلاصه‌ای از وضعیت حقوقی شماری از مدافعان حقوق بشر در ایران، بازتاب صدای مدافعان زندانی حقوق بشر باشیم و در راستای حمایت از مدافعان حقوق بشر در معرض خطر و فراهم کردن شرایط امن‌تر برای فعالیت آنان گامی برداریم.

مدافعان حقوق بشر که در این گزارش به آن‌ها اشاره می‌شود، کسانی‌اند که به‌طور فردی یا در همکاری با دیگران، به شکل کاملاً صلح‌آمیز برای ترویج و حمایت از حقوق بشر مطابق معیارهای جهانی فعالیت می‌کنند. آن‌ها به‌دلیل اقدامات و تلاش‌هایشان و نه لزوماً براساس حرفه، جایگاه شغلی یا موقعیت سازمانی خود، به‌عنوان «مدافع حقوق بشر» شناخته می‌شوند.

هرسال ۱۰ دسامبر به‌عنوان «روز جهانی حقوق بشر» در سراسر دنیا گرامی داشته می‌شود. این گزارش شامل افرادی است که در فاصله یک‌ساله میان دو مرتبه گرامی‌داشت این مناسبت بین‌المللی (از ۱۰ دسامبر ۲۰۲۴ تا ۱۰ دسامبر ۲۰۲۵) به‌دلیل دفاع از حقوق بشر با تشکیل پرونده قضایی روبه‌رو شده یا بخشی از این بازه زمانی را در زندان به‌سر برده‌اند. این افراد در گروه‌های مختلفی از جمله فعالان ضد مجازات مرگ، وکلا، روزنامه‌نگاران، خانواده‌های دادخواه، فعالان مدنی، معلمان، فعالان حقوق اقلیت‌ها، فعالان کارگری، فعالان حقوق زنان، فعالان محیط زیست و هنرمندان دسته‌بندی شده‌اند.

نسخه اولیه گزارش که برای انتشار در پایان سال ۲۰۲۵ تنظیم شده بود، به بررسی وضعیت حقوقی ۶۸ تن از مدافعان حقوق بشر، دو خانواده دادخواه، یک سازمان مردم‌نهاد، و همچنین یک کارزار ضد مجازات اعدام در ایران و برخی از اعضای آن‌ها می‌پرداخت و موارد نقض حقوق و مشکلات حقوقی و امنیتی آنان از دسامبر ۲۰۲۴ تا دسامبر ۲۰۲۵ را مستند کرده بود.

اما ایران از پایان سال ۲۰۲۵ تاکنون با موجی از رویدادهای پیاپی روبه‌رو شده است: مرگ پرابهام خسرو علی‌کردی و بازداشت گروهی از مدافعان حقوق بشر در مراسم هفتم او، اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ و سرکوب گسترده و خونین آنان و سپس حملات نظامی اسرائیل و آمریکا به ایران، جنگ و ادامه سرکوب گسترده جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر. این زنجیره رویدادها علاوه بر نقض روزافزون حقوق بشر، فشار، تهدید و تعقیب گسترده‌تر مدافعان حقوق بشر را در پی داشت. این تحولات نه‌تنها انتشار گزارش را به‌طور عملی به تعویق انداخت، بلکه به‌روزرسانی چندباره وضعیت بسیاری از فعالان مورد بررسی را ضروری کرد.

در نسخه نهایی، همان دو خانواده دادخواه، ۶۸ مدافع حقوق بشر، یک سازمان مردم‌نهاد و یک کارزار که در نسخه اولیه آمده بودند، حفظ شده‌اند و وضعیت آنان تا ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ (۲۰ ماه مه ۲۰۲۶) به‌روزرسانی شده است. دیگر مدافعان حقوق بشر که پس از ۱۰ دسامبر ۲۰۲۵ (۱۹ آذر ۱۴۰۴) تحت تعقیب قضایی قرار گرفته‌اند، در این گزارش گنجانده نشده‌اند و در گزارش سال آینده به وضعیت آنان خواهیم پرداخت.

بدیهی است که این گزارش تنها مروری بر وضعیت بخشی از مدافعان حقوق بشر در ایران محسوب می‌شود و افرادی که اطلاعات دقیقی از آن‌ها در دسترس نیست یا خودشان تمایلی به اطلاع‌رسانی درباره وضعیتشان نداشته‌اند، نامشان در این‌جا نیامده است. همچنین از ده‌ها مدافع حقوق بشر که به‌سبب فشارهای حکومتی از کشور خارج شده‌اند و صدها یا هزاران نفر که به‌دلیل فعالیت‌های حقوق بشری هدف آزار و تهدید قرار گرفته و یا نهادهای امنیتی احضارشان کرده‌اند نیز در این گزارش نام برده نشده است.

سازمان حقوق بشر ایران در تهیه گزارش «مدافعان حقوق بشر ایران - ۲۰۲۵» تلاش کرده است تا اطلاعات را با مراجعه به منابع نزدیک به این مدافعان، حساب‌های آنان یا وکلایشان در رسانه‌های اجتماعی و خانواده‌هایشان به‌دست آورد و با حداکثر دقت ممکن راستی‌آزمایی کند.

این گزارش به دو زبان انگلیسی و فارسی منتشر می‌شود. در گزارش انگلیسی، مدافعان حقوق بشر در هر بخش به‌ترتیب نام خانوادگی و براساس الفبا مرتب شده‌اند. برای هماهنگی دو گزارش، در گزارش فارسی نیز همان ترتیبی که در گزارش انگلیسی آمده، رعایت شده است.

هدف از انتشار این گزارش‌های سالانه، جلب توجه بیشتر رسانه‌ها و جامعه بین‌الملل به شرایط دشوار مدافعان حقوق بشر در ایران است؛ سعی ما بر این بوده است که این گزارش‌ها علاوه بر یادآوری وضعیت مدافعان شناخته‌شده حقوق بشر، منجر به توجه بیشتر به وضعیت هزاران فعال حقوق بشر کمتر شناخته‌شده‌ای شوند که روزانه در ایران تحت انواع فشارها قرار دارند.

در این زمینه، از همه شهروندان تقاضا می‌کنیم که در راستای اطلاع‌رسانی درباره وضعیت مدافعان حقوق بشر در ایران ما را یاری کنند. راه‌های تماس با سازمان حقوق بشر ایران در صفحه نخست گزارش آمده است.

مقدمه

گزارش «مدافعان حقوق بشر ایران - ۲۰۲۵» ششمین گزارشی است که سازمان حقوق بشر ایران درباره وضعیت مدافعان حقوق بشر منتشر می‌کند. این گزارش که قرار بود در ابتدای سال میلادی ۲۰۲۶ منتشر شود، به دلیل سرکوب خونین اعتراضات دی‌ماه، جنگ گسترده ۴۰ روزه و قطعی طولانی مدت اینترنت، با تأخیر منتشر می‌شود.

مدافعان حقوق بشری که این گزارش به وضعیت آنان می‌پردازد، در خط مقدم تلاش‌های مسالمت‌آمیز برای تحقق حقوق بنیادین بشری قرار دارند. این افراد با تکیه بر کنشگری مدنی، مستندسازی و آگاهی‌رسانی، هزینه‌های سنگینی را در مسیر مطالبه حقوق بشر برای همه مردم ایران متحمل می‌شوند - هزینه‌هایی که شامل تهدید، بازداشت و حبس، محرومیت از دسترسی به مراقبت‌های درمانی، محدودیت یا قطع ارتباط با خانواده، از دست دادن شغل و سایر اشکال فشار و آزار سیستماتیک است؛ این موارد نه استثنای، بلکه بخشی از الگوی مستمر برخورد حکومت با مدافعان حقوق بشر در ایران به شمار می‌روند.

این گزارش در شرایطی منتشر می‌شود که جامعه ایران یکی از بزرگ‌ترین کشتارهای معترضان در تاریخ معاصر و یک جنگ گسترده را پشت سر گذاشته است. حکومت در سایه جنگ تلاش کرده است تا با تشدید سرکوب و ارباب، از طریق اعدام‌های روزانه و دستگیری‌های گسترده، فضای ترس و ناامیدی را بر جامعه حاکم کند. در این میان، مدافعان حقوق بشر یکی از اهداف اصلی این سرکوب گسترده بوده‌اند.

سازمان حقوق بشر ایران با انتشار این گزارش، از جامعه جهانی، نهادهای بین‌المللی، دولت‌ها و افکار عمومی در ایران و سراسر جهان می‌خواهد که با نشان دادن همبستگی و حمایت عملی خود از مدافعان حقوق بشر، در مسیر دشوار احقاق حقوق بنیادین برای همه شهروندان، پشتیبان آنان باشند. دیده شدن، نام بردن و پیگیری مستمر وضعیت این افراد از مؤلفه‌های اساسی حمایت از حقوق بشر است.

محمود امیری‌مقدم، مدیر سازمان حقوق بشر ایران، در این باره گفت: «مدافعان حقوق بشر در ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به حمایت و همبستگی جامعه جهانی نیازمندند. آزادی همه زندانیان سیاسی، از جمله مدافعان حقوق بشر در حبس، و لغو جرم‌انگاری فعالیت‌های مدنی مسالمت‌آمیز باید به‌عنوان یکی از شروط محوری در هرگونه گفت‌وگو، مذاکره یا توافق میان جامعه جهانی و جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گیرد.»

امیری‌مقدم خطاب مردم و جامعه مدنی گفت: «مدافعان حقوق بشری که در این گزارش معرفی شده‌اند، از شجاع‌ترین شهروندان ایران محسوب می‌شوند، افرادی که با وجود محرومیت از آزادی، شغل و زندگی خانوادگی، و در شرایط تهدید، شکنجه و آزار، از مطالبات خود عقب‌نشینی نکرده‌اند. ایستادگی آنان بخشی از تلاش جمعی برای دفاع از حقوق بنیادین همه ماست. مسئولیت ما این است که در هر کجا که هستیم، این انسان‌ها را فراموش نکنیم؛ نامشان را به‌خاطر بسپاریم و به‌طور مستمر از آنان حمایت کنیم.»

در میان مدافعان حقوق بشری که در این گزارش معرفی شده‌اند، زندانیانی هستند که از درون زندان و با وجود تهدید و فشار مضاعف، کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» را پیش می‌برند. همچنین در این گزارش نام وکلایی آمده است که در دفاع از حقوق قانونی موکلان خود کوتاه نیامدند و به همین دلیل، به احکام حبس و محرومیت از اشتغال به حرفه وکالت محکوم شده‌اند. بخش دیگری از این گزارش به خانواده‌های دادخواه اختصاص دارد - خانواده‌هایی که صرفاً به دلیل اطلاع‌رسانی و تلاش برای کشف حقیقت درباره سرنویشت عزیزان جان‌باخته یا آسیب‌دیده و زندانی خود، با بازداشت، زندان و محدودیت‌های گسترده مواجه و گاه حتی از حضور بر سر مزار اعضای خانواده‌شان محروم شده‌اند.

یکی از این دادخواهان، راحله راحمی‌پور، زنی ۷۳ ساله است که برادرش، حسین راحمی‌پور، در سال ۱۳۶۳ به اتهام عضویت در «سازمان راه کارگر» اعدام شد و برادرزاده‌اش «گلرو» تنها چند روز پس از تولد در زندان اوین، بنابر اعلام مأموران زندان، جان باخت. با این حال، خانواده تاکنون نه پیکری تحویل گرفته‌اند و نه توانسته‌اند از محل دفن گلرو اطلاعی به دست آورند. تلاش این زن دادخواه برای پیگیری حقیقت، روشن شدن ابعاد این وقایع و پافشاری بر حق دادخواهی، به صدور حکم چند سال حبس برایش انجامیده است.

مدافعان دیگری که در این گزارش معرفی می‌شوند، معلمان و کارگرانی‌اند که به دلیل پافشاری بر حقوق صنفی خود تحت تعقیب قرار گرفته‌اند؛ همچنین فعالانی که برای حق آموزش کودکان، مقابله با تبعیض براساس جنسیت، تعلق اتنیکی و زبان مادری، یا برای حفاظت از محیط زیست فعالیت کرده‌اند، و نیز هنرمندانی که به دلیل بیان هنری در دفاع از حقوق بشر، با بازداشت خودسرانه مواجه و به احکام حبس یا محرومیت‌های شغلی محکوم شده‌اند. مجموعه مواردی که در این گزارش مستند شده‌اند، نشان می‌دهند که دامنه سرکوب مدافعان حقوق بشر در ایران، طیف گسترده‌ای از حوزه‌های مدنی، اجتماعی، صنفی، فرهنگی و زیست‌محیطی را دربرمی‌گیرد.

افراد فهرست‌شده در نسخه اولیه این گزارش کسانی بودند که از ۱۰ دسامبر ۲۰۲۴ تا ۱۰ دسامبر ۲۰۲۵ به دلیل دفاع از حقوق بشر با نوعی تعقیب قضایی روبه‌رو شده بودند و آخرین وضعیت آنان تا پایان همین بازه زمانی ثبت شده بود. اما از ۱۰ دسامبر ۲۰۲۵ (۱۹ آذر ۱۴۰۴) تا هنگام انتشار این گزارش، مدافعان حقوق بشر دیگری نیز بازداشت شده یا پرونده قضایی علیه‌شان تشکیل شده که در این فهرست نیامده‌اند.

روز ۲۱ آذر ۱۴۰۴، در مراسم هفتمین روز پس از مرگ مشکوک خسرو علی‌کردی، از وکلای حقوق بشری که نامش در بخش «وکلا»ی این گزارش آمده است، حدود ۴۰ نفر که بسیاری‌شان از مدافعان حقوق بشر بودند، با خشونت و ضرب‌وشتم در مشهد بازداشت شدند.^۱ از میان بازداشت‌شدگان، جواد علی‌کردی، نرگس محمدی، هستی امیری و علی آدینه‌زاده به دلیل پرونده‌های قضایی پیشین از ابتدا در این گزارش حضور داشتند و پس از این رویداد، وضعیت و اطلاعات آنان به‌روز شد. اما افراد دیگری نیز در همان مراسم بازداشت شدند، از جمله سپیده قلیان، عالییه مطلب‌زاده، طیبیه نظری (مادر دادخواه دکتر مریم آروین)، ابوالفضل ابری، کمال جعفری یزدی، حیدر چاه‌چمندی و نورا حقی، که در زمره مدافعان حقوق بشر قرار می‌گیرند، اما در این گزارش به آنان پرداخته نشده است.

پس از آن، در جریان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ و سرکوب خونین معترضان و سپس جنگ و پیامدهای آن، بازداشت و تعقیب قضایی مدافعان حقوق بشر گسترده‌تر از پیش شد. وکلا، روزنامه‌نگاران، فعالان مدنی و کارگری، کادر درمان، معلمان، فعالان حقوق اقلیت‌ها، دادخواهان، فعالان حقوق زنان، فعالان محیط زیست و افراد متعدد دیگری در این بازه به دلیل دفاع از حقوق بشر تحت تعقیب قضایی قرار گرفته‌اند که سازمان حقوق بشر ایران در گزارش مدافعان حقوق بشر ۲۰۲۶ به آنان خواهد پرداخت.

هم‌زمان با انتشار این گزارش، سازمان حقوق بشر ایران خواستار آزادی فوری و بدون قیدوشرط همه مدافعان حقوق بشر زندانی، تضمین دسترسی تمامی زندانیان به خدمات درمانی و بهداشتی، و پایان دادن به سرکوب آزادی بیان، تجمعات مسالمت‌آمیز و فعالیت‌های مدنی است. این سازمان از جامعه بین‌الملل می‌خواهد حقوق بشر را در مرکز تمامی تعاملات خود با جمهوری اسلامی قرار دهد و از تمامی ابزارهای حقوقی و دیپلماتیک موجود برای حمایت مؤثر از مدافعان حقوق بشر، تضمین عدالت و پاسخ‌گویی، همکاری با سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل متحد، از جمله گزارش‌شکر ویژه و کمیته حقیقت‌یاب، انجام تحقیقات مستقل و بی‌طرفانه درباره مرگ‌های مشکوک مدافعان حقوق بشر، و پیگرد قضایی آمران و عاملان شکنجه، آزار و سایر نقض‌های جدی حقوق بشر استفاده کند.

فعالان ضد مجازات مرگ

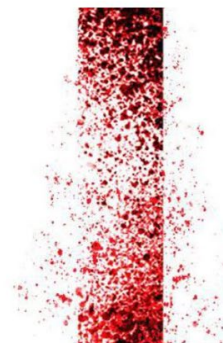
اسناد حقوق بشری بین‌المللی «حق زندگی» را یکی از بنیادی‌ترین و غیرقابل‌انکارترین حقوق انسانی برمی‌شمرند و از آنجا که دیگر حقوق بدون آن بی‌معنا می‌شوند، بسیاری از حقوقدانان آن را اساسی‌ترین یا پایه‌ای‌ترین حق بشری می‌دانند. بر همین مبنا، گروهی از فعالان مدنی، حقوقدانان، سازمان‌های مردم‌نهاد و حقوق بشری، محکومان نجات‌یافته و خانواده‌های قربانیان مجازات مرگ در سراسر جهان، به‌عنوان «فعالان ضد مجازات مرگ» تأکید می‌کنند که هیچ حکومت یا قدرتی، تحت هیچ شرایطی، نباید اختیار سلب این اساسی‌ترین حق انسانی را داشته باشد. این فعالان با مجازات مرگ برای هر کسی با هر اتهامی و تحت هر شرایطی در هر کجای دنیا که باشد، مخالفانند و برای لغو عملی و قانونی مجازات مرگ در سراسر جهان تلاش می‌کنند.

بسیاری از «فعالان حقوق بشر ایرانی» که در بخش‌های بعدی این گزارش به آنان پرداخته‌ایم، هرچند که به‌دنبال پافشاری بر مطالبات حقوق بشری در حوزه‌های متفاوت تحت تعقیب قضایی قرار گرفته‌اند، اغلب آشکارا و به‌طور مکرر بر مخالفتشان با مجازات اعدام نیز تأکید کرده‌اند، از جمله: احمدرضا حائری، مهدی محمودیان، خسرو علیکردی، امیرسالار داوودی، محمد سیف‌زاده، نسرين ستوده، فرزانه زیلابی، ویدا ربانی، فیض‌الله آذرنوش، زرتشت احمدی راغب، هستی امیری، گلرخ ابراهیمی ایرایی، مطهره گونه‌ای، نرگس محمدی، پوران ناظمی، آرش صادقی، خشایار سفیدی، سایه صیدال، مسعود فرهیخته، صمد ریگی، آنیسا اسداللهی، نسرين جوادی، شریفه محمدی، وفا احمدپور، دانیال مقدم، جعفر پناهی و مهدی یراحی.

اما علاوه بر مخالفت‌های فردی با مجازات مرگ، طی سال‌های گذشته ایرانیان کارزارهای محلی و ملی گوناگونی نیز در مخالفت با این مجازات و تلاش برای لغو آن شکل داده‌اند که از آن جمله می‌توان به «لگام: لغو گام‌به‌گام اعدام»^۲ اشاره کرد، کارزاری که با سرکوب شدید از سوی جمهوری اسلامی مواجه شد و اعضای آن بارها بازداشت، محاکمه و به احکام زندان طولانی‌مدت محکوم شده‌اند. برخی از بنیان‌گذاران این جنبش دیگر در میان ما نیستند، از جمله محمد ملکی، سیمین بهبهانی، فریبرز رئیس‌دانا، علیرضا جباری و اسماعیل مفتی‌زاده؛ اما از میان افرادی که در این گزارش به آنان پرداخته‌ایم، جعفر پناهی، نسرين ستوده و نرگس محمدی از پایه‌گذاران این کارزار در سال ۱۳۹۲ بودند و آرش صادقی نیز بعدتر به آن پیوست؛ از میان افرادی که در این گزارش به آنان پرداخته‌ایم، جعفر پناهی، نسرين ستوده و نرگس محمدی از پایه‌گذاران این کارزار در سال ۱۳۹۲ بودند و آرش صادقی نیز بعدتر به آن پیوست.

کارزار دیگری نیز در مخالفت با مجازات مرگ از داخل زندان‌های ایران شکل گرفت که ابتدا در سال ۱۴۰۲ با نام «سه‌شنبه‌های سیاه» شناخته می‌شد و تا امروز با عنوان کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» ادامه دارد و هر هفته گسترش پیدا می‌کند.

کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام



هشتم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ به‌دنبال اعدام معترض زندانی، محمد قبادلو، و زندانی سیاسی اهل سنت کرد، فرهاد سلیمی^۴، و همچنین ادامه اعدام‌های هفتگی در قزل‌حصار کرج، گروهی از زندانیان محبوس در این زندان با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به «مردم ایران»، نوشتند: «خواستہ ما این است که از تمام زندانیان زیر حکم اعدام با هر اتهام سیاسی و غیرسیاسی حمایت کنید، چون همه ما ناعادلانه مورد محاکمه قرار گرفته و می‌خواهند حق زندگی‌شان را از ما بگیرند. شاید به کمک شما جلوی این اعدام‌ها گرفته شود، با هر روشی که می‌توانید صدای ما و خانواده‌هایمان باشید.»^۵

افرادی که خود را «جمعی از زندانیان محکوم به اعدام زندان قزل‌حصار» خوانده بودند، در این نامه با اشاره به این که درمیانشان «از تمام اتهامات وجود دارد، متهمان مواد مخدر، قصاص و زندانیان سیاسی و عقیدتی همه در صف اعدام»، نوشته بودند: «برای اینکه کسی صدای ما را بشنود، ما مجبوریم از این هفته، هر سه‌شنبه اعتصاب غذا کنیم.» آنان همچنین اشاره کرده بودند که «ما اگر اسامی‌مان را بگوییم، اجرای حکمان جلوتر می‌افتد.»

در نامه این زندانیان درباره دلیل انتخاب روزهای سه‌شنبه برای اعتصاب غذا، آمده بود: «چون اغلب این روز آخرین روز زندگی همبندی‌های ماست که در روزهای قبل به انفرادی منتقل می‌شوند.»

یک روز بعد، ۱۰ تن از زندانیان سیاسی محبوس در زندان قزل‌حصار کرج نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند که در پاسخ به «ندای تظلم‌خواهی این زندانیان» و اعتراض به گسترش موج اعدام زندانیان سیاسی و غیرسیاسی، به «کمپین توقف ماشین اعدام» می‌پیوندند و «هم‌سو با سایر زندانیان» هر سه‌شنبه دست به اعتصاب غذا خواهند زد. این زندانیان عبارت بودند از: جعفر ابراهیمی، زرتشت احمدی راغب، سپهر امام‌جمعه، لقمان امین‌پور، احمدرضا حائری، میثم دهبان‌زاده، رضا سلمان‌زاده، حمزه سواری، سعید ماسوری و رضا محمدحسینی.

نخستین اعتصاب غذای هفتگی زندانیان در زندان قزل حصار کرج روز سه‌شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ انجام شد؛ نقطه آغازی برای کارزار اعتراضی «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» که تا امروز ادامه دارد و به‌طور مداوم تحت سرکوب شدید قرار گرفته است. کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» ۳۱ تیرماه ۱۴۰۴ در بیانیه هفتگی خود از تشدید فشارها بر فعالان سیاسی و اعضای دربند کارزار خبر داد و نوشت: «تهدید، شکنجه، تبعید و بازداشت و احضار خانواده‌های اعضای این کارزار و محرومیت از حقوق اولیه، تنها بخشی از این سرکوب سیستماتیک علیه صدای معترض جامعه است.»^۶ به‌رغم سرکوب خشونت‌بار اعضای این کارزار به‌ویژه در زندان قزل حصار، اعتصاب غذای زندانیان در سه‌شنبه‌های هر هفته همچنان ادامه دارد و آنان همچنان بر خواسته خود مبنی بر لغو مجازات مرگ پافشاری می‌کنند.

تعدادی از اعضای کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام که طی یک سال گذشته در زندان به‌دلیل عضویت در این کارزار با فشار و سرکوب مضاعف مواجه شده‌اند و برخی حقوق نقض شده آنان در زندان، از این قرارند:

زرتشت احمدی راغب*: چندین بار انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان، محرومیت از تماس با خانواده

لقمان امین‌پور: انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان

اکبر باقری: انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان

میثم دهبان‌زاده: انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان

سپهر امام‌جمعه: انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان

اسدالله هادی: انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان

احمدرضا حائری**: انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان، آزار و اذیت خانواده

علی معزی: انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان

رضا محمدحسینی: چندین بار انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان

خسرو رهنما: انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان

مصطفی رضائی: انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان

آرشام رضایی: چندین بار انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان، محرومیت از ملاقات با وکیل

رضا سلمان‌زاده: انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان

حمزه سواری: انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان

محمد شافعی: انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان

صلاح‌الدین ضیایی: انتقال به سلول انفرادی، ضرب‌وشتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان

در پی یورش خشونت‌آمیز گارد زندان و نیروهای اطلاعاتی به سالن زندانیان سیاسی در واحد ۴ زندان قزل حصار در تاریخ ۴ مرداد ۱۴۰۴ تمامی زندانیان نام‌برده در بالا با دستبند، پابند و کیسه برسر به سلول انفرادی بند امن واحد ۳ آن زندان منتقل و دست‌کم ۴ تا ۸ روز در آن‌جا نگهداری شدند. در جریان یورش ۴ مرداد به بند زندانیان سیاسی که زندانیان از آن با عنوان «شنبه خونین قزل حصار» یاد می‌کنند^۷، مهدی حسنی، بهروز احسانی اسلاملو و سعید ماسوری، سه عضو دیگر کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام، به مکان نامعلومی منتقل شدند. مهدی حسنی و بهروز احسانی اسلاملو روز بعد اعدام شدند و سعید ماسوری برای تبعید فرستاده شد.



سعید ماسوری، زندانی سیاسی

سعید ماسوری (۶۱ ساله): یکی از قدیمی‌ترین زندانیان سیاسی در ایران که سال ۱۳۷۹ به اتهام همکاری با سازمان مجاهدین خلق بازداشت و در سال ۱۳۸۱ به اعدام محکوم شد، اما در سال ۱۳۸۶ حکمش به حبس ابد کاهش یافت. او بیش از ۲۵ سال بدون یک روز مرخصی در زندان بوده و با انتشار نامه‌های سرگشاده و چندین بار اعتصاب غذا به مجازات مرگ، موارد نقض حقوق بشر و شرایط غیرانسانی زندان‌ها، اعتراض کرده است. ماسوری در این مدت با انتقال‌های پیاپی بین بندها و زندان‌ها، سلول انفرادی، ضرب‌و شتم و برخوردهای خشونت‌آمیز در زندان، محرومیت از مرخصی و دسترسی به وکیل و خانواده، و همچنین محرومیت از امکانات درمانی روبه‌رو بود است.

در پی سرکوب اعتراض زندانیان سیاسی قزل حصار به انتقال به‌روز احسانی و مهدی حسینی برای اعدام، این فعال ضد مجازات مرگ ۴ مردادماه ۱۴۰۴ بدون اطلاع پیشین برای تبعید به زندان مرکزی زاهدان منتقل شد، اما مسئولان زندان از پذیرش او خودداری کردند؛ پس از مدتی بی‌اطلاعی از او، ماسوری به قزل حصار بازگردانده شد، اما نه به بند زندانیان سیاسی، بلکه به سلولی انفرادی در بند ویژه واحد یک، آن‌هم در شرایط بی‌اطلاعی مطلق خانواده و وکیل. او پس از مدتی به واحد ۴ (محل نگهداری زندانیان سیاسی) در زندان قزل حصار بازگردانده شد.

بار دیگر در شب ۹ فروردین‌ماه ۱۴۰۵ نیروهای گارد ضدشورش با همراهی مسئولان زندان قزل حصار کرج به بند زندانیان سیاسی در واحد ۴ این زندان یورش بردند و با خشونت و ضرب‌و شتم شدید، تمامی افراد این بند را که اکثرشان از اعضای کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» بودند، برای مدتی به بند انفرادی واحد ۳ (موسوم به «سوئیت») فرستادند؛ هم‌زمان ۶ نفر از آنان را نیز که محکوم به اعدام بودند، به دار آویختند: وحید بنی‌عامریان، پویا قبادی، شاهرخ (اکبر) دانشورکار، بابک علی‌پور، محمد تقوی و ابوالحسن منتظر.

اعتصاب غذای هفتگی زندانیان که با حمایت گسترده فعالان و نهادهای ایرانی و بین‌المللی حقوق بشری روبه‌رو شده^۸ تاکنون برای مدت بیش از ۱۲۰ هفته پیاپی ادامه داشته و از زندان قزل حصار به دست کم ۵۶ زندان در سراسر ایران گسترش یافته است.

در خارج از زندان‌ها نیز هر هفته سه‌شنبه در همبستگی با اعتصاب غذای زندانیان، در ایران خانواده‌های محکومان به اعدام^۹ و برخی فعالان مدنی و در خارج از ایران، گروه‌هایی از فعالان و نهادهای ضد مجازات مرگ تجمعاتی اعتراضی برگزار می‌کنند.

سازمان حقوق بشر ایران ۱۷ مهر ۱۴۰۳ (هشتم اکتبر ۲۰۲۴) همراه با «کارزار جهانی نه به اعدام در ایران» و با مشارکت طیف گسترده‌ای از کنشگران ایرانی و بین‌المللی مدافع حقوق بشر و همچنین تعداد زیادی از سازمان‌ها و گروه‌های حقوق بشری، مدنی و سیاسی مخالف اعدام از سراسر جهان، یک برنامه ۲۴ ساعته زنده آنلاین در حمایت از کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» برگزار کرد.^{۱۰} همچنین در حال حاضر، هر هفته سه‌شنبه در حمایت از این کارزار، سازمان حقوق بشر ایران جلسات گفت‌وگوی آنلاینی با موضوعات مرتبط با اعدام در خانه «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در کلاب‌هاوس برگزار می‌کند.^{۱۱}

* برای توضیحات بیشتر درباره زرتشت احمدی‌راغب و پرونده‌اش به بخش فعالان مدنی در همین گزارش مراجعه کنید.
** برای توضیحات بیشتر درباره احمدرضا حائری و پرونده‌اش به بخش فعالان مدنی در همین گزارش مراجعه کنید.



تجمع گروهی از فعالان مدنی (از جمله جعفر پناهی، آرش صادقی، کامبیز نوروززاده، حسین رزاق، شقایق مرادی، آریا شیخی، هستی امیری و نرگس محمدی) در کنار تعدادی از خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام، از جمله خانواده وریشه مرادی، در اعتراض به مجازات مرگ مقابل سالن ملاقات زندان اوین- سه‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۳

وکلا

وکلاي ایرانی که از متهمان سياسي يا کنشگران حقوق بشر دفاع می کنند، سالهاست تحت فشارهای مستقیم و غیرمستقیم دستگاههای قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی قرار دارند. بسیاری از وکلای مدافع حقوق بشر تنها به علت انجام وظیفه حرفه ای خود، سالها به زندان افتاده اند و پروانه وکالت چندین تن از آنان لغو شده است. در سال جاری، پس از جنگ ۱۲ روزه بین ایران و اسرائیل، فشارهای حکومتی بر وکلا افزایش داشته و تنها از شهریورماه تاکنون، دهها وکیل احضار شده یا تحت تعقیب و بازداشت قرار گرفته اند و یا برای آنها پرونده سازی شده است؛ در حال حاضر ۵ وکیل دادگستری در زندان به سر می برند یا با پابند الکترونیکی دوران حبس خود را سپری می کنند که سه نفر از آنها وکیل حقوق بشر محسوب می شوند. در این بخش به وضعیت ۱۰ نفر از وکلایی می پردازیم که طی سال گذشته به دلیل دفاع از حقوق بشر در زندان بوده اند یا همچنان پرونده باز قضایی دارند.

جواد علیکردی

سن: ۴۸

حوزه فعالیت: وکیل دادگستری

وضعیت: زندانی مرکزی مشهد (وکیل آباد)

وضعیت حقوقی: ۱۰ سال حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، حبس انفرادی طولانی مدت، اذیت و آزار خانواده



پیشینه

جواد علیکردی وکیل دادگستری، استاد دانشگاه و عضو سابق شورای شهر سبزوار است. او وکیل حقوق بشری است که وکالت تعدادی از بازداشت شدگان اعتراضات ۱۴۰۱، زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه را به‌صورت رایگان برعهده گرفته بود.^{۱۱}

این وکیل دادگستری در دوران حبس برادرش، خسرو علیکردی که او نیز وکیل بود، وکالت فاطمه سپهری، فعال سیاسی و خانواده دادخواه ابوالفضل آدینه‌زاده، نوجوان کشته‌شده در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ را برعهده گرفت.^{۱۲}

او نخستین بار ۲۴ مرداد ۱۳۸۳، زمانی که عضو شورای شهر سبزوار بود، به اتهام «تشویش اذهان عمومی» و «توهین به مقامات کشوری و استانی» به ۲ سال حبس و ۱۴۸ ضربه شلاق محکوم و به زندان مرکزی سبزوار منتقل شد. این حکم در مراحل بعدی به جزای نقدی تبدیل و او با وثیقه آزاد شد. در جریان اعتراضات پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸، موسوم به جنبش سبز، جواد علیکردی در اثر شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای مأموران امنیتی از ناحیه چشم و لب مجروح شد، به‌گونه‌ای که تعدادی از ساچمه‌ها هنوز در دهان او باقی مانده‌اند.

این وکیل دادگستری ۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ با یورش مأموران به محل کارش بار دیگر بازداشت شد و بیش از ۳۰ روز در سلول انفرادی بازداشتگاه اداره اطلاعات مشهد تحت بازجویی قرار گرفت. دادگاه انقلاب مشهد او را به اتهام «تشکیل و اداره گروه تلگرامی به‌نام (امید، آگاهی و آزادی) با هدف براندازی حکومت» به ۶ سال و ۶ ماه، به اتهام «فعالیت علیه نظام» به ۸ ماه و به‌اتهام «توهین به رهبر جمهوری اسلامی» به یک سال و ۵ ماه حبس محکوم کرد. او همچنین، به ۲ سال ممنوعیت فعالیت و تدریس در محیط‌های آموزشی و دانشگاه، ممنوعیت خروج از کشور و ممنوعیت عضویت در احزاب سیاسی و اجتماعی محکوم شد.

این حکم پس از تجدیدنظرخواهی در شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی، به ۲ سال حبس کاهش یافت، ولی مجازات‌های تکمیلی مورد تأیید قرار گرفت. با تأیید این حکم، جواد علیکردی در تاریخ ۲۴ تیر ۱۴۰۰ برای اجرای حکم بازداشت و به زندان مرکزی مشهد (وکیل آباد) مشهد منتقل شد. او اسفند همان سال با قرار وثیقه آزاد شد.

به‌روزرسانی

با ادامه فعالیت‌های حقوق بشری جواد علیکردی، قرار تعلیق اجرای حکم زندانش در ۱۱ اسفند ۱۴۰۳ از سوی شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر خراسان رضوی لغو شد و نیروهای اطلاعات مشهد با حمله به دفتر وکالتش او را بازداشت و برای تحمل ۱۶ ماه حبس باقی‌مانده به زندان مرکزی مشهد (وکیل آباد) مشهد منتقل کردند.^{۱۴} این وکیل دادگستری ۲۰ مرداد ۱۴۰۴، پس از تحمل بیش از ۵ ماه حبس، تحت نظارت با پایبند الکترونیکی از زندان آزاد شد.

علیکردی از تدریس در دانشگاه محروم و همسرش، سمیه زندی نیز با وجود فارغ‌التحصیلی در رشته حقوق و قبولی در آزمون وکالت و بدون داشتن هرگونه سابقه سیاسی یا قضایی به‌دستور وزارت اطلاعات از دریافت پروانه وکالت محروم شده و شکایتش در این زمینه به دادگاه عالی قضات تاکنون بی‌نتیجه مانده است.

پس از جان‌باختن مشکوک برادرش، خسرو علیکردی، در ۱۵ آذر ۱۴۰۴، به‌طور عمومی اعلام کرد که نیروهای امنیتی دوربین‌های مداربسته دفتر کار خسرو را ضبط کرده‌اند و خواستار انتشار تصاویر دوربین‌ها شد، که به احضار و بازجویی از او منجر شد.

جواد علیکردی ۲۱ آذرماه پس از اعتراض به بازداشت خشونت‌آمیز شماری از فعالان مدنی شرکت‌کننده در مراسم هفتم برادرش در یک لایو اینستاگرامی و هشدار به افشگری در رابطه با مرگ خسرو علیکردی، بازداشت شد. این وکیل دادگستری ۳۱ فروردین ۱۴۰۵ در دادگاه انقلاب مشهد، بدون حق دسترسی به وکیل محاکمه و به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شد.

خسرو علیکردی

سن: ۴۶

حوزه فعالیت: وکیل دادگستری

وضعیت: در آذرماه ۱۴۰۴ به‌طور مشکوکی جان باخت
وضعیت حقوقی: در زمان مرگ پرونده قضایی باز داشت
حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه
و روند قانونی، محرومیت از دسترسی به وکیل، محرومیت از شغل
و تحصیل



پیشینه

خسرو علیکردی وکیل حقوق بشری است که در پی اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، موسوم به جنبش سبز، وکالت شماری از معترضان را برعهده گرفت. از آن پس، مأموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی او را بارها احضار و بازجویی کردند.

این وکیل دادگستری سال ۱۳۸۹ برای تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی در دانشگاه علامه طباطبایی پذیرفته شد، اما دانشگاه به درخواست وزارت اطلاعات از ثبت نام او خودداری کرد. با وجود شکایت خسرو علیکردی به دیوان عدالت اداری و صدور حکم قطعی مبنی بر رفع ممنوعیت تحصیل، صدرالدین شریعتی، رئیس وقت دانشگاه علامه طباطبایی، از اجرای حکم خودداری کرد و این وکیل حقوق بشر از ادامه تحصیل در این دانشگاه محروم ماند. او بعدتر در دانشگاه آزاد تهران مرکز مشغول به تحصیل شد.

در پی اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱، او بار دیگر وکالت تعدادی از زندانیان سیاسی و فعالان مدنی، از جمله حسن باقری نیا، فاطمه سپهری، و خانواده‌های دادخواه مانند خانواده ابوالفضل آدینه زاده، نوجوان کشته شده در جریان اعتراضات ۱۴۰۱، را برعهده گرفت. این وکیل دادگستری بارها در رسانه‌های اجتماعی به حکومت جمهوری اسلامی به دلیل سرکوب و نقض آزادی‌های مدنی و سیاسی انتقاد و درباره وضعیت نامناسب زندانیان سیاسی اطلاع‌رسانی کرده است.

شعبه اول دادگاه انقلاب مشهد به ریاست هادی منصوری در تاریخ ۷ آذر ۱۴۰۲ خسرو علیکردی را به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال زندان، ۲ سال تبعید به شهرستان نهبندان، ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور و اشتغال به وکالت و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی محکوم کرد. قاضی پرونده مصاحبه‌های او با رسانه‌های فارسی زبان خارج از ایران و اظهارنظرهای او در رسانه‌های اجتماعی را مصداق این اتهام دانست.^{۱۵} این حکم در دادگاه تجدیدنظر خراسان رضوی تأیید شد و او ۲۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۲ خود را برای اجرای حکم یک سال حبس به زندان مرکزی مشهد (وکیل‌آباد) معرفی کرد.^{۱۶}

علیکردی پس از ۸ ماه تحمل حبس، مهرماه ۱۴۰۳ با «رأی باز» که به او اجازه می‌داد در محیط خارج از زندان دوره محکومیت خود را بگذراند، از زندان آزاد شد؛ اما در تاریخ ۴ دی‌ماه همان سال، درحالی که ۴۵ روز از دوران حبس او باقی مانده بود، با احضار قاضی ناظر زندان به نام «طباطبایی» به زندان وکیل‌آباد مشهد مراجعه کرد و بدون هیچ توضیحی بازداشت شد.

به روزرسانی

خسرو علیکردی با پایان محکومیت در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۴۰۳ از زندان مرکزی مشهد (وکیل‌آباد) آزاد شد. او پس از آزادی اعلام کرد که با وجود ۵ سال تحصیل در مقطع دکترای رشته حقوق عمومی، به دلیل یک سالی که در زندان بوده، از ادامه تحصیل محروم شده است.^{۱۷} صبح روز شنبه ۱۵ آذرماه ۱۴۰۴ پیکر بی جان خسرو علیکردی در دفتر کارش پیدا شد. مقام‌های رسمی جمهوری اسلامی علت مرگ را براساس گزارش پزشکی قانونی، «سکته قلبی» اعلام کردند؛ اما با توجه به نکاتی که برخی منابع نزدیک به خانواده علیکردی در گفت‌وگو با سازمان حقوق بشر ایران مطرح کردند، شبهه یک قتل با دخالت نهادهای حکومتی در این پرونده بسیار جدی است. بر همین اساس، سازمان حقوق بشر ایران خواهان تشکیل یک کمیسیون مستقل تحت نظارت بین‌المللی برای تحقیق درباره دلیل مرگ خسرو علیکردی شد.^{۱۸}

امیرسالار داودی



سن: ۴۵

حوزه فعالیت: وکیل دادگستری

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: ۳۰ سال حبس و ۱۱۱ ضربه شلاق؛ اجرای حکم تا زمان رسیدگی مجدد معلق است

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، آزار و اذیت قضایی، شکنجه، محرومیت از رسیدگی درمانی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، حبس انفرادی طولانی مدت، محرومیت از تماس و ملاقات خانواده، تبعید به زندان دیگر

پیشینه

امیرسالار داودی، وکیل دادگستری، وکالت تعدادی از زندانیان سیاسی و فعالان مدنی، نوکیشان مسیحی و بهائیان را برعهده داشته است. این وکیل حقوق بشر ۲۹ آبان ۱۳۹۷ با یورش نیروهای امنیتی به محل کارش بازداشت و به سلول انفرادی زندان اوین منتقل شد.^{۱۹} او بعد از بازداشت ۱۹۰ روز را در سلول انفرادی گذراند. مأموران حفاظت اطلاعات قوه قضائیه هنگام بازداشت او، منزل و محل کارش را تفتیش کردند و برخی وسایل شخصی و نیز پرونده شماری از موکلان داودی را با خود بردند.

امیرسالار داودی خرداد ۱۳۹۸ در شعبه اول بازپرسی زندان اوین به «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت، نشر اکاذیب، توهین به مقامهای کشور، توهین به بنیانگذار و رهبر جمهوری اسلامی و تبلیغ علیه نظام» و در شعبه دوم بازپرسی این زندان به «تشکیل گروه برای براندازی نظام از طریق تشکیل کانال تلگرامی و همکاری با دولت متخاصم آمریکا از طریق مصاحبه با رسانه صدای آمریکا» متهم شد. او در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، به ریاست ابوالقاسم صلواتی، به ۳۰ سال حبس و ۱۱۱ ضربه شلاق محکوم شد- حکمی که ۱۵ سال از آن قابل اجرا بود. داودی در کانال تلگرامی «بدون روتوش» درباره نقض اصول دادرسی عادلانه در سیستم قضایی ایران، آزار وکلای دادگستری و موارد نقض حقوق بشر می‌نوشت.

حکم این وکیل حقوق بشر ۸ مردادماه ۱۳۹۸ در دادگاه تجدیدنظر قطعی شد.^{۲۰} داودی ۲۴ فروردین ۱۴۰۰ از زندان اوین به زندان رجایی‌شهر کرج تبعید شد، تا ۲۳ خرداد که شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور با درخواست اعاده دادرسی او موافقت کرد و با قرار وثیقه آزاد شد؛^{۲۱} اما یک ماه بعد، شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست محمدرضا عموزاد، حکم دیوان عالی کشور را «اشتباه» دانست و حکم دادگاه بدوی را عیناً تأیید کرد. او ۵ تیر ۱۴۰۱، هنگامی که به دادرسی اوین مراجعه کرده بود، به‌طور غیرمنتظره با دستور قاضی شعبه یک واحد اجرای احکام بازداشت و به بند ۴ زندان اوین منتقل شد.^{۲۲}

داودی از ۲۳ مهر ۱۴۰۱، بعد از آتش‌سوزی زندان اوین، به‌دلیل انتشار مطلبی درباره جنبش «زن، زندگی، آزادی» به‌مدت ۲ ماه از حق تماس با خانواده محروم شد.

جایزه بین‌المللی حقوق بشری لودویک تراریو-۲۰۲۲ به امیرسالار داودی تعلق گرفت که خردادماه ۱۴۰۲ در مراسمی به‌طور غیابی به او که در زندان بود، اهدا شد.^{۲۳} او بهمن‌ماه ۱۴۰۲ از سه مقام امنیتی وقت و پیشین قوه قضائیه جمهوری اسلامی به‌دلیل «ارتکاب جرائم و تخلفات محرز انتظامی» شکایت کرد.

به‌روزرسانی

این وکیل دادگستری ۱۲ شهریور ۱۴۰۳ به مرخصی سه روزه اعزام و سپس با پذیرش درخواست اعاده دادرسی، اجرای حکم او نیز متوقف شد.^{۲۴} او در حال حاضر آزاد و در انتظار برگزاری دادگاه در شعبه هم‌عرض تجدیدنظر است.

محمد رضا فقیهی



سن: ۵۴

حوزه فعالیت: وکیل دادگستری

وضعیت: زندانی در اوین

وضعیت حقوقی: ۵ سال حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه

و روند قانونی، محرومیت از مراقبت‌های پزشکی، محرومیت از

دسترسی به وکیل، انتقال اجباری از زندان اوین به زندان تهران

بزرگ، محرومیت از شغل و کالت

پیشینه

محمد رضا فقیهی وکیل دادگستری و عضو انجمن دفاع از حقوق زندانیان است که دفاع از پرونده تعدادی از فعالان مدنی و سیاسی را برعهده داشته است.

فقیهی در ۲۳ مرداد ۱۴۰۰ به همراه تعدادی از وکلا و فعالان مدنی برای ثبت شکایت علیه «ستاد ملی مقابله با کرونا» و رهبر جمهوری اسلامی به دلیل سوءمدیریت در مقابله با همه‌گیری کووید-۱۹ موسوم به «شکایت دادخواهان سلامت» به انجمن حمایت از حقوق شهروندی تهران مراجعه کرد.^{۲۵} در زمان ثبت این شکایت، ۱۵ نیروی امنیتی و دو مقام قضایی به جلسه وارد شدند و هر هفت شاکی، از جمله محمد رضا فقیهی را بازداشت کردند.^{۲۶} دادسرای اوین در سوم شهریور ۱۴۰۰ به وکیل منتخب او، سعید خلیلی، اجازه ورود نداد و به او گفته شد که هیچ وکیل یا وثیقه‌ای برای فقیهی پذیرفته نخواهد شد. هم‌زمان، مأموران امنیتی به منزل او حمله و وسایلش را ضبط کردند.^{۲۷}

این وکیل حقوق بشر در ۸ شهریور ۱۴۰۰ با وثیقه آزاد و حدود ۱۰ ماه بعد در ۳۰ خرداد ۱۴۰۱ به اتهام «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» به ۶ ماه حبس محکوم شد.^{۲۸} این حکم ۲۵ مرداد در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تأیید شد.^{۲۹}

هم‌زمان با اعتراضات «زن، زندگی، آزادی»، فقیهی ۲۰ مهر ۱۴۰۱ در تجمع وکلا مقابل کانون وکلای دادگستری تهران بازداشت و به زندان تهران بزرگ منتقل شد.^{۳۰} ۳ آبان‌ماه با وثیقه آزاد شد. او بابت این پرونده ۱۴ مهر ۱۴۰۳ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به اتهام «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» به پنج سال حبس، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال محرومیت از وکالت و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی محکوم شد.^{۳۱}

به‌روزرسانی

حکم زندان محمد رضا فقیهی از دوم بهمن ۱۴۰۳ به اجرا درآمد^{۳۲} و این وکیل دادگستری برای گذراندن پنج‌سال حبس به زندان اوین رفت. پس از حمله اسرائیل به زندان اوین در تیرماه ۱۴۰۴، فقیهی همراه سایر زندانیان با پابند و دستبند، شبانه به زندان تهران بزرگ منتقل^{۳۳} و پس از مدتی دوباره به زندان اوین بازگردانده شد.

صالح نقره‌کار، وکیل محمد رضا فقیهی، آبان‌ماه ۱۴۰۴ اعلام کرد که با وجود پذیرش درخواست اعاده دادرسی از سوی دیوان عالی کشور و دستور توقف اجرای حکم حبس، این دستور هنوز اجرا نشده است.

محمد نجفی



سن: ۵۱

حوزه فعالیت: وکیل دادگستری

وضعیت: زندانی در اوین

وضعیت حقوقی: ۲۲ سال و ۶ ماه حبس

حقوق نقض شده: آزار و اذیت قضایی، شکنجه و بدرفتاری، بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از مراقبت پزشکی، حبس انفرادی طولانی مدت، آزار و اذیت خانواده

پیشینه

محمد نجفی، وکیل دادگستری، پس از اعتراضات سال ۱۳۸۸ به دلیل فعالیت‌های حرفه‌ای و حقوق بشری، چندین بار بازداشت، پروانه وکالت او تعلیق و با پرونده‌سازی‌های متعددی روبه‌رو شد. همچنین، نهادهای امنیتی او را بارها تهدید^{۳۴} و برای فرزندش امیرحسین نجفی پرونده‌سازی کردند. او در ۲۵ دی ۱۳۹۶ پس از افشاگری درباره مرگ مشکوک وحید حیدری، معترض بازداشت‌شده در اراک، بازداشت و به سه سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.^{۳۵}

شعبه اول دادگاه انقلاب اراک در آبان ۱۳۹۷ او را به اتهام «کمک به دولت متخاصم، توهین به رهبری و تبلیغ علیه نظام» به ۱۳ سال حبس محکوم کرد.^{۳۶} این حکم در دادگاه تجدیدنظر نیز تأیید شد.^{۳۷} چند روز بعد، نجفی در پرونده‌ای جدید در دادگستری شازند هم به یک سال حبس محکوم شد.^{۳۸} یک ماه بعد، همین دادگاه بابت انتشار نامه انتقادی خطاب به رهبر جمهوری اسلامی، نجفی را به دو سال دیگر حبس محکوم^{۳۹} و دادگاه تجدیدنظر نیز آن را تأیید کرد.^{۴۰}

این وکیل دادگستری در دوران مرخصی از زندان، به دلیل سخنرانی در خانه گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی (وبلاگ‌نویسی که بر اثر شکنجه در بازداشتگاه پلیس فتا کشته شد)، ۱۸ بهمن ۱۳۹۸ در شعبه ۲۳ دادگاه انقلاب تهران به ۶ ماه زندان محکوم شد. نجفی که به بیماری‌های متعدد مبتلاست، مردادماه ۱۴۰۰ در زندان مرکزی اراک دچار سکته قلبی شد، ولی از درمان فوری خارج از زندان محروم ماند.^{۴۱} او چند ماه بعد، در اعتراض به محرومیت از رسیدگی پزشکی و مخالفت با اعزامش به مرخصی درمانی، اعتصاب غذا کرد و این اعتصاب را تا زمانی که به بیمارستان منتقل شود، ادامه داد.^{۴۲}

نجفی در سال ۱۴۰۲ به دلیل انتشار یک فایل صوتی از زندان و حمایت از اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری ۲ اراک به اتهام «نشر اکاذیب» به ۲ سال حبس و جزای نقدی و در شعبه دوم دادگاه انقلاب اراک به «اتهام تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم شد. محمد نجفی اردیبهشت‌ماه همان سال در دوران مرخصی و درحالی که روند درمانش تکمیل نشده بود، برای اجرای حکم به زندان احضار و به زندان اوین تهران، مکانی دور از خانواده در اراک، منتقل شد.^{۴۳}

به‌روزرسانی

شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات در سال ۱۴۰۴ پروانه وکالت محمد نجفی را باطل و او را به محرومیت دائم از اشتغال به حرفه وکالت محکوم کرد.^{۴۴} نجفی هم‌زمان به دلیل تلاش‌های گسترده برای دفاع از حقوق بشر و عدالت، برنده جایزه بین‌المللی حقوق بشر مرکز بین‌المللی حقوق بشر (ICHR) شد.^{۴۵}

پس از حمله اسرائیل به زندان اوین در تیرماه ۱۴۰۴، محمد نجفی در اثر موج انفجار زخمی و دچار مشکل شنوایی شد، اما مأموران همان شب او و ده‌ها زندانی دیگر را با دستبند، پابند و با زور اسلحه، از زندان اوین به زندان تهران بزرگ (فشافویه) منتقل کردند. او مردادماه در روندی که با رفتار خشونت‌آمیز مأموران همراه بود، بار دیگر به زندان اوین بازگردانده شد.

محمد نجفی آذرماه ۱۴۰۴ به دلیل انتشار یک فایل صوتی اعتراضی خطاب به رهبر جمهوری اسلامی، در پرونده‌ای دیگر به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «نشر اکاذیب» به ۳ سال حبس، جزای نقدی و ۲ سال منع عضویت در گروه‌های سیاسی و اجتماعی و ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. محمد نجفی آذرماه ۱۴۰۴ به دلیل انتشار یک فایل صوتی اعتراضی خطاب به رهبر جمهوری اسلامی، در پرونده‌ای دیگر به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «نشر اکاذیب» به ۳ سال حبس، جزای نقدی و ۲ سال منع عضویت در گروه‌های سیاسی و اجتماعی و ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. در ۶ بهمن ۱۴۰۴ در پیامی صوتی از زندان، رهبر جمهوری اسلامی را «امام جنایت» خواند که برای حفظ قدرت از اجساد ایرانیان مناره ساخته است. در واکنش، مسئولان زندان اوین تا اوایل ۱۴۰۵ از اعزام او به بیمارستان برای درمان مشکلات قلبی، دیابت و عوارض انفجار، ممانعت کردند.

بهنام نژادی

سن: ۳۷

حوزه فعالیت: وکیل دادگستری

وضعیت: احضار به زندان مرکزی اراک برای اجرای حکم

وضعیت حقوقی: در مجموع ۷ ماه و یک روز حبس مربوط به دو پرونده جداگانه

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل



پیشینه

بهنام نژادی وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای دادگستری مرکز (تهران) است که پس از اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» و بازداشت‌های گسترده معترضان، صفحه اینستاگرامی به نام «تخلفات انتظامی قضات»^{۴۶} را راه‌اندازی کرد تا به شهروندان آموزش دهد چگونه از ابزارهای قانونی برای طرح و پیگیری شکایاتشان استفاده کنند.

این وکیل دادگستری ۸ آذر ۱۴۰۳ به دلیل اداره این صفحه اینستاگرامی و پخش صدای ضبط‌شده یک بازپرس، به اتهام «تبلیغ علیه نظام» در شعبه دوم دادگاه انقلاب اراک به یک سال حبس و دو سال محرومیت از فعالیت وکالتی، محکوم شد.^{۴۷} این در حالی است که او تأکید کرده مستندات ارائه‌شده حفاظت اطلاعات قوه قضائیه جعلی است و اسکرین‌شات‌های پرونده ربطی به صفحه او ندارند و بررسی پلیس فتا هم انجام نشده است.^{۴۸} این حکم در دادگاه تجدیدنظر استان مرکزی به ۴ ماه حبس و یک سال محرومیت از وکالت تبدیل^{۴۹} و مدتی بعد، پس از تجویز اعاده دادرسی، یک سال محرومیت از وکالت از حکم او حذف شد.

به روزرسانی

نژادی ۱۱ اسفند ۱۴۰۳ برای اجرای حکم حبس راهی زندان اوین شد. ۵۰ پس از پذیرش اعاده دادرسی، او ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ به‌طور موقت از زندان آزاد شد.^{۵۱} یک ماه بعد، شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان مرکزی درخواست اعاده دادرسی بهنام نژادی را رد و محکومیت ۴ ماه حبس و یک سال منع فعالیت وکالتی را تأیید کرد.

نژادی خردادماه ۱۴۰۴ در پرونده‌ای دیگر به دلیل اداره همان صفحه آموزشی در اینستاگرام، در شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری دو اراک به اتهام «نشر اکاذیب و افشای اسرار» به حبس محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدیدنظر به ۳ ماه و یک روز حبس کاهش یافت.

او همچنین، در شعبه ۱۰۳ خاوران به اتهام «تظاهر و مداخله در امر وکالت» به ۶ ماه حبس و ۶ ماه شرکت در دوره سلامت روان و ۶ ماه محرومیت از وکالت محکوم شد.^{۵۲} این رأی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران نقض و نژادی از اتهام مربوطه تبرئه شد.

بهنام نژادی مردادماه ۱۴۰۴ برای اجرای حکم چهار ماه حبس به زندان احضار شد^{۵۳}، اما با وجود گذراندن یک ماه و نیم حبس در زندان اوین، دادرسی اجرای احکام اراک این مدت را به حساب نیاورد و او باید چهار ماه حبس را تحمل می‌کرد. دادگستری شهرستان اراک مهرماه ۱۴۰۴ این وکیل دادگستری را که ساکن تهران است و مدتی از حبس خود را در زندان اوین گذرانده، در اقدامی غیرقانونی، به زندان مرکزی اراک فراخواند.^{۵۴} با وجود این که بهنام نژادی اعلام کرده که برای معرفی خود به زندان اوین در تهران (محل سکونتش) آمادگی دارد، حساب‌های بانکی و خط تلفن همراهش به بهانه نافرمانی از اجرای حکم مسدود و به تمام حوزه‌های قضایی و نیروهای انتظامی دستور داده شد که او را بازداشت و به شعبه اجرای احکام اراک منتقل کنند. در آبان ۱۴۰۴، بهنام نژادی با انتشار بیانیه‌ای درباره خطرات انتقال اجباری خود به زندان مرکزی اراک هشدار داد و اعلام کرد اصرار مقام‌های قضایی برای انتقال او به این زندان می‌تواند شرایطی «سخت و خطرناک» برایش ایجاد کند.

محمد سیف‌زاده

سن: ۷۸

حوزه فعالیت: وکیل دادگستری

وضعیت: آزاد؛ تعلیق اجرای حکم به دلیل بیماری

وضعیت حقوقی: یک سال حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، شکنجه، محرومیت از مراقبت‌های پزشکی، انفرادی طولانی مدت، عدم رعایت تفکیک جرایم، محرومیت از شغل و کالت



پیشینه

محمد سیف‌زاده وکیل دادگستری و از بنیان‌گذاران کانون مدافعان حقوق بشر است که مجموعاً ۱۳ بار، پنج بار در زمان حکومت پهلوی و هشت بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی زندانی شده است. او پیش از انقلاب و تا سال ۱۳۶۱ به‌عنوان قاضی فعالیت می‌کرد، اما از آن سال دیگر حاضر به اجرای قانون مجازات اسلامی نشد و از قضاوت کناره گرفت.

این وکیل حقوق بشر در آبان ماه سال ۱۳۸۹ به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق شرکت در تأسیس کانون مدافعان حقوق بشر ایران» به ۹ سال زندان و ۱۰ سال محرومیت از وکالت محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدیدنظر تهران به دو سال حبس کاهش یافت.

نیروهای امنیتی ۱۷ فروردین ۱۳۹۰ سیف‌زاده را در شهر ارومیه به اتهام خروج غیرقانونی از کشور بازداشت کردند. او پس از یک ماه حبس در سلول انفرادی، به بند عمومی زندان اوین منتقل و سپس در دی‌ماه ۱۳۹۱ بدون رعایت اصل تفکیک جرایم، به زندان رجایی‌شهر کرج تبعید شد.^{۵۵}

محمد سیف‌زاده سال ۱۳۹۱، درحالی که در زندان بود، به دلیل نوشتن نامه به محمد خاتمی و امضای بیانیه‌های گروهی به «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» متهم و در دادگاهی به ریاست قاضی صلواتی به شش سال حبس محکوم شد.

این وکیل دادگستری ۲۰ اسفند ۱۳۹۴ با پایان دوران حبس از زندان رجایی‌شهر کرج آزاد شد. او در مدت حبس به دلیل شرایط بد زندان و محرومیت از رسیدگی پزشکی، در زندان‌های اوین و رجایی‌شهر هفت‌بار دچار سکت قلبی شد.

محمد سیف‌زاده آذرماه ۱۴۰۱ به‌همراه چند فعال حقوق بشری در نامه‌ای به آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، خواستار واکنش به اعدام‌ها و سرکوب اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» شد.^{۵۶} او اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲، در ارتباط با این نامه، در شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب تهران به ریاست علی مظلوم بابت اتهامات «تبلیغ علیه نظام» و «نشر اکاذیب» به یک سال حبس محکوم شد. این حکم در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تهران نیز تأیید شد، درحالی که هر دو دادگاه به‌صورت غیابی برگزار شدند زیرا این وکیل حقوق بشر دادگاه‌های انقلاب را غیرقانونی خواند و در جلساتشان شرکت نکرد.^{۵۷}

پس از تأیید حکم، از او خواسته شد تا با امضای توبه‌نامه از رهبر جمهوری اسلامی، تقاضای عفو کند که او از انجام این کار خودداری کرد.^{۵۸}

محمد سیف‌زاده چندین بار برای اجرای حکم احضار شد، تا این که در ۵ مرداد ۱۴۰۲ با معرفی او به پزشکی قانونی برای بررسی سوابق بیماری‌اش، اجرای حکم به‌صورت موقت متوقف شد.

محمد سیف‌زاده اردیبهشت ۱۴۰۳ بار دیگر برای اجرای حکم به دادرسی اوین احضار شد؛ اما این حکم، با بستری شدن او در بیمارستان برای عمل جراحی قلب متوقف شد.^{۵۹}

به‌روزرسانی

محمد سیف‌زاده اردیبهشت ۱۴۰۳ بار دیگر برای اجرای حکم به دادرسی اوین احضار شد؛ اما این حکم، با بستری شدن او در بیمارستان برای عمل جراحی قلب متوقف شد.^{۵۹}

سعید شیخ

سن: ۳۹

حوزه فعالیت: وکیل دادگستری

وضعیت: آزاد؛ در انتظار برگزاری دادگاه تجدیدنظر

وضعیت حقوقی: یک سال و شش ماه حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه

و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، حبس

انفرادی طولانی مدت، محرومیت از اشتغال

پیشینه

سعید شیخ، وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای مرکز، نخستین بار ۲۰ مهر ۱۴۰۱ هنگام تجمع وکلا مقابل ساختمان کانون وکلا در جریان اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» بازداشت و پس از تحمل دو ماه حبس، از زندان تهران بزرگ با قید وثیقه آزاد شد. شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب دی ماه همان سال، شیخ را به اتهامات «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» در مجموع به سه سال حبس محکوم کرد.^{۱۶} او در این پرونده، مشمول عفو و پرونده مختومه شد.

به روزرسانی

سعید شیخ آبان ماه ۱۴۰۴ در شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری ۲ تهران به یک سال و شش ماه حبس، پرداخت جزای نقدی و محرومیت از اشتغال در حرفه وکالت محکوم شد. دادگاه صدور این حکم را فعالیت و اظهارنظر در فضای مجازی عنوان کرده است. این پرونده در مرحله تجدیدنظر قرار دارد.

نسرین ستوده



سن: ۶۳

حوزه فعالیت: وکیل دادگستری

وضعیت: به‌طور موقت و با قید کفالت آزاد

وضعیت حقوقی: در مجموع ۲۷ سال حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، حبس انفرادی طولانی‌مدت، محرومیت از رسیدگی درمانی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، آزار و اذیت خانواده، محرومیت از شغل و کالت

پیشینه

نسرین ستوده، وکیل دادگستری، عضو انجمن مدافعان حقوق بشر ایران و عضو هیئت‌مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان، وکالت ده‌ها پرونده فعالان حقوق بشر، کودکان قربانی کودک‌آزاری، کودکان در معرض اعدام و «دختران خیابان انقلاب»^{۶۲} را برعهده داشته است. او همچنین یکی از اعضای کارزار «لگام: لغو گام‌به‌گام اعدام» و از برندگان جایزه ساخاروف برای آزادی اندیشه و جایزه روبرت بندیتز برای مبارزه علیه مجازات مرگ است.^{۶۳} این وکیل حقوق بشر ۱۳ شهریور سال ۱۳۸۹ بازداشت و به ۱۱ سال حبس، ۲۰ سال محرومیت از وکالت و ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدیدنظر به شش سال حبس و ۱۰ سال محرومیت از وکالت کاهش یافت. او شهریورماه ۱۳۹۲ آزاد شد. ستوده بار دیگر ۲۳ خرداد ۱۳۹۷ در منزلش بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.^{۶۴} چندی بعد، شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به‌طور غیابی او را به اتهام «اختفای جاسوسی» به پنج سال حبس محکوم کرد.^{۶۵} این اتهام بعدها به «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» تغییر یافت. او اسفند همان سال در پرونده‌ای جداگانه با هفت اتهام، به ۳۳ سال و ۶ ماه زندان و ۱۴۸ ضربه شلاق محکوم شد.^{۶۶} یکی از اتهامات او «ترویج فساد و فحشا» به‌دلیل وکالت پرونده‌های دختران انقلاب اعلام شد. این وکیل حقوق بشر در زندان، بارها برای مطالبات مدنی، از جمله آزادی زندانیان سیاسی، اعتصاب غذا کرد.^{۶۷} او بارها ممنوع الملاقات شد که در یک مورد به‌دلیل خودداری از پوشیدن چادر در زمان ملاقات بود. حکم حبس ستوده بعدها به‌دلیل فشارهای بین‌المللی به در مجموع ۲۷ سال تغییر یافت و مجازات شلاق نیز حذف شد. این وکیل حقوق بشر با وجود وخامت وضعیت جسمانی و توصیه متخصصان مبنی بر ضرورت انجام معاینات قلب و عمل آنژیوگرافی، در تاریخ ۲۹ مهر ۱۳۹۹ به بهانه انتقال به بیمارستان، به زندان قرچک ورامین (ندامتگاه زنان استان تهران) منتقل شد.^{۶۸} نسرین ستوده و خانواده‌اش سال‌ها تحت فشار مأموران و نهادهای امنیتی و مقام‌های قضایی بودند. دخترش، مهرآه خندان، در سال ۱۳۹۹ بازداشت^{۶۹} و حساب‌های بانکی نسرین و همسرش، رضا خندان، مسدود شدند.^{۷۰} مهرآه در نهایت به‌دلیل فشارهای حکومتی بر این خانواده مجبور به ترک ایران شد. در موردی دیگر، پسر نسرین ستوده، نیما، هنگام ملاقات با پدر که در زندان بود، مورد ضرب‌وشتم مأموران زندان قرار گرفت و بازداشت شد.^{۷۱} ستوده به‌دلیل وضعیت وخیم جسمانی از اول مرداد ۱۴۰۰ از زندان به مرخصی درمانی رفت؛ اما ۸ آبان ۱۴۰۲ در مراسم خاکسپاری آرمیتا گراوند^{۷۲} (دانش‌آموز مخالف حجاب اجباری که به‌طرز مشکوکی در مترو تهران جان خود را از دست داد) زمانی که تلاش می‌کرد مانع حمله نیروهای امنیتی به یک مادر دادخواه شود، بار دیگر بازداشت شد.^{۷۳} او در بازداشتگاه پلیس امنیت تهران مورد شکنجه فیزیکی قرار گرفت و به زندان قرچک ورامین (ندامتگاه زنان استان تهران) و سپس به زندان اوین منتقل شد. خبرگزاری حکومتی فارس دلیل بازداشت او را «کشف حجاب و فعالیت علیه امنیت روانی جامعه» اعلام کرد.^{۷۴} ستوده در ۲۴ آبان ۱۴۰۲ با قید وثیقه آزاد شد.^{۷۵}

به‌روزرسانی

نسرین ستوده که همچنان با وثیقه آزاد بود، مهرماه ۱۴۰۴ اعلام کرد به‌دلیل رعایت‌نکردن حجاب اجباری، از ملاقات همسرش رضا خندان در زندان محروم شده است.

او ۱۲ فروردین ۱۴۰۵ در منزل خود بازداشت شد و پس از ۱۷ روز بی‌خبری، در تماس کوتاهی به خانواده‌اش اعلام کرد که در یکی از بازداشتگاه‌های وزارت اطلاعات نگهداری می‌شود. مهرآه خندان، دختر ستوده، ضمن ابراز نگرانی درباره بیماری قلبی مادرش، اعلام کرد مأموران هنگام بازداشت، وسایل الکترونیکی خانواده را ضبط کرده‌اند. او ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ با قرار کفالت به‌طور موقت آزاد شد.

فرزانه زیلابی

سن: ۴۷

حوزه فعالیت وکیل دادگستری

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: در انتظار دادگاه تجدیدنظر

حقوق نقض شده: آزار و اذیت و تهدید قضایی، فقدان دادرسی

عادلان و روند قانونی



پیشینه

فرزانه زیلابی، وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای خوزستان، وکالت تعدادی از معترضان اعتراضات سال ۱۴۰۱، کارگران هفت‌تپه و گروه ملی فولاد اهواز، فعالان کارگری، بازنشستگان، روزنامه‌نگاران و معلمان عمدتاً خوزستانی را برعهده داشته و برای پی‌گیری مطالبات صنفی کارگران و آزادی کارگران بازداشتی تلاش کرده است. این وکیل دادگستری بارها از سوی مقام‌های امنیتی احضار و تهدید شده است.^{۷۶}

زیلابی در سال ۱۳۹۸ تهدید و شکنجه جسمی و روانی اسماعیل بخشی، کارگر معترض هفت‌تپه، در بازداشتگاه امنیتی را افشا^{۷۷} و به عدم استقلال قوه قضاییه و قضاوت و دخالت نیروهای امنیتی در روند قضایی معترضان اعتراض کرد.^{۷۸} این افشاگری موجب شد که دادستان و حفاظت اطلاعات دادگستری شوش برای او پرونده جدیدی با موضوع «نشر اکاذیب» باز کنند. با وجود اعلام مختومه‌شدن این پرونده در شعبه ۴ دادسرا، چندی بعد شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری ۲ اهواز، زیلابی را به سه ماه و یک روز حبس محکوم کرد.

در پی ادامه فشارها بر این وکیل حقوق بشر، در تاریخ ۲ مرداد ۱۳۹۸ و درحالی‌که تنها یک هفته به جلسه دادگاه کارگران هفت‌تپه باقی مانده بود، او به دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اهواز احضار شد.^{۷۹}

اتهامات او در دادسرا «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، «توهین به رهبری»، «عضویت در گروه‌های معاند» و «نشر اکاذیب» عنوان شدند.^{۸۰}

پس از آن‌که رئیس دیوان محاسبات کشور در اردیبهشت ۱۴۰۰ اعلام کرد با «حمایت قوه قضاییه»، شرکت نیشکر هفت‌تپه به مالکیت عمومی بازگردانده و ملی شده است، مقام‌های امنیتی به‌طور مداوم او را تهدید کردند تا از پرونده هفت‌تپه کناره‌گیری کند. شعبه دوم دادگاه انقلاب اهواز در ۲۲ شهریور ۱۴۰۰ زیلابی را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس و دو سال ممنوع‌الخروجی محکوم کرد و او از اتهام‌های دیگر تبرئه شد.^{۸۱}

با اجرای حکم اعدام اولین معترض خیزش «زن، زندگی، آزادی» در آذرماه ۱۴۰۱، زیلابی به‌همراه چندین فعال حقوق بشر ایرانی در نامه‌ای به آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد، خواستار واکنش او به اعدام‌های گسترده در ایران شد.^{۸۲}

دو ماه بعد، بار دیگر شعبه ۱۳ دادسرای انقلاب اهواز این وکیل حقوق بشر را به اتهام‌های «توهین به رهبری»، «نشر اکاذیب در فضای مجازی جهت تشویش اذهان عمومی»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» و «عضویت در گروه‌های معاند» احضار کرد.^{۸۳}

زیلابی ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ در شعبه ۴ دادگاه انقلاب اهواز به اتهام‌های «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «توهین به رهبری» به یک سال و نیم حبس محکوم شد.^{۸۴}

به‌روزرسانی

فرزانه زیلابی در حال حاضر با قرار وثیقه آزاد و هر سه پرونده او در دادگاه تجدیدنظر خوزستان در حال بررسی است.

روزنامه‌نگاران

هم‌زمان با وضعیت پرتنش سیاسی، جنگ و بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و محیط زیستی در ایران در یک سال گذشته، حکومت جمهوری اسلامی نیز سرکوب آزادی بیان و اطلاع‌رسانی را تشدید کرده است. همچنین، برخوردهای قضایی و امنیتی با روزنامه‌نگاران افزایش یافته و تعدادی از رسانه‌ها توقیف و وبسایت‌های خبری نیز مسدود شده‌اند.

گزارشگران بدون مرز در گزارش سالانه ۲۰۲۵ خود در زمینه آزادی رسانه‌ها ایران را سرکوبگرترین کشور و با ۲۱ روزنامه‌نگار زندانی یکی از بزرگ‌ترین زندان‌بانان روزنامه‌نگاران در جهان اعلام کرد. براساس این گزارش، ایران در رده‌بندی جهانی آزادی رسانه‌ها بار دیگر در میان پایین‌ترین رتبه‌های جهان قرار گرفته و رتبه ۱۷۶ را در میان ۱۸۰ کشور به خود اختصاص داده است.^{۸۵}

جمهوری اسلامی نه‌تنها روزنامه‌نگاران داخل ایران، که روزنامه‌نگاران ایرانی خارج از کشور را نیز که با رسانه‌های فارسی‌زبان همکاری می‌کنند، به‌طور مداوم تحت فشار و آزار و حتی هدف تهدید جانی^{۸۶} قرار می‌دهد. علاوه‌بر این، ارباب و تهدید حکومتی به روزنامه‌نگاران ایرانی محدود نمی‌شود؛ در سالی که گذشت، یک خبرنگار ایتالیایی به‌نام چچیلیا سالادسامبر ۲۰۲۴ (آذر ۱۴۰۳) در تهران بازداشت و پس از حدود سه هفته، در ژانویه ۲۰۲۵ (دی ۱۴۰۳) آزاد شد.

در این بخش به وضعیت چند روزنامه‌نگار خواهیم پرداخت که به‌دلیل اطلاع‌رسانی و فعالیت رسانه‌ای مرتبط با حقوق بشر، زندانی شده‌اند یا پرونده باز قضایی دارند.

کامیار فکور

سن: ۳۰

حوزه فعالیت: روزنامه نگار

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، سانسور رسانه‌ای، محرومیت از رسیدگی درمانی، محرومیت از ملاقات، انتقال اجباری به زندان قزل حصار



پیشینه

کامیار فکور، روزنامه‌نگار حوزه اقتصاد محیط زیست، فعال حقوق کارگران، شاعر، خواننده رپ و یکی از امضاکنندگان کارزار حمایت از کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت‌تپه، بارها احضار و بازداشت شده است.

این روزنامه‌نگار یک‌بار سال ۱۳۹۸ در تظاهرات روز کارگر مقابل ساختمان مجلس بازداشت و چند روز بعد آزاد شد. او ۱۷ اسفند ۱۳۹۹ پس از حضور تجمع بازنشستگان مقابل ساختمان وزارت کار با ضرب‌وشتم مأموران امنیتی بار دیگر بازداشت ۸۷، به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل ۸۸ و در ۲۷ اسفند با قرار وثیقه آزاد شد.^{۸۹}

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری در مهرماه ۱۴۰۰ این روزنامه‌نگار را به اتهام «نشر اکاذیب» به دو سال حبس و به اتهام «اخلال در نظم عمومی» به هشت ماه حبس، ۷۴ ضربه شلاق و جریمه نقدی محکوم کرد. قاضی حکم فکور را به مدت پنج سال در حالت تعلیق قرار داد، اما با شرط رعایت این موارد:

(۱) کسب مجوز از مقام قضایی برای سفر خارج کشور؛ (۲) شرکت در جلسات مشاوره برای کنترل هیجان و پرهیز از ناامیدی در مؤسسه روانشناسی مأوای قم؛ (۳) اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی به مقام قضایی؛ (۴) خودداری از فعالیت اجتماعی و سیاسی در شبکه‌های اجتماعی.^{۹۰} کامیار فکور اردیبهشت ۱۴۰۱ بار دیگر بازداشت و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم شد. این پرونده پس از دوماه تحمل حبس، شامل عفو و مختومه شد.

در دوران اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» و در تاریخ ۱۵ آبان‌ماه ۱۴۰۱، نیروهای امنیتی به منزل فکور و همسرش سروناز احمدی هجوم بردند و پس از تفتیش خانه و توقیف وسایل شخصی، آن‌ها را بازداشت کردند.^{۹۱} فکور با وجود تعیین وثیقه و نیاز به درمان برای بیماری دیسک کمر، آذرماه برای اجرای حکم به زندان اوین منتقل شد.^{۹۲}

این روزنامه‌نگار در تاریخ ۱۹ بهمن همان سال آزاد شد، اما یک ماه بعد شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب او را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم کرد. این حکم در دادگاه تجدیدنظر به هشت ماه حبس کاهش یافت.^{۹۳}

هشتم اردیبهشت ۱۴۰۲ مأموران امنیتی با یورش به خانه محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران، تعدادی از معلمان و فعالان کارگری، از جمله کامیار فکور، را بازداشت و به زندان اوین منتقل کردند.^{۹۴} این پرونده بعداً مختومه شد، اما اجرای حکم ۸ ماه حبس فکور آغاز شد. او در دوران حبس به دستور رئیس اندرزگاه ۴ زندان اوین ممنوع‌الملاقات بود^{۹۵} و ۱۲ شهریور ۱۴۰۲ بدون اطلاع قبلی به زندان قزل حصار تبعید شد.

چند روز بعد با شکایت اداره کل زندان‌های استان تهران، پرونده‌ای جدید با اتهام‌های «اخلال در نظم و آسایش عمومی و توهین به مقامات و مأموران زندان» در شعبه ۳ بازپرسی دادسرای اوین علیه این روزنامه‌نگار ثبت شد.^{۹۶} فکور ۵ مهرماه ۱۴۰۲ به اوین بازگردانده شد.

در آذر ماه ۱۴۰۲ پس از تحمل هشت ماه حبس، حکم دو سال حبس تعلیقی او (پرونده سال ۱۴۰۰) به اجرا گذاشته شد.^{۹۷}

به‌روزرسانی

محکومیت حبس این روزنامه‌نگار در آبان ۱۴۰۳ به رأی باز تبدیل و او دوم آبان‌ماه از زندان اوین آزاد شد.^{۹۸} کامیار فکور باقی دوران محکومیت خود را خارج از زندان می‌گذراند.



اژدر پیری سارمانلو

سن: ۳۶

حوزه فعالیت: روزنامه نگار

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل

پیشینه

اژدر پیری سارمانلو، روزنامه نگار، پژوهشگر و سردبیر ماهنامه بین‌المللی پژوهش ملل، ۳۰ مهرماه ۱۴۰۳ با یورش نیروهای امنیتی به منزلش، بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات کرج منتقل شد. این روزنامه نگار که در طول مدت بازداشت از دسترسی به وکیل محروم بود، پس از ۲۱ روز بازجویی به زندان مرکزی کرج (ندامتگاه) منتقل و سه روز بعد با وثیقه آزاد شد.

به روزرسانی

اژدر پیری سارمانلو بهمن‌ماه ۱۴۰۳، در شعبه سوم دادگاه انقلاب کرج به اتهام «تبلیغ علیه نظام و توهین به مقامات» به یک سال حبس و ۲ سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی محکوم شد. او ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ پس از مراجعه به شعبه اجرای احکام دادرسی کرج بازداشت و برای تحمل دوران محکومیت، به ندامتگاه مرکزی کرج منتقل شد.^{۹۹}

حکم اژدر پیری سارمانلو ۱۹ شهریور ۱۴۰۴ به رأی باز تبدیل شد و او باقی‌مانده دوران حبس خود را خارج از ندامتگاه مرکزی کرج سپری کرد.^{۱۰۰}



ویدا ربانی

سن: ۳۶

حوزه فعالیت: روزنامه نگار

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: دو سال حبس تعلیقی

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، محرومیت از رسیدگی درمانی، محرومیت از مرخصی، حبس در سلول انفرادی

پیشینه

ویدا ربانی روزنامه نگار، عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران و کارشناس ارشد علوم سیاسی است که در روزنامه‌هایی مانند شرق و هفته‌نامه صدا، مقالاتی منتشر کرده است. او از جمله مدافعان حقوق بشری است که حتی از داخل زندان، در واکنش به اجرای گسترده احکام اعدام در ایران، در حیاط بند زنان زندان اوین تجمع کردند.^{۱۱}

این روزنامه نگار از دی‌ماه ۱۳۹۸ که حین تهیه گزارش درباره اعتراض‌های مردمی به سرنگون‌شدن هواپیمای اوکراینی با موشک‌های سپاه پاسداران دستگیر شد، چندین بار بازداشت شده است. شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب مردادماه ۱۴۰۱ او را در پرونده مربوط به دعوت و فراخوان برای تجمع اعتراض به سرنگونی هواپیمای اوکراینی، به اتهام «توهین به مقدسات» به پنج سال حبس، به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» به چهار سال حبس، به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به هشت ماه و به اتهام «اخلال در نظم» به هشت ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق تعزیری محکوم شد که دادگاه دو پنجم از حکم قابل اجرا در این پرونده را تعلیق کرد.^{۱۲}

پس از آغاز اعتراضات جنبش «زن، زندگی، آزادی» ربانی ۲ مهرماه ۱۴۰۱ بار دیگر بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. دی‌ماه همان سال، شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری، این روزنامه نگار را به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» به هفت سال و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۱۵ ماه حبس محکوم کرد. شرکت در تجمع روبروی بیمارستان کسری (بیمارستانی که ژینا) مهسا امینی پس از ضرب و شتم مأموران گشت ارشاد در آن بستری بود) و نیز شرکت در تجمع برای مقابله با حجاب اجباری، بخشی از مصادیق اتهامات او بودند. این حکم در دادگاه تجدیدنظر تأیید ولی بعدتر، مشمول عفو شد.

این روزنامه نگار در دوران حبس، با وجود نیاز به درمان خارج از زندان، از دریافت مراقبت‌های پزشکی لازم محروم بود و اعتصاب غذا کرد.^{۱۳} او در اردیبهشت ۱۴۰۲ در پی وخامت وضعیت جسمانی‌اش به دلیل عدم رسیدگی پزشکی، از زندان اوین به بیمارستان منتقل شد. ربانی خردادماه ۱۴۰۲ در نامه‌ای سرگشاده، خبرگزاری میزان، رسانه رسمی قوه قضائیه جمهوری اسلامی، را به افشای اطلاعات خصوصی پزشکی متهم کرد و نوشت که حکومت برای «بی‌حیثیت کردن» فعالان سیاسی و مدنی از بیماری‌های اعصاب و روان به‌عنوان ننگ استفاده می‌کند. پیش‌تر این خبرگزاری اعلام کرده بود که دلیل منتقل‌نشدن ربانی به مراکز درمانی، سابقه قبلی او در استفاده از داروهای اعصاب و روان است.^{۱۴} این روزنامه نگار در نامه‌اش درباره پخش آسان و بی‌دردسار داروهای اعصاب و روان و آرام‌بخش در میان بازداشت‌شدگان در جریان اعتراضات نیز افشاگری کرد.

به‌روزرسانی

ویدا ربانی ۲۰ فروردین ۱۴۰۴ با آزادی مشروط از زندان اوین آزاد شد، در حالی که حدود چهار ماه از محکومیتش باقی مانده بود و دو سال از حبس او به‌مدت پنج سال تعلیق شده بود. پس از سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، او از امضاکنندگان بیانیه‌ای بود که رهبر جمهوری اسلامی را مسئول کشتار معترضان می‌دانست و خواستار محاکمه عاملان و پایان حکومت شد. در پی انتشار این بیانیه، او در ۱۱ بهمن بازداشت و به زندان مرکزی تنکابن منتقل شد. ویدا ربانی در بازداشتگاه آگاهی ساری و سپس در زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفت و آثار کبودی بر بدنش مشاهده شده و به دلیل رعایت نکردن حجاب اجباری با خشونت، از جمله کشیدن و کندن مو، مواجه شده است. او در اعتراض به نگهداری در زندانی خارج از شهر محل سکونتش، از ۱۷ بهمن‌ماه دست به اعتصاب غذا زد و ۲۸ بهمن‌ماه با تودیع وثیقه از زندان مرکزی تنکابن آزاد شد.

خانواده‌های دادخواه

خانواده‌های دادخواه به اعضای خانواده‌هایی اطلاق می‌شود که فرد یا افرادی از خانواده را در جریان حوادث و وقایع خشونت‌بار سیاسی یا اجتماعی با عاملیت جمهوری اسلامی از دست داده‌اند، یکی از اعضای خانواده‌شان در زندان یا بازداشت جمهوری اسلامی به سر می‌برد، مشمول ناپدیدسازی قهری یا اعدام شده، و یا در جریان اعتراضات علیه حکومت زخمی شده یا آسیب دیده است؛ این افراد فعالانه در پی حقیقت‌یابی، پاسخگو کردن عاملان و آمران آن وقایع و اجرای عدالت‌اند.

طی سال‌های اخیر، خانواده‌های دادخواه تحت شدیدترین فشارهای امنیتی و قضایی بوده‌اند. با وجود شکایت‌های رسمی دادخواهان برای شناسایی قاتلان عزیزانشان، مقام‌های قضایی و نظامی نه تنها به مطالبه آنان رسیدگی نکرده‌اند، بلکه با اتهام‌هایی چون «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» علیه خود آنان پرونده قضایی تشکیل داده‌اند. این فشارها منجر به صدور احکام سنگین حبس برای تعدادی از دادخواهان شده و شماری از آنان نیز زندانی‌اند. نهادهای امنیتی به‌طور مستمر خانواده‌ها را زیر نظر دارند و برای وادار کردن آنان به سکوت، از روش‌هایی چون تهدید، آزار سایر اعضای خانواده، ضرب‌وشتم، احضارهای مکرر، اخراج از شغل و بازداشت استفاده می‌کنند. برگزاری مراسم سالگرد کشته‌شدگان اغلب با محدودیت‌های شدید، ممانعت یا بازداشت اعضای خانواده همراه بوده است. همچنین، انتشار هرگونه محتوای اعتراضی در فضای مجازی با تهدید و تشکیل پرونده مواجه می‌شود. درنهایت، این فشارهای امنیتی شماری از خانواده‌های دادخواه را ناگزیر به ترک ایران کرده است.

این بخش از گزارش به اعضای خانواده‌های دادخواه می‌پردازد که طی سال گذشته، به دلیل پی‌گیری حقیقت و مطالبه عدالت، تحت تعقیب قضایی قرار گرفته‌اند.

یادآوری این نکته ضروری است که در ماه‌های اخیر و پس از بازه زمانی مورد بررسی این گزارش، به‌دنبال سرکوب خونین اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، هزاران خانواده به جمع خانواده‌های دادخواه در ایران افزوده شده‌اند. بسیاری از آنان نیز طی ماه‌های اخیر تحت فشار شدید، تهدید و حتی تعقیب قضایی جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. پرداختن به این موارد در گزارش جاری امکان‌پذیر نبوده است.

خانواده آدینه‌زاده



حوزه فعالیت: خانواده دادخواه

حقوق نقض شده: دستگیری و بازداشت خودسرانه و غیرقانونی، شکنجه و آزار، زیر نظر بودن و احضار و تهدید مداوم، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، آزار و اذیت خانواده

پیشینه

ابوالفضل آدینه‌زاده، نوجوان ۱۷ ساله، در جریان جنبش اعتراضی «زن، زندگی، آزادی» در تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۴۰۱ در شهر مشهد، به دست نیروی یگان ویژه مشهد با اصابت ده‌ها تیر ساچمه‌ای کشته شد.^{۱۰۵} از آن پس، خانواده او، از جمله علی آدینه‌زاده، پدرش، گلدسته حسینی جهان‌آباد، مادرش و مرضیه آدینه‌زاده، خواهرش، به دلیل دادخواهی و درخواست رسیدگی مقام‌های قضایی و نظامی به پرونده قتل ابوالفضل، چندین بار به نهادهای امنیتی احضار و بازداشت و برای آنان پرونده قضایی تشکیل شده است.

علی آدینه‌زاده (۵۵ ساله) که تصاویری از مزار پسرش با مضمون دادخواهی در صفحه اینستاگرامش منتشر می‌کرد، چندین بار به اتهاماتی از جمله نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی^{۱۰۶}، تبلیغ علیه نظام و حتی انتشار عکس مبتذل به دادرهای انقلاب، احضار شده است.^{۱۰۷} این پدر دادخواه در سال ۱۴۰۱ از نیروی انتظامی و نظامی به دادرهای نظامی استان خراسان رضوی، شکایت کرد و خواستار بازبینی و بررسی فیلم‌های دوربین‌های مداربسته در زمان قتل فرزندش شد.^{۱۰۸} اما پس از حدود یک سال، نه تنها به پرونده قتل پسرش رسیدگی نشد، بلکه مأموران اطلاعات شرط رسیدگی به پرونده را سکوت و همکاری آدینه‌زاده با این نهاد عنوان کردند.

در آستانه سالروز تولد ابوالفضل، در ۲۶ خرداد ۱۴۰۲، در حالی که خانواده‌اش خود را برای برگزاری مراسم آماده می‌کردند، مأموران وزارت اطلاعات مرضیه را بازداشت کردند؛ پس از مواجه شدن با اعتراض پدرش، او را هم با ضرب و شتم بازداشت کردند، سپس با یورش به منزل این خانواده دادخواه، سایر اعضای خانواده را نیز دستگیر کردند. به دلیل حبس این افراد، آن‌ها از برگزاری مراسم تولد ابوالفضل محروم شدند.

پدر خانواده بار دیگر، ۳ مرداد ۱۴۰۳، پس از احضار و مراجعه به شعبه اول بازپرسی دادرهای عمومی و انقلاب قوچان بازداشت^{۱۰۹} و بعد از ۴۸ روز با قرار کفالت از زندان مرکزی مشهد (وکیل‌آباد) مشهد آزاد شد.^{۱۱۰}

به روز رسانی

مرضیه آدینه‌زاده اردیبهشت ۱۴۰۴ اعلام کرد برای پدر، مادر، خواهر و دو عموی او پرونده قضایی با اتهام «اخلال در نظم و آسایش عمومی، نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی، ضرب و جرح عمدی و ترمد نسبت به مأموران» تشکیل شده است. ۱۱۱ روند قضایی این پرونده ادامه یافته و از جمله در مهر ۱۴۰۴ جلسه بازپرسی برای علی آدینه‌زاده در دادرهای مشهد برگزار شده است.

علی آدینه‌زاده ۲۱ آذرماه ۱۴۰۴ در مراسم هفتمین روز درگذشت خسرو علی‌کردی، وکیل دادگستری، بازداشت شد. او در دوران حبس از داشتن وکیل و حق تماس محروم بود و بازپرس پرونده، محسن واحیدیان عظیمی، خانواده‌اش را به دلیل پیگیری پرونده تهدید به بازداشت کرد. علی آدینه‌زاده نهم دی‌ماه با قید وثیقه آزاد شد.

مرضیه آدینه‌زاده ۱۱ بهمن ۱۴۰۴ در رسانه‌های اجتماعی از صدور حکمی در شعبه ۱۱۸ دادگاه کیفری دو مشهد خبر داد که براساس آن، پدرش علی آدینه‌زاده به پرداخت ۳۸۶ میلیون تومان دیه به مأموران لباس شخصی محکوم شده است. این حکم برای پرونده‌ای با اتهام «ضرب و جرح عمدی مأموران» صادر شده است که به وقایع بازداشت خشونت‌آمیز اعضای این خانواده در خرداد ۱۴۰۲ مربوط می‌شود.

مریم اکبری منفرد



سن: ۵۱

حوزه فعالیت: خانواده دادخواه

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، آزار و اذیت خانواده، حبس انفرادی طولانی‌مدت، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، محرومیت از رسیدگی درمانی، عدم رعایت اصل تفکیک جرایم

پیشینه

مریم اکبری منفرد سال‌هاست که برای خواهران و برادرانش دادخواهی می‌کند: عبدالرضا که در ۱۷ سالگی بازداشت و در سال ۱۳۶۷ در سن ۲۵ سالگی اعدام شد؛ علیرضا که در ۲۰ سالگی تیرباران شد؛ خواهرش رقیه که هنگام بازداشت دختری سه‌ساله داشت و او نیز در سال ۱۳۶۷ زمانی که ۳۰ ساله بود، اعدام شد؛ و برادرش غلامرضا که در سال ۱۳۶۴ وقتی ۲۹ ساله بود، زیر شکنجه کشته شد.

اکبری منفرد ۱۰ دی‌ماه ۱۳۸۸ در ارتباط با اعتراض‌های پس از انتخابات ریاست‌جمهوری که تا چندین ماه ادامه داشت، بازداشت کردند. او به دلیل چند تماس تلفنی با خواهر و برادرش در «کمپ اشرف» در عراق، به هواداری از سازمان مجاهدین خلق متهم شد و شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب در اردیبهشت ۱۳۸۹ او را به اتهام «محرابه و اقدام علیه امنیت ملی» به ۱۵ سال زندان محکوم کرد.

در ۲۴ مهر ۱۳۹۵ مریم اکبری منفرد از پشت میله‌های زندان برای تحقیق درباره اعدام خواهران و برادرانش در تابستان ۱۳۶۷، شکایتی رسمی ثبت کرد. او در نامه‌ای سرگشاده درباره کشته‌شدن و اعدام چهار خواهر و برادرش و فشارهایی که خانواده‌اش در سال‌های پس از آن متحمل شده بودند، نوشت. دستگاه قضایی ضمن رد شکایتش، به او هشدار داد که چنین دادخواست‌هایی وضعیتش را وخیم‌تر می‌کند و مانع آزادی‌اش می‌شود. در دادگاه، قاضی به او گفت که «تاوان فعالیت‌های برادر و خواهرش را پس می‌دهد». مریم بدون آن که دلسرد شود، دو هفته بعد شکایت دیگری فرستاد. او نوشت: «اینجانب خواستار تحقیق پیرامون موضوع اعدام غیرقانونی خواهر و برادر خود و روشن شدن جزئیات آن، از جمله مسئولان واقعه مرگ آنان، دریافت کیفرخواست و سایر مدارک پرونده‌های آنان و رسیدگی کیفری وفق قوانین موضوعه، به‌خصوص اصل ۳۴ قانون اساسی که دادخواهی را حق مسلم هر فرد می‌داند، می‌باشم.» او در بهمن ۱۳۹۵ با ثبت شکایت در کارگروه ناپدیدشدگان قهری سازمان ملل متحد از این نهاد خواست تا جمهوری اسلامی را در ارتباط با پرونده خواهر و برادرانش پاسخگو کنند. این نهاد در پاسخ، رقیه و عبدالرضا اکبری منفرد، خواهر و برادر مریم را به عنوان «ناپدیدشده قهری» به رسمیت شناخت و از جمهوری اسلامی ایران خواست تا درباره سرنوشت آنها توضیح دهد.

اکبری منفرد اسفندماه ۱۳۹۹ از زندان اوین به زندان مرکزی سمنان تبعید شد و تحت فشارهای مضاعفی^{۱۱۲} قرار گرفت به طوری که تنها در حضور نیروهای امنیتی و حراست زندان و در زمان تعیین‌شده می‌توانست با خانواده‌اش تماس بگیرد. در تاریخ ۲ شهریور ۱۴۰۱ مسئولان زندان سمنان به دلیل خودداری دختران مریم از پوشیدن چادر از ملاقات آنان با مادرشان جلوگیری کردند. حسینی‌پور، رئیس سالن ملاقات زندان پس از پافشاری این مادر زندانی برای حق ملاقات، او را با گرفتن گلو مورد ضرب‌وشتم^{۱۱۳} قرار داد و مریم به مدت سه ماه از حق ملاقات با نزدیکانش محروم شد.^{۱۱۴} مسئولان بند زنان زندان مرکزی سمنان، به قصد منزوی کردن این دادخواه، زندانیان عادی را از ارتباط گرفتن با او منع کردند. مریم با وجود ابتلا به بیماری کبد چرب و تأکید پزشکان برای انجام فوری عمل جراحی کمر و زانو، از درمان و امکانات پزشکی محروم شد.

در سیزدهمین سال حبس، وزارت اطلاعات برای اکبری منفرد پرونده جدیدی تشکیل داد.^{۱۱۵} او یک سال بعد، با رأی شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری سمنان، به اتهام «نشر اکاذیب» به صورت غیابی، به دو سال زندان و جریمه نقدی محکوم شد.^{۱۱۶} حسن تاج، وکیل او، تیرماه ۱۴۰۳ خبر داد که ستاد پیگیری و نظارت پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی با تشکیل پرونده‌ای جدید، درخواست کرده است اموال خانواده او و بستگانش به سود «ستاد اجرایی فرمان امام» توقیف شود.^{۱۱۷}

به روز رسانی

این دادخواه اول آبان ۱۴۰۳ پس از اتمام حبس ۱۵ ساله، برای تحمل دو سال حبس، به زندان قرچک ورامین منتقل شد. مریم اکبری منفرد که در دوران حبسش اجازه حتی یک روز مرخصی نداشت، در زندان قرچک از حق ملاقات هم محروم بود.^{۱۱۸} او سرانجام ۱۹ فروردین ۱۴۰۵، با پایان دوره محکومیتش، از این زندان آزاد شد.

فیض‌الله آذرنوش



سن: ۶۰

حوزه فعالیت: خانواده دادخواه

وضعیت: آزاد با وثیقه، در انتظار اجرای حکم

وضعیت حقوقی: ۱۵ سال حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از رسیدگی درمانی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، محرومیت از ملاقات و تماس با خانواده

پیشینه

فیض‌الله آذرنوش، پدر پدرام آذرنوش، از کشته‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱ در شهر دهدشت، که پس از کشته‌شدن فرزندش خواهان معرفی آمران و عاملان این قتل شده است. پدرام، جوان ۱۸ ساله، ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ در تجمع اعتراضی مردم دهدشت در اطراف فرمانداری با اصابت گلوله جنگی تک‌تیرانداز به قلبش کشته شد.

فیض‌الله آذرنوش در حساب اینستاگرامش^{۱۱۹} با انتقاد از سیاست‌های حکومت در سرکوب معترضان، ضمن دادخواهی و درخواست مجازات قاتلان فرزندش، از دیگر دادخواهان نیز حمایت کرده است. این پدر دادخواه همچنین بارها خواستار آزادی زندانیان سیاسی، توقف صدور احکام اعدام و سرکوب زنان شده است.

به روز رسانی

آذرنوش ۲۸ خردادماه ۱۴۰۴، در شهر یاسوج بازداشت و به بازداشتگاه وزارت اطلاعات و سپس زندان مرکزی یاسوج منتقل شد. او با وجود بیماری‌های مختلف، از حق درمان محروم بوده است. همچنین، مأموران به او اجازه ملاقات و تماس با خانواده و دسترسی به وکیل ندادند. او به بیماری پروستات و تنگی کانال نخاعی مبتلاست و خانواده تنها از طریق دیگر زندانیان از وضعیت او مطلع می‌شدند. این پدر دادخواه ۱۳ مرداد ۱۴۰۴ به صورت موقت از زندان آزاد شد.

در آذرماه ۱۴۰۴، شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو در استان کهگیلویه و بویراحمد فیض‌الله آذرنوش را با اتهام‌های «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، تبلیغ علیه نظام و تشکیل و عضویت در گروه مخالف نظام» به ۲۳ سال حبس محکوم کرد.^{۱۲۰} شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان کهگیلویه و بویراحمد در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ این حکم را نقض و او را به ۵ سال حبس بابت اتهام «مشارکت در تشکیل گروه به قصد برهم‌زدن امنیت کشور»، ۳ سال حبس بابت اتهام «فعالیت تبلیغی در جهت تأیید و تقویت اسرائیل»، ۳ سال حبس بابت اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی کشور»، ۲ سال حبس بابت اتهام «توهین به رهبری»، یک سال حبس بابت اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و یک سال حبس بابت اتهام «توهین به مقدسات اسلام» محکوم کرد. او در مجموع به ۱۵ سال حبس محکوم شده است که با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، پنج سال آن قابل اجرا خواهد بود.

منوچهر بختیاری

سن: ۶۳

حوزه فعالیت: خانواده دادخواه

وضعیت: زندانی در زندان مرکزی بندرعباس

وضعیت حقوقی: دو سال تبعید در بندرعباس - پرونده قضایی باز دارد

حقوق نقض شده: دستگیری و بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی

عادلان و روند قانونی، محرومیت از رسیدگی درمانی، محرومیت از حق ملاقات و تماس با خانواده، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، محرومیت از مرخصی، حبس انفرادی طولانی‌مدت، عدم رعایت اصل تفکیک جرائم در زندان، آزار و اذیت خانواده



پیشینه

منوچهر بختیاری، پدر پویا بختیاری، از کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ است. پویا بختیاری، ۲۷ ساله، روز ۲۵ آبان ۱۳۹۸ در اعتراضات شهر کرج با شلیک گلوله مأموران حکومتی به سرش کشته شد. با وجود تلاش‌های این پدر دادخواه، هرگز کسی در ارتباط با قتل پویا بختیاری بازداشت یا محاکمه نشد. در مقابل، مقام‌های قضایی برای او پرونده‌های متعددی تشکیل دادند.

بختیاری ۲۳ تیرماه ۱۳۹۹ هنگام بازگشت از کیش به تهران، به‌دست مأموران امنیتی در فرودگاه بازداشت و به زندان مرکزی بندرعباس منتقل شد. او پس از حدود ۵ ماه حبس در سلول انفرادی وزارت اطلاعات بندرعباس با تودیع وثیقه آزاد شد.

چند ماه بعد، در ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰ او به‌دلیل حضور بر سر مزار پسرش با ضرب‌وشتم نیروهای امنیتی بار دیگر بازداشت شد^{۱۲۱} و دادگاه انقلاب او را به سه سال و شش ماه حبس، دو سال تبعید به بندرعباس و دو سال ممنوعیت خروج از ایران محکوم کرد.^{۱۲۲}

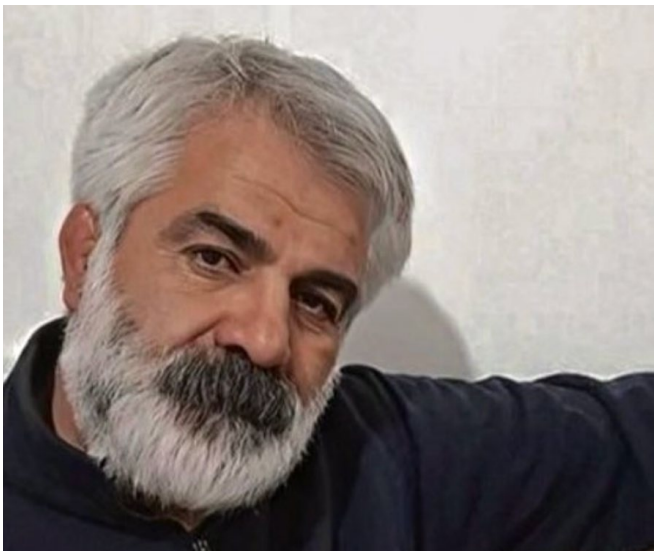
او که در بند ۸ زندان مرکزی کرج (ندامتگاه) و در بخش سارقان زندانی بود، با وجود تأیید پزشکی قانونی مبنی بر ضروری بودن درمان در بیمارستانی خارج از زندان و نیاز به جراحی فوری پروستات، به‌دلیل مخالفت دادستان کرج، رئیس دادگاه انقلاب کرج و رئیس سازمان زندان‌ها، از اعزام به بیمارستان محروم شد.^{۱۲۳} بختیاری در اعتراض به این موضوع، اعتصاب غذا کرد ولی به‌جای درمان، از ۲۹ تیر ۱۴۰۱ به سلول انفرادی زندان مرکزی قزوین تبعید و از حق تماس و ملاقات محروم شد.

در تاریخ ۱۰ آبان‌ماه ۱۴۰۲ شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان قزوین، بختیاری را که در زندان بود، به اتهام «توهین به رهبری» به شش ماه حبس محکوم کرد.^{۱۲۴} این پدر دادخواه دو ماه بعد در شعبه اول دادگاه انقلاب کرج به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرایم علیه امنیت کشور و تشکیل و اداره کردن گروه در بستر فضای مجازی با هدف برهم زدن امنیت کشور» به ۱۰ سال حبس، بابت اتهام «نشر اکاذیب» به یک سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق، به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام و تشویش اذهان عمومی» به دو سال حبس و بابت اتهام «همکاری با گروه‌های مخالف نظام» به پنج سال حبس تعزیری محکوم شد. او در مجموع به ۷۴ ضربه شلاق و ۱۸ سال زندان محکوم شد که ۱۰ سال آن قابل اجرا بود. شعبه یک دادگاه تجدیدنظر استان البرز در تاریخ یکم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ این حکم را به‌دلیل «عدم صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده» نقض کرد و پرونده را به دادگاه انقلاب شهرستان کیش ارجاع داد.^{۱۲۵} در اردیبهشت ۱۴۰۳ شعبه ۱۱۰ دادگاه کیفری ۲ قزوین، منوچهر بختیاری را به‌اتهام «نشر اکاذیب از طریق سامانه‌های رایانه‌ای» به ۱۳ ماه و ۱۵ روز حبس محکوم کرد^{۱۲۶} و این حکم در دادگاه تجدیدنظر نیز تأیید شد. در آذرماه همان سال صبا بختیاری، خواهر منوچهر، اعلام کرد نیروهای حفاظتی قصد داشتند برادرش را که به‌دلیل لختگی خون برای انجام عمل جراحی دوم در بیمارستان بستری بود به زندان منتقل کنند، اما پزشکان جلو انتقال او را که دچار حمله قلبی شده بود، گرفته‌اند.^{۱۲۷}

به روز رسانی

مأموران زندان در ۷ مهرماه ۱۴۰۴ منوچهر بختیاری را پس از پایان دوره محکومیت، بدون وسایل شخصی و لباس، پول و تلفن همراه، برای گذراندن دوران تبعید در بندرعباس رها کردند و حتی به او اجازه ندادند قبل از اعزام به تبعید با فرزند خردسال و همسرش دیدار کند. در ادامه فشارهای امنیتی، در بهمن‌ماه ۱۴۰۴ او در محل تبعیدش مجدداً بازداشت و به زندان مرکزی بندرعباس منتقل کردند.

ماشاءالله کرمی



سن: ۵۲

حوزه فعالیت: خانواده دادخواه

وضعیت: آزادی مشروط

وضعیت حقوقی: ۳ سال و ۷ ماه حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، محرومیت از رسیدگی درمانی، محرومیت از مرخصی، حبس انفرادی طولانی‌مدت، آزار و اذیت خانواده، مصادره غیرقانونی اموال

پیشینه

ماشاءالله کرمی، شهروند کرد، دستفروش و پدر محمدمهدی کرمی است که در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ اعدام شد. او به یاد فرزندش برای نیازمندان غذا تهیه و توزیع می‌کرد و در صفحه شخصی اینستاگرام خود تصاویری از این اقدام را منتشر می‌کرد. او همچنین با رفتن برسر مزار کشته‌شدگان اعتراضات، از خانواده‌های دادخواه حمایت می‌کرد.

این پدر دادخواه ۳۱ مرداد ۱۴۰۲ در آستانه سالگرد کشته‌شدن معترضان «زن، زندگی، آزادی» بازداشت شد. نیروهای امنیتی با یورش به منزل کرمی، وسایل الکترونیکی، کارت‌های بانکی و تلفن‌های همراه خانواده را ضبط کردند. وکیل او، امیرحسین کوهکن نیز هنگام پی‌گیری پرونده بازداشت شد. کرمی پس از ۳ ماه حبس در سلول انفرادی به زندان مرکزی کرج منتقل شد.

شعبه ۲ دادگاه انقلاب کرج در اردیبهشت ۱۴۰۳ این پدر دادخواه را به اتهام «تحصیل مال از طریق نامشروع» به پنج سال و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس و همچنین مصادره اموال محکوم کرد.^{۱۲۸} در شهریور ۱۴۰۳ دادگاه تجدیدنظر استان البرز، پنج سال حبس را به سه سال و هفت ماه و یک سال حبس را به هشت ماه کاهش داد. حکم مصادره اموال ماشاءالله کرمی نیز تأیید شد.^{۱۲۹}

در پرونده‌های جداگانه، شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ نظرآباد ۲۵ مردادماه ۱۴۰۳ کرمی را بابت اتهام «پول‌شویی» به ۷ سال و ۸ ماه حبس و پرداخت جزای نقدی و مصادره اموال، و به اتهام «تحصیل مال از طریق نامشروع» به ۱۴ ماه حبس محکوم کرد.^{۱۳۰} هر سه مجازات به عنوان مجازات اشد در نظر گرفته شدند. این درحالی است که علی شریفزاده اردکانی، وکیل کرمی، اعلام کرد که مردم این مبالغ و اموال را برای کمک به این پدر دادخواه اهدا کرده‌اند و شاکی خصوصی بابت پرداخت این مبالغ وجود ندارد.^{۱۳۱}

دو اتهام مربوط به پولشویی و تحصیل مال از طریق نامشروع در دادگاه تجدیدنظر به یک اتهام با عنوان «تحصیل مال در حکم مال نامشروع» تغییر کرد و حکم ۸ سال و ۱۰ ماه حبس، نقض و به یک سال حبس تبدیل و جزای نقدی و مصادره اموال حذف شد.

به روزرسانی

شهبلا اروچی، وکیل ماشاءالله کرمی، مردادماه ۱۴۰۴ اعلام کرد که درخواست اعاده دادرسی این پدر دادخواه برای بار دوم رد شده است.^{۱۳۲} پس از پذیرش تجمیع دو پرونده، محکومیت او به ۳ سال و ۷ ماه کاهش یافت و با گذراندن بیش از نیمی از آن، در بهمن ۱۴۰۴ به صورت مشروط از ندامتگاه مرکزی کرج آزاد شد.

راحله راحمی پور



سن: ۷۳

حوزه فعالیت: خانواده دادخواه

وضعیت: آزادی مشروط

وضعیت حقوقی: ۴ سال و ۲ ماه حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، محرومیت از رسیدگی درمانی

پیشینه

راحله راحمی پور خواهر و عمه دادخواهی است که پی‌گیر سرنوشت برادرش حسین راحمی پور و ناپدیدسازی قهری برادرزاده‌اش، گلرو راحمی پور، شده است. حسین راحمی پور، فعال سیاسی، به اتهام عضویت در «سازمان راه کارگر» در جریان اعدام‌های گسترده جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۳ اعدام شد. همسر برادر حسین نیز به همراه او بازداشت شد و فرزندشان در زندان به دنیا آمد. مسئولان زندان این کودک را به بهانه اینکه به بیماری زردی مبتلاست از مادرش جدا کردند و دو روز بعد، فوت کودک را به آن‌ها اطلاع دادند. پیکر این کودک هرگز به خانواده تحویل داده نشد و محل دفن او همچنان نامشخص است. راحمی پور اسفندماه ۱۳۹۴ با ثبت شکایتی در گروه کاری «ناپدیدشدگان قهری» سازمان ملل متحد، خواهان مشخص شدن سرنوشت این نوزاد ناپدیدشده در زندان اوین شد.^{۱۳۳}

او بهمن‌ماه ۱۳۹۵ به اتهام «تبلیغ علیه نظام» در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی به یک سال حبس محکوم شد. این حکم ۹ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به پرداخت مبلغ هشتاد میلیون ریال جریمه نقدی تغییر کرد.^{۱۳۴} حکم دادگاه تجدیدنظر ۲۵ فروردین ۱۳۹۸ به وکیل راحمی پور ابلاغ شد.

در ۲۱ آبان ۱۳۹۸ راحمی پور در تجمعی موسوم به «گردهمایی پارک لاله»، که خانواده‌های دادخواه در آن حضور داشتند، بازداشت، به بند ۲ الف زندان اوین منتقل و مدتی بعد با وثیقه آزاد شد. در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۹۹، قاضی صلواتی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، او را به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» به ۶ سال و ۴ ماه حبس محکوم کرد.

در ۲۷ آبان ماه ۱۴۰۲ راحمی پور پس از حضور در دادرسی اوین بازداشت و جهت تحمل حبس به زندان اوین منتقل شد. در اسفندماه سال ۱۴۰۳، پس از پذیرش اعاده دادرسی و رسیدگی مجدد در دادگاه تجدیدنظر، محکومیت او به چهار سال و دو ماه حبس کاهش یافت. راحمی پور به بیماری‌های متعدد از جمله تومور مغزی، بیماری قلبی، دیابت، فشار خون، درد مفاصل، آب مروارید و تالاسمی مینور مبتلاست. طبق نظر پزشکی قانونی، این دادخواه توان تحمل حبس را ندارد و برای درمان فوری باید به خارج از زندان اعزام می‌شد،^{۱۳۵} اما او مدت‌ها از رسیدگی درمانی محروم ماند و با وجود وخامت حالش، مسئولان قضایی با اعزام او به مرخصی یا آزادی مشروط مخالفت می‌کردند.

به روز رسانی

راحله راحمی پور پس از حمله اسرائیل به زندان اوین در تیرماه ۱۴۰۴ به همراه ده‌ها زن زندانی دیگر به زندان قرچک ورامین منتقل شد. مدتی بعد، او به مرخصی اعزام و مهرماه ۱۴۰۴ با آزادی مشروطش موافقت شد.

خانواده سعیدیان جو



حوزه فعالیت: خانواده دادخواه
حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، حبس انفرادی، محرومیت از شغل، آزار و اذیت خانواده

پیشینه

میلاذ سعیدیان جو، معترض ۲۶ ساله‌ای بود که ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در ایذه با شلیک نیروهای امنیتی کشته شد. خانواده سعیدیان جو بعد از کشته شدن میلاذ، با ثبت شکایتی خواستار بررسی فیلم دوربین‌های مداربسته در محل قتل او شدند، اما تاکنون هیچ پاسخی از مسئولان دریافت نکرده‌اند.

خانواده سعیدیان جو بعد از کشته شدن میلاذ، با ثبت شکایتی خواستار بررسی فیلم دوربین‌های مداربسته در محل قتل او شدند، اما تاکنون هیچ پاسخی از مسئولان دریافت نکرده‌اند.

زهرا و امید سعیدیان جو، خواهر و برادر میلاذ، در اسفندماه ۱۴۰۱، هنگام برگزاری مراسم تولد میلاذ بر سر مزارش در ایذه، بازداشت و چند روز بعد آزاد شدند. یک ماه بعد زهرا از شغلش در بیمارستان‌های کودکان مفید و کیان تهران اخراج شد.

زهرا سعیدیان جو در تاریخ ۱۸ تیرماه ۱۴۰۲، بعد از ملاقات با خانواده‌های دادخواه، در تهران بازداشت و به سلول انفرادی اطلاعات سپاه منتقل شد. او بعد از سپری کردن حدود یک ماه حبس که ۲۳ روز آن را در بازداشتگاه اطلاعات سپاه پاسداران گذراند، با وثیقه از زندان سپیدار اهواز آزاد شد. در ۲۹ مهرماه ۱۴۰۲، افراد ناشناس موتورسوار او را به مرگ تهدید کردند. زهرا بعد از اطلاع‌رسانی درباره این تهدیدها از طریق رسانه‌های اجتماعی، بار دیگر و این بار در ایذه بازداشت شد. او یک هفته در سلول انفرادی اطلاعات سپاه پاسداران سپری کرد و سپس به زندان سپیدار اهواز منتقل شد. در دوران حبس، وکیل او رضا شفاخواه اعلام کرد با وجود اعلام وکالت از سوی زهرا و مراجعه حضوری به شعبه دوم بازپرسی دادرسی ایذه، هاشمی، بازپرس این شعبه، از پذیرش وکالت او خودداری کرده است.^{۱۳۶} زهرا ۱۹ آذرماه همان سال آزاد شد.^{۱۳۷}

با ادامه فشارهای حکومتی بر خانواده‌های دادخواه، زهرا و امید سعیدیان جو ۶ فروردین ۱۴۰۳ به اتهام «تبلیغ علیه نظام و اخلال در نظم عمومی» به شعبه دوم بازپرسی دادرسی ایذه احضار شدند.^{۱۳۸}

به روزرسانی

زهرا سعیدیان جو ۱۳ آبان‌ماه ۱۴۰۴ در پرونده‌ای جدید در دادگاه انقلاب اهواز، به «تشویق و تحریک جوانان به کشت‌وکشتار به قصد برهم زدن امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام» متهم و به دادگاه انقلاب احضار شد.

ناهید شیرپیشه

سن: ۶۰

حوزه فعالیت: خانواده دادخواه

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: منع از حضور بر سر مزار فرزند و برگزاری مراسم، زیر نظر بودن و احضار و تهدید مداوم، بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، عدم رعایت اصل تفکیک جرائم در زندان، محرومیت از حق ملاقات، محرومیت از رسیدگی درمانی، آزار و اذیت خانواده، ضبط غیرقانونی اموال



پیشینه

ناهید شیرپیشه مادر پویا بختیاری، از کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸، پویا بختیاری، فرزند ۲۷ ساله ناهید شیرپیشه، ۲۵ آبان ۱۳۹۸ در اعتراضات شهر کرج با شلیک گلوله مأموران حکومتی به سرش، کشته شد. او پس از کشته‌شدن پسرش، با درخواست وزارت آموزش و پرورش، به تدریس و شغل آموزگاری پایان داد.^{۱۳۹} مأموران امنیتی این مادر دادخواه را اولین بار در ۱۷ فروردین ۱۴۰۰ همراه با گروهی از خانواده‌های دادخواه در اصفهان دستگیر و یک روز بعد آزاد کردند.

در ۲۲ شهریور ۱۴۰۰، مأموران امنیتی با یورش به منزل او، ضمن تفتیش وسایل شخصی، تلفن همراهش را بردند.^{۱۴۰} هم‌زمان با بازداشت‌های گسترده فعالان مدنی و خانواده‌های دادخواه در شهرهای مختلف، در تاریخ ۲۰ تیر ۱۴۰۱ مأموران امنیتی بار دیگر به منزل شیرپیشه حمله و این بار او را بازداشت کردند.^{۱۴۱} این مادر دادخواه پس از چندین روز بازجویی ۶ مرداد به بند زنان زندان شهید کچویی کرج (ندامتگاه فردیس) منتقل شد. خبرگزاری حکومتی فارس در گزارشی شیرپیشه و سایر دادخواهان را به «دریافت پول از خارج از کشور برای ایجاد اغتشاش و ناامنی» متهم کرد.^{۱۴۲} شهریورماه همان سال، او با حکم شعبه اول دادگاه انقلاب کرج، بابت اتهامات «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» و «تبلیغ علیه نظام» به پنج سال زندان محکوم شد. این مادر دادخواه را در ۷ آبان ۱۴۰۱ به بهانه دادرسی از زندان کچویی کرج خارج و به زندان مرکزی زنجان منتقل کردند. ۱۹ آبان ماه، در آستانه سالگرد کشته‌شدن پویا، درحالی‌که ناهید در زندان بود، مأموران امنیتی با شکستن در، به منزلش هجوم بردند و وسایل خانه را تخریب کردند.^{۱۴۳}

شیرپیشه ۱۱ تیرماه ۱۴۰۲ به‌دست چند زندانی مورد ضرب و جرح قرار گرفت. او سپس درخواست کرد که به‌دلیل نبود امنیت جانی در بند عمومی، به بند انفرادی منتقل شود. منا بختیاری، دختر ناهید شیرپیشه، در تیرماه ۱۴۰۳ اعلام کرد که مأموران امنیتی قصد داشتند در ازای اعطای ۱۰ روز مرخصی به مادرش، از او اعتراف اجباری بگیرند.^{۱۴۴} این مادر دادخواه در مدت حبس، با وجود وضعیت وخیم جسمی و روانی، بارها از حق تماس تلفنی، ملاقات با خانواده و دسترسی به رسیدگی پزشکی یا اعزام به مراکز درمانی محروم شد.

به‌روزرسانی

شیرپیشه در بهمن‌ماه ۱۴۰۳ به‌دلیل شرایط بسیار بد روانی و جسمی ۱۴۵ در زندان خودکشی کرد و به سلول انفرادی منتقل شد.^{۱۴۶} او که به دستور مقام‌های قضایی از برقراری تماس تلفنی محروم شده بود، از ۹ اسفند ۱۴۰۳ اعتصاب غذا کرد که باعث کاهش وزن شدید و وخامت حالش شد.^{۱۴۷} ناهید شیرپیشه ۲ مهر ۱۴۰۴ با پایان دوره محکومیت، از زندان مرکزی زنجان آزاد شد.

مینا سلطانی زارع

سن: ۵۶

حوزه فعالیت: خانواده دادخواه

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: ۸ ماه حبس و پرداخت یک میلیون تومان

جریمه نقدی

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه

و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، آزار و اذیت

خانواده، حبس انفرادی طولانی‌مدت، شکنجه و آزار

پیشینه

مینا سلطانی زارع معروف به «دایه مینا»، مادر شهریار محمدی، از کشته‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱ در شهر بوکان است. شهریار، فرزند ۲۸ ساله دایه مینا، در جریان اعتراضات سراسری به کشته‌شدن ژینا (مهسا) امینی در بازداشتگاه گشت ارشاد، با شلیک مستقیم گلوله‌های جنگی نیروهای حکومتی به خودروی شخصی‌اش در بوکان کشته شد.

سلطانی، پس از کشته‌شدن پسرش با وجود تهدیدها، آزار و اذیت و احضارهای مکرر نهادهای امنیتی که قصد داشتند او را از دادخواهی و درخواست اجرای عدالت برای آمران و عاملان قتل فرزندش منصرف کنند، همچنان به دادخواهی مصمم بوده و در دیدار با دیگر خانواده‌های دادخواه با آن‌ها اعلام همبستگی کرده است.^{۱۴۸}

علاوه بر دایه مینا، خانواده او نیز تحت فشار و تهدید نهادهای امنیتی قرار گرفتند. در جریان مراسم خاکسپاری شهریار، نیروهای امنیتی که کنترل کامل مراسم را در دست داشتند، به پیکر شهریار لگد می‌زدند و وقتی میلاد، برادر شهریار، اعتراض کرد، دو گلوله از فاصله نزدیک به پاهای او شلیک و به او داروهای بی‌حسی و بیهوشی تزریق کردند. بعدتر، در آستانه اولین سالگرد شهریار، دایه مینا بازداشت شد و تحت شکنجه‌های روانی قرار گرفت. آسرین، خواهر شهریار نیز دو روز قبل از این مراسم، در یورش خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی بازداشت شده بود.

۲۱ شهریور ۱۴۰۳ در دومین سالگرد شهریار، نیروهای امنیتی این مادر دادخواه را در خیابان محاصره کردند و پس از ضرب و جرح با شوکر برقی، او را ربودند. دایه مینا را به اداره اطلاعات بوکان منتقل کردند و بعد از بازجویی به بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه فرستادند. مأموران امنیتی سپس با یورش به منزلش، وسایل خانه را شکستند و عکس‌ها و وسایل شخصی شهریار را ضبط کردند.

به روز رسانی

مینا سلطانی زارع که مهر ۱۴۰۳ با وثیقه به صورت موقت از زندان مرکزی ارومیه (دریا) آزاد شده بود، در اسفندماه به اتهام «تبلیغ علیه نظام و حضور در معابر و انظار عمومی بدون حجاب» در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری بوکان به ۸ ماه حبس و پرداخت یک میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شد.^{۱۴۹} در آستانه سومین سالگرد کشته شدن شهریار نیز نهادهای امنیتی با هدف منزوی کردن مینا سلطانی زارع، دیگر خانواده‌های دادخواه را تهدید کردند تا از دایه مینا فاصله بگیرند و او را طرد کنند.

میلاد و آسرین، فرزندان دایه مینا، به دنبال آزار و اذیت‌ها و تهدید نیروهای امنیتی، مجبور به ترک ایران شده‌اند.

فعالان مدنی

فعالان مدنی افرادی‌اند که به‌صورت مسالمت‌آمیز و خارج از ساختارهای رسمی قدرت، در راستای دفاع از حقوق بنیادین شهروندان، ارتقای آزادی‌های مدنی و تحقق عدالت اجتماعی فعالیت می‌کنند. در ایران، این فعالان در حوزه‌های متنوعی چون اطلاع‌رسانی، مستندسازی نقض حقوق بشر، سازمان‌دهی کنش‌های مدنی، فعالیت در رسانه‌های اجتماعی و مشارکت در کارزارهای اعتراضی مسالمت‌آمیز نقش آفرینی می‌کنند.

این مدافعان حقوق بشر که با وجود سرکوب‌های هدفمند و احکام طولانی‌مدت زندان طی سالیان اخیر در سراسر ایران به مبارزه ادامه داده‌اند، طی سال گذشته با افزایش چشمگیر فشارهای امنیتی، محدودیت‌های قضایی و سرکوب فعالیت‌های اجتماعی مواجه بوده‌اند. آنان با بازداشت، احضارهای مکرر و پرونده‌سازی‌های گسترده روبه‌رو شده و در بسیاری موارد با اتهامات سیاسی و احکام سنگین حبس مواجه شده‌اند.

نهادهای امنیتی برای اعمال فشار بر فعالان مدنی از روش‌هایی چون تهدید تلفنی، احضار اعضای خانواده، ایجاد محدودیت‌های شغلی، محرومیت از تحصیل و اعمال فشار بر نزدیکان آنان استفاده کرده‌اند. همچنین، با رصد گسترده فعالیت‌ها در رسانه‌های اجتماعی، انتشار هرگونه محتوای اعتراضی، از جمله در محکومیت «حملات شیمیایی به مدارس دخترانه»، حمایت از خانواده‌های دادخواه یا مشارکت در «کارزارهای نه به اعدام»، با پیگرد قضایی مواجه شده است. مقام‌های قضایی، اغلب تحت فشار نهادهای امنیتی، فعالان مدنی را با اتهام‌هایی مانند «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور»، «اخلال در نظم عمومی» و «ارتباط با رسانه‌های خارج از کشور» محکوم کرده‌اند. روند رسیدگی قضایی در بسیاری از این پرونده‌ها غیرعلنی، بدون دسترسی مؤثر به وکیل و فاقد استانداردهای دادرسی عادلانه بوده است. در برخی موارد نیز دستگاه قضایی با فعال‌سازی غیرقانونی پرونده‌های قدیمی، احکام حبس جدیدی علیه فعالان مدنی صادر کرده است.

سازمان‌های مردم‌نهاد نیز در سال‌های اخیر همواره با چالش‌های جدی روبه‌رو بوده‌اند؛ نهادهای امنیتی با بازداشت فعالان، پلمب دفاتر و اعمال محدودیت‌های گسترده، درصدد محدود یا متوقف کردن فعالیت این سازمان‌ها برآمده‌اند.

در این گزارش، در بخش‌های جداگانه به وضعیت معلمان و کارگران مطالبه‌گر حقوق صنفی، فعالان حقوق زنان، فعالان حقوق اقلیت‌ها و فعالان محیط زیست پرداخته شده است. فعالان دانشجویی، فعالان حقوق کودکان و دیگر فعالان مدنی، همچنین یک سازمان مردم‌نهاد که سال گذشته تحت تعقیب قضایی قرار گرفته‌اند، در این بخش معرفی و بررسی می‌شوند.

زرتشت احمدی راغب

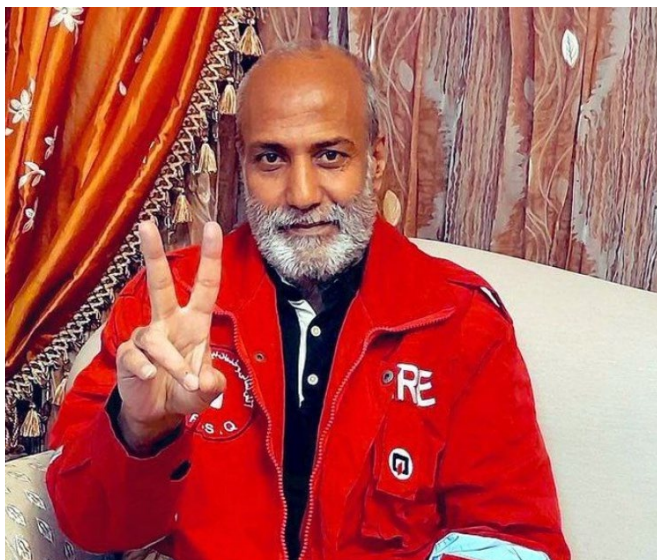
سن: ۶۰

حوزه فعالیت: فعال حقوق بشر

وضعیت: زندانی در زندان مرکزی کرج

وضعیت حقوقی: در مجموع ۶ سال و ۸ ماه حبس و دو سال تبعید (در دو پرونده جداگانه)

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، حبس طولانی مدت در انفرادی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، محرومیت از شغل، محرومیت از رسیدگی درمانی



پیشینه

زرتشت احمدی راغب، فعال مدنی و از مخالفان مجازات اعدام، بارها احضار و چندین بار بازداشت شده است. نهادهای امنیتی و قضایی چندین پرونده علیه او تشکیل دادند و او را از کارش در آتش نشانی اخراج کردند. او یکی از ۱۴ فعال مدنی است که در نامه‌ای به علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، خواستار استعفای او شده بودند.

زرتشت احمدی راغب اردیبهشت ۱۳۹۶ در دادگاه انقلاب شهریار به ۹ ماه حبس محکوم شد. او دی‌ماه ۱۳۹۷ نیز به دنبال اعتراض به اخراج از آتش نشانی و تحصن مقابل شهرداری شهریار بازداشت^{۱۵۰} و پس از مدتی آزاد شد؛ پس از آزادی نیز با تحصن مقابل ساختمان‌های مختلف دولتی به حکم اخراجش از کار اعتراض می‌کرد.

احمدی راغب بار دیگر ۵ شهریور ۱۳۹۸ با اتهاماتی از جمله «تبلیغ علیه نظام»، «توهین به رهبری» و «توهین به رؤسای سه قوه» بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. او پس از ۵ ماه با قید وثیقه آزاد شد، اما ۲۶ خردادماه ۱۳۹۹ با اتهام «عکاسی از مناطق ممنوعه» به دادرسی اوین احضار و پس از حضور در شعبه ۴ واحد اجرای احکام دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان شهریار برای اجرای حکم ۹ ماه حبس پیشین بازداشت شد.^{۱۵۱} او پس از گذراندن دوران محکومیت، ۱۴ دی ۱۳۹۹ از زندان آزاد شد.

این فعال مدنی ۲ اسفند ۱۴۰۰، بار دیگر بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.^{۱۵۲} او سپس به زندان تهران بزرگ (فشافویه) و در نهایت به زندان رجایی‌شهر منتقل شد.

او ۲۴ بهمن ۱۴۰۱ با قرار گرفتن در فهرست عفو عمومی آزاد شد، اما یک ماه بعد، در ۲۵ اسفند بار دیگر پس از حضور در تجمع اعتراضی به حملات شیمیایی به دانش‌آموزان دختر، بازداشت و به زندان اوین منتقل شد؛ خرداد ۱۴۰۲ در حالی که در زندان بود، با حکمی غیابی در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب، به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام» به پنج سال و هشت ماه حبس محکوم شد.^{۱۵۳}

این فعال مدنی که از شهریور ۱۴۰۲ به زندان قزل حصار کرج منتقل شده بود، بهمن‌ماه همان سال اعلام کرد به کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در زندان‌ها پیوسته و سه‌شنبه هر هفته در اعتراض به موج اعدام‌ها، اعتصاب غذا می‌کند.^{۱۵۴} احمدی راغب پس از اعتراض به انتقال احمدرضا حائری، فعال سیاسی، به سلول انفرادی در خردادماه ۱۴۰۳، به سلول انفرادی واحد ۳ (محل نگهداری زندانیان محکوم به اعدام) منتقل شد.^{۱۵۵}

یک ماه بعد، در پرونده‌ای که به دلیل اعتراض و شرکت در تجمع اعتراضی معلمان به مسمومیت‌های سریالی دانش‌آموزان برایش باز شده بود، به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس و ۲ سال تبعید به شهرستان قیدار محکوم شد.^{۱۵۶}

به روز رسانی

احمدی راغب در حالی که به دلیل اعتصاب غذاهای مکرر در شرایط جسمانی بسیار نامناسبی قرار دارد و به تازگی دید مبتلا شده است، ۲۴ آبان ۱۴۰۴ به دستور دادستان کرج به زندان مرکزی کرج (ندامتگاه) منتقل شد. او اول آذر ۱۴۰۴ به دلیل اعتراض به محدودیت‌های زندانیان (مانند محدودیت تماس تلفنی و هواخوری اجباری) به سلول انفرادی منتقل و اواخر آذر به بند عمومی منتقل شد.

رضوانه احمدخان بیگی

سن: ۳۶

حوزه فعالیت: فعال حقوق بشر

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: ۲۰ ماه حبس و یک پرونده باز

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند

قانونی، محرومیت از رسیدگی درمانی، حبس انفرادی طولانی مدت



پیشینه

رضوانه احمدخان بیگی نخستین بار ۲۶ دی ماه ۱۳۹۶ به دلیل شعارنویسی بازداشت و در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به چهار سال و پنج ماه حبس، محکوم و ۲۱ بهمن ۱۳۹۷ آزاد شد. او یک سال پس از آزادی، در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ با یورش مأموران اطلاعات به منزلش، مورد ضرب و شتم قرار گرفت و بار دیگر بازداشت شد. او را برای بازجویی به بند ۱-الف اطلاعات سپاه و بعد از ۲۶ روز، به بند عمومی زندان اوین انتقال دادند و در ۱۱ اسفند همان سال با وثیقه آزاد شد. شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب تهران ۱۳ بهمن ۱۳۹۸ احمدخان بیگی را به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» به ۶ سال حبس محکوم کرد.^{۱۵۷} این حکم اردیبهشت ۱۳۹۹ در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تأیید شد. احمدخان بیگی که به دیسک کمر، بیماری قلبی و صرع مبتلا بود، در دوران حبس چندین بار دچار حملات صرع (تشنج) شد؛ با این حال، از رسیدگی پزشکی مناسب و اعزام به بیمارستان محروم ماند. در پی اعتراض او و همسرش به علاوه اعتصاب غذای او، احمدخان بیگی ابتدا در مرداد ۱۳۹۹ و سپس در تیرماه ۱۴۰۰ به مرخصی درمانی اعزام و سرانجام به صورت مشروط از زندان اوین آزاد شد. نیروهای پلیس امنیت در ۲۷ شهریور ۱۴۰۲ بار دیگر این زوج فعال مدنی را بازداشت و به زندان اوین منتقل کردند. احمدخان بیگی که در دوران حبس باردار بود، دی ماه همان سال در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری، به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی و تبلیغ علیه نظام» محاکمه و به پنج سال حبس محکوم شد. این حکم در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تهران تأیید شد،^{۱۵۸} اما بعدتر به ۲۰ ماه کاهش یافت. با فرارسیدن زمان زایمان و کارشکنی‌های متعدد مقام‌های قضایی و مسئولان زندان، احمدخان بیگی ۲۸ شهریور ۱۴۰۳ به مدت ۱۰ روز از زندان مرخص شد. در حالی که مرخصی ۸ ماهه او در سامانه قضایی ثبت شده بود، مقام‌ها دستور بازگشتش در ۷ مهر را در شرایطی صادر کردند که همسرش نیز در زندان به سر می‌برد. احمدخان بیگی که تنها سرپرست نوزاد بود، اعلام کرد دادیار ناظر به‌طور غیرقانونی حکم او را غیبت اعلام کرده است و به دلیل غیرقانونی بودن این اقدام، از معرفی خود به زندان سر باز زد.

به روز رسانی

هم‌زمان با جنگ دوازده روزه جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل و افزایش فشارها بر فعالان مدنی، مأموران اطلاعات با هجوم به منزل احمدخان بیگی و همسرش، بهفر لاله‌زاری، در روز ۱۵ تیرماه ۱۴۰۴، او را با وجود کودک شیرخوار بازداشت کردند. او پس از ساعت‌ها بازجویی و تهدید و هشدار برای توقف اطلاع‌رسانی درباره وضعیت زندانیان سیاسی آزاد شد. در حال حاضر، حکم رضوانه احمدخان بیگی به علت سرپرستی فرزند خردسالش متوقف شده است، ولی به او گفته‌اند که در صورت ادامه فعالیت مدنی، برای ادامه حبس به زندان فراخوانده خواهد شد.

هستی امیری

سن: ۳۰

حوزه فعالیت: فعال مدنی

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: ۳ سال حبس و یک پرونده باز دیگر

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، محرومیت از تحصیل



پیشینه

هستی امیری فعال مدنی است که در مخالفت با مجازات مرگ و صدور احکام اعدام، فعالیت‌های گسترده‌ای، حتی از داخل زندان، داشته است. او بارها به همراه نرگس محمدی و سایر فعالان مدنی در مخالفت با اعدام، مقابل زندان اوین تجمع کرده است.

این فعال مدنی ۲۳ اسفند ۱۴۰۰ در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب با اتهام تبلیغ «علیه نظام» به یک سال حبس محکوم شد.^{۱۵۹} او به مجازات‌های تکمیلی، شامل ضبط تلفن همراه، ممنوعیت عضویت در احزاب و نیز منع فعالیت در فضای مجازی به مدت دو سال نیز محکوم شد. طبق این حکم، او که آن زمان از فعالان دانشجویی بود، دیگر حق حضور در هیچ‌گونه اجتماع دانشجویی جز کلاس درس‌های اجباری را نداشت.^{۱۶۰} مصادیق اتهامات امیری انتشار تصاویر در روز ۸ مارس و و توییت‌های او در مخالفت با اعدام بود. بعدتر، دادگاه تجدیدنظر استان تهران حکم این فعال مدنی را عیناً تأیید کرد.^{۱۶۱}

مردادماه ۱۴۰۱ امیری درحالی که در آستانه دفاع از پایان‌نامه دانشگاهی خود بود، در منزلش بازداشت^{۱۶۲} و برای اجرای حکم یک سال حبس، به زندان اوین منتقل و شش‌ماه بعد آزاد شد.^{۱۶۳} اما یک ماه بعد، به‌دنبال شرکت در تجمعات اعتراضی مربوط به حملات شیمیایی به مدارس دخترانه، او به‌همراه ۳۵ دانشجوی دیگر، از ورود به دانشگاه علامه طباطبایی منع شدند. افزون بر این، مقام قضایی برای چهار نفر از دانشجویان، از جمله امیری، پرونده قضایی تشکیل داد.^{۱۶۴} پرونده او با اتهام‌هایی از جمله شرکت در تجمعات اعتراضی و مخالفت با حکم اعدام، تیرماه ۱۴۰۲ در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست ایمان افشاری بررسی و هستی امیری به یک سال حبس برای «تبلیغ علیه نظام» محکوم شد.^{۱۶۵} شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر نیز این حکم را تأیید کرد. امیری پس از احضار به شعبه اول اجرای احکام دادرسی اوین در ۱۸ فروردین ۱۴۰۳ به این زندان منتقل شد.^{۱۶۶}

این فعال مدنی ۱۴ مرداد ۱۴۰۳ درحالی که تصویر پخش‌شده عزیزی -همبندی‌اش که به اعدام محکوم شده بود- را در دست داشت، از زندان اوین آزاد شد.^{۱۶۷}

به روز رسانی

این فعال مدنی ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ پس از مراجعه به دادرسی امنیت برای تفهیم اتهام، بار دیگر، بازداشت شد. او را به دلیل تأخیر در تودیع وثیقه به بند زنان زندان اوین منتقل کردند. روز بعد، امیری با وثیقه از زندان آزاد و چند ماه بعد در حکمی غیابی، به ۳ سال حبس، پرداخت جزای نقدی و دو سال ممنوعیت خروج از ایران و عضویت در گروه‌های سیاسی و اجتماعی، محکوم شد.^{۱۶۸}

هستی امیری بار دیگر ۲۱ آذر ماه ۱۴۰۴ در مراسم هفتم خسرو علی‌کردی، وکیل دادگستری که به‌طور مشکوکی جان باخت، بازداشت شد. او که در دوران حبس از داشتن وکیل و حق تماس محروم و در سلول انفرادی حبس شده بود، ۳ بهمن‌ماه ۱۴۰۴ با تودیع وثیقه به‌طور موقت آزاد شد.



سمانه اصغری

سن: ۳۲

حوزه فعالیت: فعال مدنی

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، حبس طولانی مدت انفرادی

پیشینه

سمانه اصغری، فعال مدنی، در جریان اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در ۱۹ مهر ۱۴۰۱ بازداشت شد. او اسفندماه همان سال به ۱۸ سال و سه ماه حبس محکوم^{۱۶۹} و در اردیبهشت ۱۴۰۲ مشمول عفو و از زندان قرچک ورامین آزاد شد.^{۱۷۰} چهار ماه بعد در شهریورماه همان سال بار دیگر با حمله نیروهای امنیتی به منزلش بازداشت^{۱۷۱} و ۱۲ مهرماه با وثیقه از زندان قرچک ورامین آزاد شد.^{۱۷۲} شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب، سمانه اصغری را آذرماه همان سال به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم کرد. این حکم در دادگاه تجدیدنظر تأیید^{۱۷۳} و این فعال مدنی ۱۵ فروردین ۱۴۰۳، بعد از مراجعه به دادرسی شهری، به زندان اوین منتقل شد. او در دوران حبس همراه با سایر زندانیان اوین در یک بیانیه خواستار توقف و رسیدگی به اذیت و آزار جنسی، در حین بازرسی بدنی شدند.^{۱۷۴}

به روزرسانی

این فعال مدنی ۱۸ اسفندماه ۱۴۰۳ با پایان محکومیت، از زندان اوین آزاد شد.

حسن باقری‌نیا

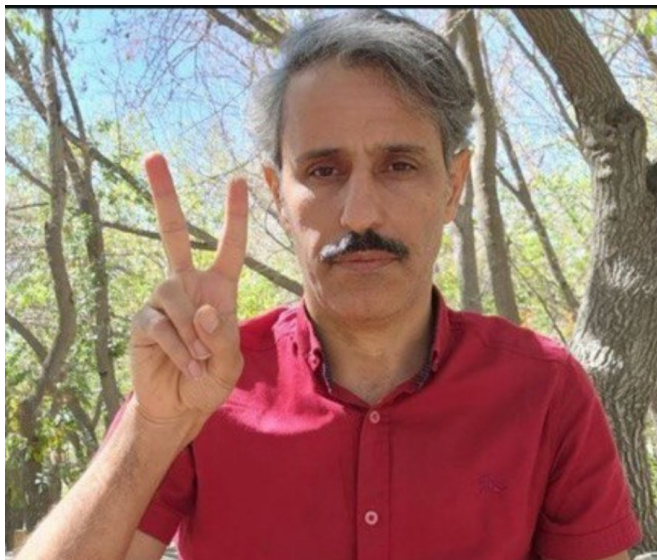
سن: ۵۰

حوزه فعالیت: فعال مدنی

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: ۱۰ سال و ۹ ماه حبس (۵ سال از این حکم، به مدت ۵ سال، تعلیقی است)

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از شغل تدریس، بازنشستگی اجباری، محرومیت از حقوق و مزایا



پیشینه

حسن باقری‌نیا، روان‌درمانگر، استاد سابق علوم تربیتی و عضو سابق هیئت علمی گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه حکیم سبزواری (در شهر سبزوار - استان خراسان رضوی) است. او پس از اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱، از دانشجویان معترض حمایت و به احکام انضباطی صادره برای آنان اعتراض کرد و به دنبال این اقدامات، از دانشگاه تعلیق شد.

این فعال مدنی همچنین با حضور بر سر مزار کشته‌شدگان اعتراضات از خانواده‌های دادخواه حمایت و با انتشار ویدیوهایی در رسانه‌های اجتماعی، از سیاست‌های حکومت و سرکوب اعتراضات و علی‌خامنه‌ای انتقاد کرده است.

باقری‌نیا به دلیل فعالیت‌های مدنی مستمر با شکایت اطلاعات سپاه در ۳۰ بهمن ۱۴۰۱ به شعبه ۹۰۲ بازپرسی مشهد احضار شد. یک ماه بعد، پرونده‌اش در شعبه ۹۰۲ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، هیئت انتظامی و دادگاه انقلاب مشهد مختومه و برای او قرار «موقوفی تعقیب» صادر شد.^{۱۷۵} با این حال، ریاست دانشگاه حکیم سبزواری همچنان از ورود او به دانشگاه و ادامه تدریس جلوگیری کرد. در مهرماه ۱۴۰۲، رئیس دانشگاه در اقدامی غیرقانونی، این فعال مدنی را مجبور به درخواست برای بازنشستگی پیش از موعد کرد و حراست دانشگاه او را تهدید کرد که اگر بازنشستگی را نپذیرد، اخراج خواهد شد. این استاد دانشگاه آذرماه ۱۴۰۲ از «بازنشستگی اجباری» خود خبر داد.^{۱۷۶}

پس از انتشار یک ویدئوی اعتراضی و ظالم‌خواندن علی‌خامنه‌ای، در ۱۳ خرداد ۱۴۰۳ و پس از مراجعه به بازپرسی دادگاه عمومی انقلاب مشهد بازداشت و چندی بعد با وثیقه از زندان مرکزی مشهد (وکیل‌آباد) آزاد شد.

به‌روزرسانی

در اسفندماه ۱۴۰۳ شعبه ۱ دادگاه انقلاب مشهد، به ریاست قاضی غلامرضا اکبری‌مقدم، او را به اتهام «تشکیل و اداره گروه با هدف برهم زدن امنیت کشور، توهین به رهبر جمهوری اسلامی و اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» به ۱۰ سال و ۹ ماه حبس محکوم کرد. پنج سال از این حکم، برای مدت پنج سال به حالت تعلیق درآمد. او همچنین، به دو سال محرومیت از تدریس در دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و مدارس و کانون‌های آموزشی و نیز منع خروج از کشور محکوم شد.^{۱۷۷}

پس از آغاز جنگ بین اسرائیل و ایران، او در کانال تلگرامی خود، علی‌خامنه‌ای را همراه با اسرائیل و مسئول مستقیم کشته‌شدن غیرنظامیان در دو کشور خواند.^{۱۷۸} پس از این انتقاد، باقری‌نیا و همسرش فاطمه نورادی ۲۸ خرداد ۱۴۰۴، با اتهام‌های «توهین به رهبری»، «تبلیغ علیه نظام» و «تشویش اذهان عمومی از طریق حمایت از اسرائیل» در منزلشان در مشهد بازداشت شدند.^{۱۷۹} نیروهای امنیتی تمامی وسایل الکترونیکی این خانواده، از جمله تلفن‌های همراه، لپ‌تاپ‌ها، هاردها و دیگر تجهیزات دیجیتال را ضبط کردند. همسرش روز بعد آزاد شد، اما باقری‌نیا پس از یک ماه، با وثیقه از یکی از بازداشتگاه‌های اطلاعات سپاه مشهد آزاد شد.^{۱۸۰}

حسن باقری‌نیا در تاریخ ۲۱ آذر ماه ۱۴۰۴ در مراسم هفتم خسرو علی‌کردی، وکیل دادگستری که به طور مشکوکی جان باخت، نیز بازداشت و بعد از چند روز آزاد شد.

گلرخ ابراهیمی ایرانی

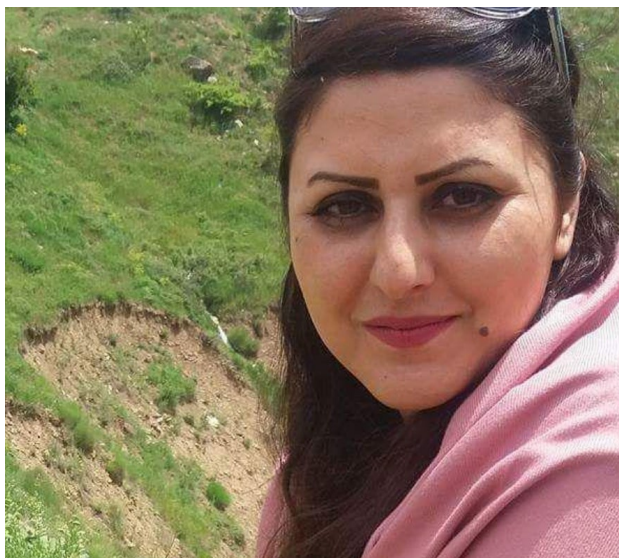
سن: ۴۶

حوزه فعالیت: فعال مدنی

وضعیت: زندانی در اوین

وضعیت حقوقی: ۵ سال زندان

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، شکنجه و بدرفتاری، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، حبس انفرادی طولانی‌مدت، تبعید به زندان دیگر، محرومیت از ملاقات خانواده



پیشینه

گلرخ ابراهیمی ایرانی فعال مدنی و نویسنده‌ای است که فعالیت‌های گسترده‌ای در مخالفت با مجازات اعدام حتی از داخل زندان انجام داده است. در سال ۱۳۹۳ به دلیل نوشتن رمانی با موضوع سنگسار یک زن، بازداشت و با اتهام «تبلیغ علیه نظام و توهین به مقدسات» به شش سال زندان محکوم شد. با تأیید این حکم در تاریخ یکم دی ۱۳۹۴، او سوم آبان ۱۳۹۵ برای اجرای حکم بازداشت شد.^{۱۸۱} پس از گذراندن ۳ سال حبس، در فروردین ۱۳۹۸ با پایان دوران محکومیت آزاد شد.^{۱۸۲}

ایرانی شش ماه پس از آزادی، به دلیل پرونده جدیدی که در زمان حبس برای او گشوده شده بود، دوباره بازداشت شد.^{۱۸۳} شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران، این بار او را به اتهام «توهین به بنیان‌گذار جمهوری اسلامی» و «تبلیغ علیه نظام» به سه سال و هفت ماه حبس محکوم کرده بود. خواندن سرود در اعتراض به اعدام زانیار و لقمان مرادی (دو پسرعمو که ۱۷ شهریور ۱۳۹۷ به اتهام ترور فرزند امام جمعه مریوان اعدام شدند)، «توهین به بنیان‌گذار و رهبر جمهوری اسلامی» و نامه‌هایی که از زندان به سازمان‌های حقوق بشری ارسال کرده بود، مصادیق «تبلیغ علیه نظام» قلمداد شده بودند. او که پس از بازداشت به زندان قرچک ورامین منتقل شده بود، آذرماه ۱۳۹۹ با شوکر برقی مورد ضرب و جرح قرار گرفت.^{۱۸۴} و به اجبار به بند ۲-الف سپاه پاسداران در زندان اوین منتقل و پس از ۴۳ روز بازجویی، در تاریخ ۵ بهمن ۱۳۹۹ به زندان قرچک بازگردانده شد، اما چند ساعت بعد به زندان مرکزی امل تبعید شد.^{۱۸۵}

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران در فروردین ۱۴۰۰ ایرانی را برای پرونده‌ای جدید که در زندان قرچک علیه او گشوده شده بود، به صورت غیابی محاکمه و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال زندان، دو سال محرومیت از عضویت در گروه‌های سیاسی و ممنوعیت خروج از کشور محکوم کرد.^{۱۸۶} پس از تجمیع احکام و آزادی از زندان مرکزی امل^{۱۸۷} در ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱، پنج ماه بعد در ۴ مهر همان سال، در جریان اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» به صورت خشونت‌آمیزی بازداشت شد.^{۱۸۸}

فروردین ۱۴۰۲، ایمان افشاری، قاضی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران، گلرخ ابراهیمی ایرانی را به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» به ۷ سال حبس، دو سال ممنوعیت خروج از کشور، ممنوعیت حضور در تهران، ممنوعیت عضویت در احزاب و گروه‌ها و ضبط گوشی تلفن همراه محکوم کرد. این حکم در مرحله تجدیدنظر به پنج سال حبس همراه با مجازات‌های تکمیلی تغییر یافت.^{۱۸۹} این فعال مدنی در دوران حبس بارها از ملاقات محروم شده و مورد ضرب و شتم قرار گرفته است؛ چندین بار با ضرب و شتم به زندان‌های مختلف تبعید شده و بارها به نشانه اعتراض به صدور و اجرای احکام اعدام، اعتصاب غذا کرده است.

به روز رسانی

پس از حمله اسرائیل به زندان اوین، در تیرماه ۱۴۰۴ گلرخ ابراهیمی ایرانی همراه سایر زندانیان زن تحت محدودیت‌های شدید امنیتی به زندان قرچک ورامین منتقل^{۱۹۰} و ۱۷ مهر به زندان اوین بازگردانده شد. انجمن قلم آمریکا در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ اعلام کرد که جایزه «آزادی نوشتن سال ۲۰۲۶» این نهاد را به گلرخ ابراهیمی ایرانی و علی اسداللهی، شاعر و فعال مدنی، اعطا می‌کند.

مطهره گونه‌های

سن: ۲۹

حوزه فعالیت: فعال مدنی

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: ۲۱ ماه حبس و دو پرونده باز

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، محرومیت از رسیدگی درمانی، محرومیت از ملاقات خانواده، شکنجه و آزار خانواده، محرومیت از تحصیل



پیشینه

مطهره گونه‌های فعال مدنی، دانشجوی دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران و دبیر سیاسی پیشین انجمن اسلامی دانشگاه تهران است که به دلیل انتقادهای صریح از سیاست‌های جمهوری اسلامی و علی‌خامنه‌ای و همچنین مخالفت با مجازات اعدام، با تعقیب قضایی و فشارهای امنیتی مواجه شده است.

این فعال مدنی در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» در مهرماه ۱۴۰۱ بازداشت و بعد از چند روز آزاد شد. یک سال بعد، او با حکم کمیته مرکزی وزارت بهداشت به اتهام «ایجاد بلوا و آشوب» از دانشگاه علوم پزشکی تهران به دانشگاه علوم پزشکی اردبیل تبعید و به ۲۴ ماه محرومیت از تحصیل محکوم شد.^{۱۹۱}

گونه‌های پس از تحصن در خانه موسیقی در اعتراض به حکم اعدام توماج صالحی در ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳، با یورش مأموران اطلاعات سپاه به منزلش بازداشت و چند روز بعد با وثیقه آزاد شد.^{۱۹۲} تیرماه همان سال، شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب او را به یک سال حبس محکوم کرد.^{۱۹۳} و ۱۶ مهرماه پس از احضار به دادرسی فرهنگ و رسانه تهران، بازداشت و برای اجرای حکم به زندان اوین منتقل شد. او به دلیل ادامه اعتراض‌هایش به احکام اعدام در زندان، مدتی از حق ملاقات محروم بود. گونه‌های ۲۶ اسفند ۱۴۰۳ با پایان محکومیت، از زندان آزاد شد.^{۱۹۴}

به روز رسانی

همزمان با حملات اسرائیل به ایران، این فعال مدنی ۲۴ خرداد ۱۴۰۴ به دلیل اعتراض به سیاست‌های حکومت و رهبر جمهوری اسلامی در خصوص جنگ، با یورش مأموران وزارت اطلاعات بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. گونه‌های پس از آزادی، تصاویری از پوکه گلوله‌ها و آثار تیراندازی در منزلش منتشر کرد و نوشت که مأموران هنگام بازداشتش با سلاح گرم وارد منزل شده، آرنج او را شکسته و پدر و مادرش را به شدت مضروب کرده‌اند.^{۱۹۵}

با حمله اسرائیل به زندان اوین در ۲ تیرماه ۱۴۰۴ و خسارت شدید به بند ۲۰۹ امنیتی (مکان حبس این فعال مدنی)، نگرانی‌ها از وضعیت او به دلیل بی‌خبری افزایش یافت، تا این‌که در ۲۵ تیرماه که خبر آزادی او با وثیقه اعلام شد.^{۱۹۶}

گونه‌های پس از آزادی، از بی‌توجهی مأموران زندان اوین به جان زندانیان در زمان حمله انتقاد و حتی مقام‌های جمهوری اسلامی را متهم به برنامه‌ریزی برای کشتن زندانیان سیاسی کرد.

دو ماه بعد از آزادی، شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب او را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۱۵ ماه و به اتهام اهانت به رهبر جمهوری اسلامی به شش ماه حبس محکوم کرد.^{۱۹۷} حکم ۲۱ ماه حبس مطهره گونه‌های که همچنان از ادامه تحصیل محروم است، آذر ماه ۱۴۰۴ در دادگاه تجدیدنظر نیز تأیید شد.

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ برای این فعال مدنی دو پرونده قضایی جدید تشکیل و او برای رسیدگی به آن‌ها احضار شد. در پرونده اول برای رسیدگی به اتهامات انتسابی «توهین به رهبری»، «توهین به مقدسات اسلام»، «توهین به مقامات و مأموران»، «تبلیغ علیه نظام» و «نشر اکاذیب» به شعبه ۹ بازپرسی دادرسی فرهنگ و رسانه تهران احضار شد. اتهامات مطرح‌شده در این پرونده شامل است. براساس دومین احضاریه نیز باید برای دفاع از اتهام انتسابی «نشر اکاذیب» به دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه ۳۱ تهران (ویژه جرائم رسانه و رایانه) مراجعه می‌کرد.

احمد رضا حائری

سن: ۴۳

حوزه فعالیت: فعال حقوق بشر

وضعیت: زندانی در زندان قزل حصار کرج

وضعیت حقوقی: ۶ سال و ۳ ماه زندان

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، عدم رعایت قانون تفکیک جرایم، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، محرومیت از درمان، توقیف اموال و مسدود کردن حساب بانکی، ناپدیدسازی قهری چندروزه



پیشینه

احمد رضا حائری فعال مدنی و از اعضای فعال «کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام» است که به دلیل افشاگری درباره نقض حقوق بشر در زندان‌های ایران، وضعیت زندانیان و نامه‌های افشاگرانه از زندان، با پرونده‌ها و احکام متعدد حبس مواجه شده است. این فعال مدنی سال ۱۳۹۳ در پی حضور در تجمعی مقابل دفتر ریاست جمهوری در اعتراض به حمله فیزیکی به زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین بازداشت و به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» به ۳ سال و ۶ ماه حبس محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدیدنظر به ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق تبدیل شد. حائری پس از اجرای حکم شلاق، ۴ مرداد ۱۳۹۹ برای اجرای حبس به زندان اوین و سپس به زندان تهران بزرگ منتقل^{۱۹۸} و مه‌ماه همان سال به صورت مشروط آزاد شد.^{۱۹۹} در سال ۱۴۰۰ به دلیل افشاگری درباره نقض حقوق بشر در زندان‌های ایران پرونده جدیدی علیه او تشکیل شد و حائری ۶ تیر ۱۴۰۱ بار دیگر بازداشت و به بند ۲-الف اوین منتقل شد.^{۲۰۰} این فعال مدنی در مردادماه همان سال با وثیقه آزاد شد، اما شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران او را به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» به ۳ سال و ۸ ماه حبس و به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به ۸ ماه حبس محکوم کرد.^{۲۰۱} حائری ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ برای اجرای حکم به زندان اوین منتقل شد. ۲۰۲ یک ماه بعد، پس از افشاگری درباره مرگ ساسان نیک‌نفس و امیرحسین حاتمی، زندانیان محبوس در زندان تهران بزرگ، او به اتهام «نشر اکاذیب» به صورت غیابی به ۳ ماه و یک روز حبس محکوم شد.^{۲۰۲} احمد رضا حائری از اردیبهشت ۱۴۰۲ برای اجرای حکم به زندان رفت، در حالی که پیش از آن، نهادهای امنیتی، وثیقه‌گذار او را به توقیف وثیقه تهدید کرده بودند و حساب‌های بانکی خودش مسدود و خودرو شخصی‌اش هم توقیف شده بود.^{۲۰۴} او تیرماه همان سال به دلیل افشاگری در مورد شکنجه و شرح جزئیات اعدام مصنوعی سامان صیدی، خواننده معترض محکوم به اعدام، به صورت غیابی به ۳ ماه و یک روز حبس دیگر بابت «نشر اکاذیب» محکوم و شهریورماه به زندان قزل حصار تبعید شد.^{۲۰۵} حائری آبان‌ماه ۱۴۰۳ اعلام کرد حکم زندانش که به صورت پنهانی و غیرقانونی از سوی دادگاه انقلاب و دادسرای امنیت به مدت یک سال مخفی نگه داشته شده بود، به ۶ سال و ۳ ماه افزایش یافته است.^{۲۰۶}

به روز رسانی

درخواست اعاده دادرسی احمد رضا حائری شهریورماه ۱۴۰۴ در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور پذیرفته شد. در ماه‌های اخیر او به دلیل اعتراض به اجرای حکم اعدام بابک شهبازی و انتقاد از حکومت، برای چندمین بار برای حضور در جلسه بازپرسی به دادسرای انقلاب کرج احضار شده است.^{۲۰۷} هم‌زمان حائری اعلام کرد که در ماه‌های اخیر دوبار در زمره مشمولان بخش‌نامه کاهش مجازات قرار گرفته، اما هر بار با دخالت مستقیم نهادهای امنیتی آزادی او منتفی شده است.^{۲۰۸}

به دنبال اعتراض زندانیان سیاسی واحد ۴ زندان قزل حصار به انتقال چند زندانی برای اعدام، در شب ۹ فروردین ۱۴۰۵ نیروهای گارد زندان با خشونت و ضرب و شتم، این زندانیان، از جمله احمد رضا حائری، را به مکان نامعلومی منتقل کردند و به مدت چند روز کسی از آنان خبر نداشت و در وضعیت «ناپدیدسازی قهری» بودند. پس از مدتی مشخص شد که آن‌ها به انفرادی واحد ۳ منتقل شده‌اند.

حائری اواخر فروردین‌ماه به بند عمومی بازگردانده شد. این عضو کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، روز سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۵، هم‌زمان با هفته ۱۲۱ کارزار، به دلیل انتشار روایت‌های مختلف در خصوص اعدام و مبارزه با این مجازات و نقض حق دادرسی منصفانه متهمان، از داخل زندان به صورت ویدئو کنفرانس در شعبه یک دادسرای عمومی و انقلاب کرج با اتهام تبلیغ علیه نظام محاکمه شد.

لیلا حسین زاده

سن: ۳۵

حوزه فعالیت: فعال مدنی

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، حبس انفرادی طولانی مدت، عدم رعایت اصل تفکیک جرائم، محرومیت از رسیدگی درمانی، محرومیت از تحصیل



پیشینه

لیلا حسین زاده، دبیر پیشین شورای صنفی دانشگاه تهران، نخستین بار به دلیل شرکت در تجمعات دی ماه ۱۳۹۶ در دانشگاه تهران بازداشت و بعد از دو هفته با تودیع وثیقه آزاد شد.^{۲۰۹}

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران ۱۶ اسفند ۱۳۹۶ او را به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام» به شش سال حبس و دو سال ممنوعیت خروج از ایران، محکوم کرد.^{۲۱۰} این حکم در دادگاه تجدیدنظر به سه سال و نیم حبس و دو سال ممنوعیت خروج از کشور کاهش یافت. او ۶ مرداد ۱۳۹۸ بازداشت^{۲۱۱} و برای اجرای حکم به زندان اوین منتقل شد.^{۲۱۲}

لیلا حسین زاده اسفندماه همان سال به مرخصی رفت و با توجه به ابتلا به بیماری صعب‌العلاج، مشمول قانون «عدم تحمل کیفر» و آزاد شد.^{۲۱۳} یک سال بعد، شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران او را به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» به پنج سال حبس دیگر و دو سال منع فعالیت در فضای مجازی محکوم کرد.^{۲۱۴} از جمله اتهام‌های او برگزاری جشن تولد برای محمد شریفی مقدم، درویش گنابادی، و خواندن سرود «خون ارغوان‌ها» مقابل دانشگاه صنعتی شریف بود.^{۲۱۵} این حکم در دادگاه تجدیدنظر نیز تأیید شد.^{۲۱۶} و مأموران در تاریخ ۱۶ آذر ۱۴۰۰ این فعال مدنی را بدون توجه به شرایط بیماری با ضرب و شتم بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کردند، در حالی که او حتی به داروهای مورد نیازش دسترسی نداشت.^{۲۱۷} با این حال، حسین زاده پس از ۲۶ روز حبس با تودیع وثیقه آزاد شد.

یک سال بعد، در ۲۹ مرداد ۱۴۰۱ او بار دیگر به دستور دادستانی شیراز بازداشت و ابتدا به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. سپس او را به بازداشتگاه وزارت اطلاعات شیراز، موسوم به پلاک ۱۰۰ منتقل کردند.^{۲۱۸} این دانشجوی زندانی یک ماه بعد، به قرنطینه و بند مواد مخدر زندان مرکزی شیراز (عادل آباد) منتقل و از تماس و ملاقات با خانواده محروم شد. در نیمه شبی از دی ماه همان سال بدون اطلاع قبلی و با ضرب و شتم مأموران زندان، او را به زندان اوین بردند.^{۲۱۹}

حسین زاده در شهریور ۱۴۰۳ اعلام کرد که با تأییدیه کمیسیون پزشکی قانونی مبنی بر عدم تحمل کیفر قطعی و دائمی، ادامه حبس او به صدمیلیون تومان جریمه نقدی تبدیل شده است.^{۲۲۰}

به روز رسانی

حسین زاده در دی ماه ۱۴۰۳ به دلیل حضور بدون حجاب در جلسه ارائه و دفاع از «پایان نامه کارشناسی ارشد» رشته انسان‌شناسی در دانشگاه تهران با اتهام‌های «تبلیغ علیه نظام» و «حضور زنان در معابر و انظار عمومی بدون حجاب شرعی» در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به یک سال حبس محکوم شد.^{۲۲۱} پس از صدور این حکم، او اعلام کرد که در مراجعه حضوری به اداره کل آموزش دانشگاه تهران مطلع شده که علاوه بر مقطع کارشناسی ارشد، در اقدامی غیرقانونی، شش سال پس از فارغ التحصیلی، از مقطع کارشناسی نیز اخراج شده است.^{۲۲۲} این فعال مدنی آبان ماه ۱۴۰۴ در گفت‌وگویی تلویزیونی تأیید کرد که به تازگی از ایران خارج شده است.^{۲۲۳}



رضا خندان

سن: ۶۱

حوزه فعالیت: فعال مدنی

وضعیت: زندانی در اوین

وضعیت حقوقی: ۴ سال و یک ماه و ۱۶ روز حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند

قانونی، آزار و اذیت خانواده

پیشینه

رضا خندان، فعال مدنی و عضو کارزار «من به حجاب اجباری اعتراض دارم»، به همراه فرهاد میثمی، فعال مدنی، در سال ۱۳۹۷، هزاران سنجاق سینه با شعار «من به حجاب اجباری اعتراض دارم» ساختند و پخش کردند.^{۲۲۴} این فعالیت به بازداشت او در منزلش در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۹۷ منجر شد.^{۲۲۵} خندان که ۲ دی ماه همان سال با قرار وثیقه آزاد شده بود، یک ماه بعد در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست ابوالقاسم صلواتی به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» به ۶ سال حبس و ممنوعیت عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی، فعالیت در فضای مجازی، رسانه‌ها و مطبوعات و خروج از کشور محکوم شد. با پذیرش اعاده دادرسی پرونده در دیوان عالی کشور، این حکم به چهار سال، یک ماه و ۱۶ روز حبس کاهش یافت.^{۲۲۶}

نیروهای امنیتی بار دیگر او را ۲۳ آذر ۱۴۰۳ در منزلش بازداشت کردند. نسرين ستوده، حقوقدان و همسر رضا خندان، این بازداشت را غیرقانونی دانست و اعلام کرد که او پیش‌تر مشمول عفو و پرونده مختومه شده بود.^{۲۲۷} محمود بهزادی‌راد، وکیل رضا خندان، هم گفت که وزارت اطلاعات به‌عنوان ضابط پرونده، پیش‌تر با اجرای این حکم مخالفت کرده بود.^{۲۲۸}

این فعال مدنی ۲ دی‌ماه ۱۴۰۳ از قرنطینه زندان به بند ۸ اوین منتقل شد. به گفته همسرش، بند ۸ جایی است که ساس دارد، زندانیان با یک پتو بر کف زمین می‌خوابند و امکان تماس تلفنی محدودی دارند.^{۲۲۹}

در تاریخ ۳ دی‌ماه، رضا خندان در اعتراض به انتقال و شرایط غیرانسانی بند ۸ و همچنین مرگ مهدی خدیاری، فعال سیاسی، در بازداشتگاه نیروی انتظامی، اعتصاب غذا کرد^{۲۳۰} و شش روز بعد، با وعده مسئولان برای بهبود شرایط، به اعتصاب خود پایان داد.

به روز رسانی

رضا خندان بارها از ملاقات با همسر و دخترش مهراوه به‌بهانه رعایت نکردن حجاب از سوی آنان در زندان، محروم شده است. مهراوه به‌دلیل فشارهای حکومتی بر این خانواده مجبور به ترک ایران شد. پسرش نیما در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۴۰۳ هنگام ملاقات با پدر مورد ضرب‌وشتم مأموران قرار گرفت و بازداشت شد. مادر بزرگ نیما نیز که همراه او بود، از هوش رفت و به بیمارستان منتقل شد.^{۲۳۱}

پس از آن، رضا خندان در اعتراض به ضرب‌وشتم پسرش و ممنوعیت ملاقات خانواده بار دیگر دست به اعتصاب غذا زد. مأموران او را از بند ۸ زندان اوین به بند قرنطینه منتقل کردند. چند روز بعد او به‌دلیل فشار روانی ناشی از این اقدام بر فرزندان، به اعتصاب غذای خود پایان داد.^{۲۳۲}

خندان پس از حمله اسرائیل به زندان اوین در ۲ تیرماه ۱۴۰۴، در گزارشی از زندان تهران بزرگ با عنوان «گزارش یک جنایت»، ماجرای انتقال شبانه، خشونت‌آمیز و غیرقانونی صدها زندانی با دستبند، پابند و به زور اسلحه مأموران از زندان اوین به زندان تهران بزرگ (فشافویه) را روایت کرد.^{۲۳۳} او به‌همراه سایر زندانیان مرداد همان سال در روندی که با رفتار خشونت‌آمیز مأموران همراه بود، بار دیگر به زندان اوین بازگردانده شد.

رضا خندان در آبان‌ماه ۱۴۰۴ اعلام کرد به‌دلیل ۱۰ ماه محرومیت از ملاقات همسر و دخترش به بهانه «عدم رعایت حجاب»، حدود یک ماه مقابل دفتر بند ۷ زندان، به نشانه اعتراض تحصن روزانه می‌کند. در ۱۲ فروردین ۱۴۰۵، دخترش، مهراوه خندان اعلام کرد که هرچند تنها حدود ۶ ماه از محکومیت پدرش باقی مانده است، به‌دلیل شرایط جنگی و اقدام مأموران زندان به «جوش دادن درهای بندها»، جان او و سایر زندانیان در خطر جدی قرار دارد.

بهر لاله‌زاری

سن: ۴۴

حوزه فعالیت: فعال مدنی

وضعیت: زندانی در اوین

وضعیت حقوقی: ۵ سال حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، حبس انفرادی، محرومیت از رسیدگی درمانی، محرومیت از ملاقات با خانواده



پیشینه

بهر لاله‌زاری، فعال مدنی و حقوقدان، نخستین بار ۲۰ تیرماه ۱۳۷۸، در اعتراضات جنبش دانشجویی (حمله به کوی دانشگاه) بازداشت شد. او که در زمان بازداشت تنها ۱۷ سال داشت، بعد از ۶ ماه آزاد شد.

این فعال مدنی بار دیگر در سال ۱۳۸۷، این بار به علت شعارنویسی و نوشتن مقاله‌ای در نقد قانون مجازات اسلامی، بازداشت شد. قاضی پیرعباسی او را به اتهام توهین به بنیان‌گذار جمهوری اسلامی به پنج سال حبس محکوم کرد. این حکم در دادگاه تجدیدنظر به سه سال و نیم حبس کاهش یافت و او در اسفند ۱۳۹۰ از زندان اوین آزاد شد.

لاله‌زاری در سال ۱۳۹۴ بار دیگر به دلیل نوشتن یک مقاله بازداشت و در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه، به اتهام «اهانت به دین اسلام و مقدسات از طریق مطبوعات و توهین به رهبری» به هفت سال زندان محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدیدنظر تأیید و او پس از تحمل سه سال حبس، اواخر بهمن‌ماه ۱۳۹۷ از زندان اوین آزاد شد.^{۲۳۴}

در پی افزایش فشارها بر فعالان مدنی پس از سرکوب اعتراضات ۱۴۰۱، این فعال مدنی ۲۷ شهریورماه ۱۴۰۲ در خیابان به‌همراه همسرش، رضوانه احمد خان‌بیگی^{۲۳۵} بار دیگر بازداشت شد. نیروهای پلیس امنیت یافت‌آباد تهران، سپس با هجوم به خانه این دو فعال مدنی، ضمن تفتیش منزل و ضبط لوازم الکترونیکی و وسایل کار او و همسرش، لاله‌زاری را به پایگاه پلیس امنیت یافت‌آباد بردند. او پس از هشت روز به بازداشتگاه وزرا و سپس به زندان اوین منتقل شد.

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری دی‌ماه ۱۴۰۲ او را با اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی» به پنج سال حبس محکوم کرد؛ این حکم در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شد.

این فعال مدنی که مبتلا به آسم و بیماری قلبی است، در زندان بینایی چشم چپ خود را از دست داد و چشم راست او نیز دچار تاری دیده شده است. او دندان‌های خود را به دلیل ضرب‌وشتم و شکنجه از دست داده و درخواست مرخصی درمانی او بارها رد شده است. لاله‌زاری تا مدت‌ها در زندان از رسیدگی درمانی و دریافت داروهای قلب و اسپری آسم محروم بود و مسئولان زندان با درخواست خانواده او برای تحویل داروها مخالفت می‌کردند. مقام‌های قضایی و مسئولان زندان با درخواست‌های متعدد او برای مرخصی و دیدار فرزندش که پس از زندانی شدن او متولد شده بود، مخالفت کردند.

به روزرسانی

این فعال مدنی در سال ۱۴۰۳ در اعتراض به رسیدگی‌نشدن به درخواست اعاده دادرسی در مورد پرونده‌اش اعتصاب غذا کرد^{۲۳۶} و با وعده مسئولان برای بررسی مطالباتش، به این اعتصاب پایان داد و بار دیگر درخواست اعاده دادرسی کرد. هر دو درخواست اعاده دادرسی او پس از ماه‌ها انتظار در دیوان عالی کشور رد شدند. سومین درخواست اعاده دادرسی در مهرماه ۱۴۰۴ پذیرفته و پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر ارجاع شد، اما در رسیدگی مجدد بدون تغییر باقی ماند و دادگاه تجدیدنظر استان تهران، پنج سال حبس او را تأیید کرد.^{۲۳۷}



نرگس محمدی

سن: ۵۴

حوزه فعالیت: فعال حقوق بشر

وضعیت: آزاد به قید وثیقه - تعویق در اجرای حکم

وضعیت حقوقی: حدود ۱۸ سال حبس، ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور و ۲ سال تبعید

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از رسیدگی درمانی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، تبعید به زندان دیگر، آزار و اذیت جنسی، حبس طولانی مدت در سلول انفرادی، شکنجه و مجازات بی رحمانه و غیرانسانی، عدم رعایت اصل تفکیک جرائم، محرومیت از خروج از کشور و دریافت گذرنامه

پیشینه

نرگس محمدی برنده جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۲۳، نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر (DHRC) و عضو کارزار «لگام» (گام به گام برای توقف مجازات اعدام) است که فعالیت‌های گسترده‌ای در مخالفت با مجازات مرگ و موارد دیگر نقض حقوق بشر، از جمله «شکنجه سفید»، داشته است. این فعال مدنی در سال ۱۳۸۸ به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری، بازداشت و از کار اخراج شد. دادگاه در سال ۱۳۹۰ او را به تحمل ۱۱ سال زندان محکوم کرد.^{۲۳۸} این حکم که در دادگاه تجدیدنظر به شش سال کاهش یافته بود در اردیبهشت ۱۳۹۱ به اجرا درآمد. اما چند ماه بعد به دلیل بیماری، براساس نظر پزشک قانونی و با حکم عدم تحمل کیفر آزاد شد. محمدی اردیبهشت ۱۳۹۳ بار دیگر بازداشت شد. شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، به ریاست قاضی صلواتی این فعال مدنی را در اردیبهشت ۱۳۹۵، به اتهامات «اجتماع و تبانی، فعالیت تبلیغی علیه نظام و تشکیل و اداره گروه غیرقانونی لگام» به ۱۶ سال حبس محکوم کرد. این حکم در دادگاه تجدید نظر استان تهران تأیید شد.^{۲۳۹} دی ماه ۱۳۹۸، محمدی همراه با گروهی از زنان زندانی در همبستگی با خانواده‌های کشته‌شدگان اعتراضات آبان، در بند زنان زندان اوین تحصن کردند. پس از آن، او مورد ضرب و شتم رئیس زندان قرار گرفت و به زندان مرکزی زنجان منتقل شد. بعد از آزادی، اعلام کرد که در این انتقال، مورد آزار جنسی قرار گرفته اما شکایتش به نتیجه‌ای نرسیده است. یک ماه بعد برای او دو پرونده جدید با شش اتهام امنیتی تشکیل شد. او این اتهام‌ها را «بی‌اساس» و روند دادرسی را نقض قانون اساسی و حقوق بشر خواند و اعلام کرد که در دادگاه حاضر نمی‌شود. محمدی ۱۷ مهر ۱۳۹۹ آزاد شد.^{۲۴۰} اما در آبان ماه ۱۴۰۰، بار دیگر بازداشت و یک ماه بعد به او حکمی جدید (۳۰ ماه زندان و ۸۰ ضربه شلاق) ابلاغ شد.^{۲۴۱} این برنده جایزه صلح نوبل ۴ بهمن ۱۴۰۰ در محاکمه‌ای پنج دقیقه‌ای به ۸ سال زندان و ۷۰ ضربه شلاق محکوم شد.^{۲۴۲} فروردین ۱۴۰۱، در منزلش بازداشت و به زندان قرچک منتقل شد.^{۲۴۳} در حالی که از درمان و خدمات پزشکی محروم بود و مسئولان زندان از تحویل داروهایش، خودداری می‌کردند.^{۲۴۴} این فعال مدنی خردادماه ۱۴۰۳ در شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب تهران به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم شد. بخشی از مصادیق این حکم، «تحریم انتخابات مجلس و نامه به پارلمان‌های سوئد و نروژ» عنوان شدند.^{۲۴۵} او به دلیل امتناع از پوشیدن حجاب اجباری از درمان پزشکی خارج از زندان محروم شد، تا اینکه دست به اعتصاب غذا زد. او به دلیل امتناع از پوشیدن حجاب اجباری از درمان پزشکی خارج از زندان محروم شد، تا اینکه دست به اعتصاب غذا زد.

به روز رسانی

اجرای حکم حبس نرگس محمدی، پس از عمل جراحی برای برداشتن تومور و پیوند استخوان، در آذر ۱۴۰۳، با تأیید پزشکی قانونی، به مدت ۳ هفته متوقف و او به مرخصی درمانی اعزام شد.^{۲۴۶} او که در آزادی موقت به سر می‌برد، آذرماه ۱۴۰۴ اعلام کرد از داشتن گذرنامه و خروج از کشور محروم شده و در صورت بازگشت به زندان همچنان با ۱۰ سال حبس دیگر روبه‌رو خواهد بود.^{۲۴۷} محمدی ۲۱ آذرماه ۱۴۰۴ در مراسم هفتم خسرو علی‌کردی، وکیل دادگستری که به طور مشکوکی جان باخت، با ضربات شدید باتوم به ناحیه سر و گردن و با خشونت بازداشت شد. او به خانواده خود گفت در زمان بازداشت، به مرگ تهدید شده و شدت ضرب و شتم به حدی بوده که پس از بازداشت دوبار به بیمارستان و بخش اورژانس منتقل شده است. او که از داشتن وکیل و حق تماس محروم شده بود، ۱۳ بهمن در اعتراض به تداوم حبس، نحوه و شرایط بازداشت و محرومیت از حق تماس و ملاقات، اعتصاب غذا کرد. به گفته همسرش، تقی رحمانی، نرگس محمدی با وجود ابتلا به بیماری قلبی و ریوی از رسیدگی پزشکی محروم شده است. او ۱۸ بهمن در دادگاه انقلاب مشهد به اتهام «اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام» به ۷ سال و ۶ ماه حبس، ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور و ۲ سال تبعید محکوم و چند روز بعد به زندان مرکزی زنجان منتقل شد. به گفته حمیدرضا محمدی، برادر نرگس، او در ۴ فروردین ۱۴۰۵ دچار حمله قلبی شد. در ۹ و ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ در حضور مأموران زندان، خانواده و تیم حقوقی با نرگس محمدی دیدار کردند؛ آن‌ها گفتند که نشانه‌های بارزی از وخامت حال جسمانی او مشاهده کرده‌اند. حدود یک ماه بعد، مصطفی نیلی، وکیل این فعال حقوق بشر، اعلام کرد که موکلش روز یکشنبه، ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵، پس از ۱۰ روز بستری در بیمارستانی در زنجان، با تودیع وثیقه سنگین و تعویق در اجرای حکم، با آمبولانس به بیمارستان پارس تهران منتقل و برای درمان فوری تحت نظر تیم پزشکی خود بستری شد.

مهدی محمودیان

سن: ۴۷

حوزه فعالیت: فعال مدنی

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: پرونده باز دارد

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل و مرخصی درمانی



پیشینه

مهدی محمودیان فعال مدنی است که به دلیل افشاگری^{۲۴۸} درباره بدرفتاری‌ها، شکنجه و کشتار معترضان و موارد نقض حقوق بشر در ایران، چندین بار بازداشت و سال‌ها زندانی شده است. او به دنبال اعتراضات ۱۳۸۸ به نتایج انتخابات ریاست جمهوری، پس از افشاگری در خصوص کشته‌شدگان اعتراضات و سوله کهریزک، مکانی که حکومت جمهوری اسلامی از آن برای نگهداری و شکنجه معترضان بازداشت‌شده استفاده می‌کرد، بازداشت و به ۵ سال زندان محکوم شد. پس از پایان محکومیت، محمودیان در سال ۱۳۹۳ از زندان آزاد شد.

این فعال مدنی به دلیل امضای نامه‌ای در اعتراض به سرکوب اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ و انتشار فراخوان برای روشن کردن شمع جهت همدردی با خانواده‌های جان‌باختگان هواپیمای اوکراینی، ۱۵ بهمن ۱۳۹۸ بار دیگر بازداشت^{۲۴۹} و ۱۲ روز بعد با وثیقه آزاد شد.

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران در اول شهریور ۱۳۹۹ مهدی محمودیان را به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور» به ۴ سال حبس و به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال حبس و دو سال ممنوعیت عضویت در احزاب سیاسی و ممنوعیت خروج از کشور محکوم کرد و این حکم در دادگاه تجدیدنظر نیز تأیید شد.

او ۲۳ مرداد ۱۴۰۰ به همراه تعدادی از مدافعان حقوق بشر برای ثبت شکایت علیه «ستاد ملی مقابله با کرونا» و علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، به دلیل سوءمدیریت در بحران کرونا به «انجمن حمایت از حقوق شهروندی تهران» مراجعه کرد.^{۲۵۰} اما هم‌زمان مأموران امنیتی و دو مقام قضایی وارد جلسه شدند و شاکیان را بازداشت کردند.

محمودیان در بهمن‌ماه ۱۴۰۰ به دلیل انتشار اطلاعاتی در توئیترش، درباره یک مصاحبه انتقادی از دخالت سپاه پاسداران در اقتصاد، با شکایت این نهاد نظامی به اتهام «نشر اکاذیب» به ۴ ماه حبس محکوم شد.^{۲۵۱}

شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب تهران نیز خردادماه ۱۴۰۱ مهدی محمودیان را در پرونده مرتبط با کرونا به ۴ سال حبس، ۲ سال محرومیت از عضویت در احزاب، ممنوعیت خروج از کشور و ۴ ماه خدمات عمومی محکوم کرد.^{۲۵۲} این حکم در دادگاه تجدیدنظر تأیید شد.

او در تاریخ ۱۳ دی ۱۴۰۲ از زندان اوین آزاد شد.^{۲۵۳}

به روز رسانی

مهدی محمودیان بهمن‌ماه ۱۴۰۳ با افشاگری در مورد وجود ساس در زندان اوین، در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب، به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۸ ماه حبس محکوم و ۱۵ بهمن‌ماه برای اجرای حکم حبس به زندان اوین منتقل شد.

یک روز بعد از بازداشت اعلام کرد در اعتراض به «صدور احکام ناعادلانه و سرکوب» اعتصاب غذای خشک و دارو می‌کند.^{۲۵۴} محمودیان سه روز بعد، به دلیل وخامت وضعیت جسمانی، به مرخصی درمانی اعزام و پس از اتمام مرخصی به زندان بازگشت. این فعال مدنی همراه با سایر زندانیان سیاسی پس از حمله اسرائیل به زندان اوین، در تیرماه ۱۴۰۴ به زندان تهران بزرگ منتقل و مردادماه به زندان اوین بازگردانده شد. مهدی محمودیان پس از پایان دوران حبس در ۲۴ شهریور ۱۴۰۴ از زندان اوین آزاد شد.^{۲۵۵}

میزان، خبرگزاری قوه قضائیه، در آبان‌ماه ۱۴۰۴ اعلام کرد که دادستانی به جرم «نشر اکاذیب درباره مرخصی مصطفی تاجزاده» علیه مهدی محمودیان اعلام جرم کرده است.^{۲۵۶}

مهدی محمودیان در ۱۱ بهمن ۱۴۰۴ به دلیل امضای «بیانیه ۱۷ نفر» که علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، را مسئول اصلی کشتار دی‌ماه ۱۴۰۴ دانستند، بازداشت و به زندان نوشهر منتقل شد. در این مدت در کنار زندانیان جرایم خشن، با محرومیت از لباس گرم، غذای نامناسب، محدودیت شدید هواخوری و فشار روانی نگهداری و سرانجام ۲۸ بهمن ۱۴۰۴ با تودیع وثیقه سنگین ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومانی به‌طور موقت از زندان نوشهر آزاد شد.



ضیاء نبوی

سن: ۴۲

حوزه فعالیت: فعال دانشجویی

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از دسترسی به وکیل، حبس طولانی مدت در انفرادی، محرومیت از تحصیل

پیشینه

ضیاء نبوی (سیدضیاءالدین نبوی چاشمی)، فعال سیاسی و مدنی، بعد از اعتراضات سال ۱۳۸۸، موسوم به جنبش سبز، بازداشت و در دادگاه بدوی به ۱۵ سال زندان محکوم شد. پس از بررسی این حکم، دادگاه تجدیدنظر او را از اتهام «محرابه از طریق ارتباط با سازمان مجاهدین خلق» تبرئه و در نهایت، به اتهام‌های «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور، تبلیغ علیه نظام و اخلاف در نظم عمومی» به هفت سال زندان محکوم کرد. نبوی با تحمل نزدیک به ۹ سال زندان در تاریخ ۲۵ بهمن سال ۱۳۹۶، از زندان مرکزی سمنان آزاد شد.^{۲۵۷}

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی در تیرماه ۱۴۰۰ برای او حکم یک سال زندان و دو سال ممنوعیت خروج از کشور و نیز حضور در بهشت زهرا، آسایشگاه جانبازان و کلاس‌های کنترل هیجان در قم صادر کرد.^{۲۵۸} فعالیت در «تشکل‌های دانشجویی» و سوگواری به‌همراه دانشجویان، پس از سقوط هواپیمای مسافری اوکراین با شلیک موشک‌های سپاه، از اتهامات او در دادگاه بود.^{۲۵۹}

نبوی همچنین به‌دلیل شرکت در تجمع دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در اعتراض به حملات شیمیایی به مدارس دخترانه، به «تبلیغ علیه نظام» متهم شد و شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران، در مرداد ۱۴۰۲ او را به یک سال حبس محکوم کرد.^{۲۶۰}

پس از تأیید این حکم در دادگاه تجدیدنظر در ۱۸ فروردین ۱۴۰۳، نبوی پس از مراجعه به شعبه اجرای احکام اوین، برای اجرای حکم یک سال حبس راهی زندان شد.

به‌روزرسانی

این فعال مدنی اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ در نامه‌ای از زندان، از وجود ساس در بند ۸ زندان اوین و مشکلات سلامتی ناشی از آن خبر داد.^{۲۶۱} پس از این افشاگری، شورای انضباطی زندان او را از تماس با خانواده محروم و برای تنبیه به سلول «انفرادی تنبیهی» منتقل کردند.^{۲۶۲} ضیاء نبوی در ۱۰ آذر ماه ۱۴۰۴ از زندان اوین آزاد شد.

او که پیش‌تر با عنوان «دانشجوی ستاره‌دار» بارها محروم از تحصیل شده بود، پس از آزادی از زندان به دانشگاه بازگشت و در حال حاضر مشغول به تحصیل در مقطع دکترا در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس است.

پوران ناظمی

سن: ۵۵

حوزه فعالیت: فعال حقوق بشر

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: پرونده باز دارد

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، حبس انفرادی

طولانی مدت، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، فقدان

دادرسی عادلانه و روند قانونی، آزار جسمی و جنسی در زمان

بازداشت، آزار و اذیت خانواده



پیشینه

پوران ناظمی، فعال مدنی، شاعر و نویسنده، سال‌ها از زندانیان سیاسی و فعالان مدنی حمایت کرده و در جنوب شرقی ایران، برای توانمندی زنان و حمایت از کودکان، تلاش کرده است. او در کارزارهای مخالفت با اعدام شرکت داشته و یکی از امضاکنندگان بیانیه ۱۴ فعال سیاسی است که استعفای علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی را خواستار شدند.

ناظمی به دلیل فعالیت‌های مدنی از سال ۱۳۶۵ (زمانی که نوجوانی ۱۵ ساله بود) بارها احضار و چندین بار بازداشت شده است. او در ۶ خرداد ۱۴۰۰ همراه با جمعی از زندانیان سابق از امران و عاملان آزار زندانیان در سلول‌های انفرادی شکایت کرد.^{۲۶۳} چند روز بعد، در تجمعی اعتراضی مقابل زندان مرکزی شیراز (عادل‌آباد) در حمایت از برادران افکاری شرکت کرد که بار دیگر بازداشت و پس از ساعاتی آزاد شد.^{۲۶۴} یک ماه بعد، این فعال مدنی، در دو تجمع اعتراضی، یکی در حمایت از معترضان خوزستانی و دیگری علیه طالبان، بازداشت و هر دو بار در همان روز آزاد شد. در حمله مأموران امنیتی و لباس شخصی به شرکت‌کنندگان در تجمع دوم، بینی و دنده او دچار شکستگی شد.

یک سال بعد، ۲۷ مهر ۱۴۰۱، نیروهای امنیتی به منزل ناظمی هجوم بردند و او را بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کردند. در ۱۲ بهمن ماه همان سال، نیروهای امنیتی او را که به تازگی از زندان آزاد شده بود، به همراه خواهرش، هنگام ملاقات با پدر بیمارشان در بیمارستان مهرگان کرمان، با خشونت و تعرض جنسی بازداشت کردند. او ابتدا به کلانتری ۲۱ کرمان (بازداشتگاه مواد مخدر) و سپس به زندان مرکزی کرمان منتقل و پس از چند روز با وثیقه آزاد شد.

شعبه اول دادگاه انقلاب جیرفت در تاریخ ۱۱ شهریور ۱۴۰۲ او را به «محاربه» و «افساد فی الارض» متهم کرد. «هانت به مقدسات اسلام، بر هم زدن امنیت کشور، تشویق مردم به ارتکاب جرم و جنایت، توهین به مقامات، اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی، تبلیغ علیه نظام و محاربه و افساد فی الارض» از جمله اتهام‌های او بودند. با صدور این حکم، ناظمی اعلام کرد در دادگاه‌های جمهوری اسلامی شرکت نخواهد کرد و برای حدود دو سال به صورت مخفیانه زندگی کرد، اما همچنان به فعالیت‌های مدنی خود ادامه داد. فیلم مستند «پناهگاه ۲۵» براساس زندگی مخفیانه او ساخته شده است.

به روزرسانی

این فعال مدنی در یک پیام ویدئویی^{۲۶۵} به تاریخ ۱۸ بهمن ۱۴۰۳ گفت که به دلیل افشاگری درباره فساد سیستماتیک مسئولان در جنوب کرمان، مسئولان قوه قضائیه و اطلاعات سپاه پاسداران او را مهدورالدم خوانده و از مردم خواسته‌اند تا او را به قتل برسانند.

بعد از ماه‌ها بلاتکلیفی، و در حالی که به نظر می‌رسید پرونده‌اش مختومه شده است، شعبه ۱ بازپرسی جیرفت در شهریور ۱۴۰۴ کیفرخواست دیگری علیه او صادر کرد و به او اعلام شد پرونده پیشین با اتهام‌های «افساد فی الارض و محاربه» مورد بررسی مجدد قرار گرفته است.

۲۱ آذر ۱۴۰۴، در مراسم هفتم خسرو علی‌کردی، وکیل دادگستری که به طور مشکوکی جان باخت، پوران ناظمی همراه با چند فعال مدنی دیگر با خشونت و ضرب‌وشتم در مشهد بازداشت شدند. پس از انتقال به زندان، وضعیت جسمانی او در اثر فشار بازجویی‌ها به شدت وخیم شد، به طوری که خواهرش اعلام کرد او در اوایل بهمن ۱۴۰۴ در حالت کما به بیمارستان منتقل شده است. در نهایت، در ۱۵ بهمن ۱۴۰۴، پس از پایان بازجویی‌ها و به دلیل وخامت وضعیت جسمی، با قرار وثیقه به طور موقت آزاد شد.

آرش صادقی

سن: ۴۶

حوزه فعالیت: فعال حقوق بشر

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: ۴ سال و ۳ ماه حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از دسترسی به وکیل، حبس طولانی مدت در انفرادی، محرومیت از تحصیل



پیشینه

آرش صادقی، فعال حقوق بشر و دانشجوی اخراجی دانشگاه علامه طباطبایی، به طور مستمر در حمایت از اعتراضات مردمی و زندانیان سیاسی و همچنین مخالفت با مجازات اعدام فعالیت کرده است.

این فعال مدنی نخستین بار ۱۸ تیر ۱۳۸۸ در تجمع دانشجویی مقابل دانشگاه علامه طباطبایی به دست مأموران وزارت اطلاعات بازداشت و سه ماه بعد با قید وثیقه آزاد شد.

در آبان ماه ۱۳۸۹، مادر او در جریان حمله مأموران اطلاعات سپاه به منزلشان، جان خود را از دست داد. پزشکی قانونی، علت مرگ را «ضربه جسم سخت به سر» اعلام کرد.^{۲۶۶} او در دادگاه به یک سال حبس تعزیری و ۵ سال حبس تعلیقی محکوم شد. در شهریور ۱۳۹۳ بار دیگر بازداشت و دوم اسفند ۱۳۹۴، در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران با اتهامات «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی کشور»، «توهین به مقدسات»، «تشکیل گروه‌های مدنی غیرقانونی» و «توهین به بنیان‌گذار و رهبر جمهوری اسلامی» به ۱۵ سال حبس محکوم شد. دادگاه تجدیدنظر این حکم را تأیید کرد. دادگاه همچنین حکم چهار سال حبس تعلیقی او از پرونده پیشین را هم لازم‌الاجرا دانست. به این ترتیب صادقی به ۱۹ سال حبس محکوم شد.

در ۱۸ خرداد ۱۳۹۵، او در زمان مراجعه به دادرسی اوین، بازداشت و برای اجرای حکم، به زندان اوین منتقل شد.^{۲۶۷} سوم آبان همان سال، در اعتراض به نقض قانون در پرونده خود و گلرخ ایرایی (دیگر فعال مدنی) که در آن زمان همسرش بود، اعتصاب غذا کرد.^{۲۶۸} با وجود شرایط وخیم جسمی، مسئولان در اعزام او به بیمارستان کوتاهی کردند.^{۲۶۹}

صادقی شهریورماه ۱۳۹۷ در زندان به نوعی از سرطان استخوان نادر مبتلا و سرانجام جراحی شد.^{۲۷۰} با وجود تأکید پزشکان بر ضرورت بستری شدن در بیمارستان پس از جراحی، مأموران امنیتی او را به زندان بازگرداندند. این اقدام موجب عفونت و از کارافتادگی دست او شد.^{۲۷۱} اردیبهشت ۱۴۰۰، صادقی که به زندان رجایی‌شهر کرج منتقل شده بود، پس از تحمل پنج سال و نیم حبس، آزاد شد، اما دو ماه بعد در یک تجمع به حمایت از اعتراضات خوزستان، با ضرب‌وشتم دستگیر و پس از چند ساعت آزاد شد.^{۲۷۲}

۱۲ مهر ۱۴۰۱ بار دیگر صادقی را بازداشت و به زندان اوین منتقل کردند. او اول بهمن ۱۴۰۱ به صورت موقت و تا پایان مراحل دادرسی از زندان اوین آزاد شد. شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران، ۵ بهمن، او را به پنج سال و هشت ماه حبس به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی کشور» و «تبلیغ علیه نظام» و دو سال ممنوعیت خروج از کشور و حضور در تهران (محل سکونتش) محکوم کرد.^{۲۷۳}

در مرحله تجدیدنظر، حکمش به چهار سال و سه ماه کاهش یافت^{۲۷۴} اما علاوه بر آن، به دو سال ممنوعیت خروج از کشور، عضویت در گروه‌های سیاسی، فعالیت در فضای مجازی، و همچنین تبعید به مدت دو سال محکوم شد. شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز این حکم را تأیید کرد.^{۲۷۵} صادقی به دلیل ابتلا به سرطان، به درمان مستمر نیاز دارد و با توجه به شرایط جسمی‌اش شرایط زندان برایش تحمل‌ناپذیر است. او در حال حاضر با قید وثیقه آزاد است.

به روز رسانی

نیروهای امنیتی قرارگاه ثارالله ۳۱ خرداد ۱۴۰۴ او را در خیابان بازداشت کردند و ربودند و با وجود شرایط وخیم جسمی، پس از دو ساعت بازجویی در ماشین و ضرب‌وشتم شدید، در خیابان ره‌ایش کردند.^{۲۷۶}

خشایار سفیدی

سن: ۳۳

حوزه فعالیت: فعال دانشجویی

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: نقض حقوق شهروندی، محرومیت از حق تحصیل، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از رسیدگی درمانی



پیشینه

خشایار سفیدی دانشجوی کارشناسی ارشد موسیقی دانشگاه هنر تهران، به همراه گروهی از دانشجویان در حیاط دانشگاه در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ تجمعات اعتراضی برگزار می‌کردند. او همچنین در حساب اینستاگرامش ویدیوهایی منتشر کرد که در آنها با نواختن قطعات موسیقی به یاد درگذشت آرمینا گراوند (دانش‌آموز مخالف حجاب اجباری که به صورت مشکوکی در مترو تهران جان خود را از دست داد) و کیان پیرفلک (کودک کشته‌شده در اعتراضات)، به سرکوب شهروندان اعتراض می‌کرد.^{۲۷۷} نیروهای حراست دانشگاه در واکنش به این اعتراض، بارها با تماس‌های تلفنی او را احضار و تهدید کردند.

سفیدی در آبان ۱۴۰۱ به جلسه معاونت دانشجویی احضار و به برهم زدن نظم دانشگاه و خوابگاه متهم شد.^{۲۷۸} چندی بعد، با وجود دعوت دانشگاه و اعلام آمادگی او برای شرکت در جلسه کمیته انضباطی، حراست مانع حضور و ارائه دفاعیاتش شد.^{۲۷۹} مقامات دانشگاه در همان ماه پرونده او را مختومه اعلام کردند، با این حال به اداره حراست احضار شد. مأموران حراست او را بازجویی، تهدید و در مواردی تشویق به همکاری کردند، ولی در پایان اطمینان دادند که مانعی برای ادامه تحصیلش وجود ندارد. با این حال، آذرماه ۱۴۰۱ زمانی که سفیدی مشغول نوشتن پایان‌نامه‌اش بود، طبق حکم بدوی کمیته مرکزی وزارت علوم، برای مدت یک ترم از دانشگاه تعلیق شد. درخواست تجدیدنظر بی‌نتیجه بود و حکم بدوی عیناً تایید شد. در فاصله بین ابلاغ حکم بدوی و تجدیدنظر که دو ترم تحصیلی طول کشید، عملاً امکان دسترسی به سامانه آموزشی را نداشت و قادر به انتخاب واحد نبود، در نتیجه، به مدت دو ترم از تحصیل محروم شد. از سوی دیگر، به دلیل آن که دانشگاه وضعیت نیمسال اول در کارنامه تحصیلی را به نادرستی «مشغول به تحصیل» و «وضعیت عادی» ثبت کرده بود، با سنوات او موافقت نشد و او ۲۸ آذرماه ۱۴۰۲ از دانشگاه اخراج شد.^{۲۸۰}

سفیدی در ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳ اعلام کرد در اعتراض به صدور حکم اعدام برای توماج صالحی به مدت سه شبانه‌روز در خانه موسیقی ایران تحصن و اعتصاب غذا می‌کند.^{۲۸۱} پنج روز بعد، او پس از احضار و مراجعه به دادرسی اوین، بازداشت و با تودیع وثیقه آزاد شد. خشایار سفیدی ۱۲ تیرماه در دادگاه انقلاب تهران به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم شد. با رد درخواست اعاده دادرسی در دادگاه تجدیدنظر، سفیدی ۲۶ آبان ۱۴۰۳ برای اجرای یک سال حبس به زندان اوین رفت.

به روز رسانی

در دوره حبس، سفیدی در اعتراض به انتقال دو زندانی سیاسی محکوم به اعدام (مهدی حسینی و بهروز احسانی) به بند امن زندان قزل‌حصار، از ۷ بهمن سال ۱۴۰۳، به مدت پنج روز اعتصاب غذای تر کرد.^{۲۸۲} پس از حمله اسرائیل به زندان اوین در دوم تیرماه ۱۴۰۴، به همراه زندانی‌های دیگر با دستبند و پابند با زور اسلحه مأموران و زیر شلیک پدافندها به زندان تهران بزرگ (فشافویه) منتقل شد و با وجود زخم پا و آسیب‌های روانی ناشی از بمباران، از خدمات پزشکی و درمان محروم ماند. خشایار سفیدی که از مردادماه به زندان اوین بازگردانده شده بود، ۸ مهر ۱۴۰۴ با پایان دوره محکومیت، آزاد شد.



سایه صیدال

سن: ۴۷

حوزه فعالیت: فعال مدنی

وضعیت: زندانی در زندان قرچک ورامین

وضعیت حقوقی: ۳ سال

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، حبس انفرادی طولانی مدت، محرومیت از رسیدگی درمانی، محرومیت از شغل، آزار و شکنجه، آزار و اذیت خانواده

پیشینه

مهوش (سایه) صیدال تدوئی، فعال مدنی و دارای دکترای حقوق بین‌الملل، با فعالیت در کلاب‌هاوس و رسانه‌های اجتماعی، ضمن انتقاد صریح از سیاست‌های مسئولان جمهوری اسلامی، با حجاب اجباری و صدور احکام اعدام مخالفت کرده است. او همچنین از حامیان خانواده‌های دادخواه و کشته‌شدگان اعتراضات است.

این فعال مدنی به دلیل فعالیت‌ها و حمایت‌هایش از اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» از محل کارش در شهرداری تهران اخراج و ۳۱ خرداد ۱۴۰۲ بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد.^{۲۸۳} او اول مردادماه با قرار وثیقه آزاد شد.

در مهرماه همان سال، شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری، صیدال را به اتهام «نشر اکاذیب» به یک سال حبس، پرداخت جزای نقدی و پنج سال ممنوعیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی و خروج از کشور محکوم کرد. با این‌که این حکم به مدت پنج سال تعلیق شده بود، صیدال در ۱۵ مهر ۱۴۰۳ پس از حضور در دادسرای اوین، بدون تفهیم اتهام، بازداشت و به بند زنان زندان اوین، منتقل شد و محکومیت تعلیقی او به تعزیری تغییر کرد. دادگاه ۲۶ انقلاب تهران، دو ماه بعد، صیدال را به اتهام «نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام» و حضور بدون حجاب اجباری، به دو سال زندان و جزای نقدی محکوم کرد. انتشار پست‌هایی در شبکه‌های اجتماعی با موضوعات حملات شیمیایی به مدارس دخترانه، حمایت از خانواده‌های دادخواه و شرکت در «کمپین‌های نه به اعدام» از دلایل این اتهامات عنوان شدند.

به روزرسانی

این فعال مدنی، در ۱۵ بهمن ۱۴۰۳، پس از بازگشت از مرخصی درمانی، از پوشیدن چادر امتناع کرد و مأمور حفاظت در شعبه یک اجرای احکام دادسرای اوین او را مورد ضرب‌وشتم و توهین قرار داد. صیدال یک ماه بعد در پرونده‌ای جدید در دادسرای اوین به اتهام «تخریب اموال و اخلال در نظم عمومی» تفهیم اتهام شد.

این فعال مدنی در اعتراض به محرومیت زندانیان از رسیدگی درمانی، از ۴ خرداد ۱۴۰۴ اعتصاب غذا و دارو کرد و پس از ۱۶ روز با موافقت مدیر زندان اوین برای رسیدگی به این مطالبات به اعتصاب خود پایان داد.^{۲۸۴}

او پس از حمله اسرائیل به زندان اوین، به زندان قرچک ورامین منتقل شد و در تاریخ ۲ دی ۱۴۰۴، در نامه‌ای^{۲۸۵} از این زندان، به سیاست‌های «جنگ‌طلبانه» جمهوری اسلامی و عدم اجرای تعهدات مسئولان به قانون و بی توجهی به وضعیت زندان‌ها اعتراض کرد و نیز خواستار آزادی زندانیان سیاسی در شرایط جنگی شد. چندی بعد در یک پیام صوتی از داخل زندان، با اشاره به شرایط فاجعه‌بار زندان قرچک گفت که جمهوری اسلامی عامدانه زندانیان سیاسی را به این زندان منتقل کرده است تا آنها را به کشتن بدهد.^{۲۸۶} فاطمه صیدال، خواهر سایه، نیز در پی انتشار فایل صوتی در حمایت از خواهرش، از شرکت حفاری شمال اخراج شد.

سایه صیدال ۲۷ مرداد ۱۴۰۴ از زندان قرچک به مرخصی درمانی اعزام شد، درحالی‌که در تصویر منتشرشده از لحظه آزادی، بر دست او عبارت «شکنجه‌گاه قرچک» نوشته شده بود.^{۲۸۷} پس از این مرخصی کوتاه ۷ روزه، او اوایل شهریور ۱۴۰۴ به زندان بازگشت و در حال حاضر در زندان قرچک ورامین محبوس است.

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان



حسین میربهاری



افشین حیرتیان

پیشینه

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، سازمانی مردم‌نهاد و غیردولتی در تهران است که از سال ۱۳۷۹ در زمینه لغو کار کودکان و حمایت از حقوق آن‌ها تحقیق و فعالیت کرده است. این سازمان که از سال ۱۳۸۲ مجوز فعالیت دریافت کرده است، خود را سازمانی مستقل و بدون وابستگی به مؤسسات دولتی و غیردولتی معرفی می‌کند؛ جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان از گروهی از فعالان مدنی تشکیل شده و اهداف اصلی خود را تأمین حقوق و نیازهای اصلی کودکان کار، حمایت از آن‌ها در مقابله با سوءاستفاده و بازداشت خودسرانه و همچنین مشارکت کودکان کار در امور خودشان، عنوان کرده است.^{۲۸۸} اعضای این سازمان سال‌ها زیر فشار نهادهای امنیتی، به فعالیت خود ادامه داده‌اند. ساختمان آن چندین بار پلمب، و بعضی از اعضای آن بازداشت شده‌اند؛^{۲۸۹} از جمله، افسانه عظیم زاده، فعال حقوق کودکان، زنان و کارگران، از اعضای این جمعیت بود که در دی ماه ۱۳۹۹ بازداشت شد.

به روزرسانی

با افزایش فشارهای حکومتی پس از آغاز جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، حسین میربهاری یکی از بنیان‌گذاران جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۴۰۴، بازداشت شد.^{۲۹۰} نیروهای امنیتی پردیس، با یورش به منزل او و تفتیش وسایل شخصی‌اش، بی‌آن‌که به خانواده‌اش اطلاع دهند، او را بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کردند. میربهاری پس از ۳۰ روز بازجویی و حبس در سلول انفرادی آزاد شد.^{۲۹۱} چند ماه بعد، مأموران امنیتی در ۲۳ مهر ۱۴۰۴ میربهاری را در منزل خواهرش، نادیا بازداشت کردند. مأموران امنیتی همچنین، تلفن همراه نادیا میربهاری را ضبط و به او اعلام کردند که باید ۲۶ مهر خود را به دادسرای مقدسی معرفی کند.^{۲۹۲} پس از بازداشت حسین میربهاری، نیروهای امنیتی، به ساختمان جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان هجوم بردند و در حضور کودکان وحشت‌زده، وسایل مددجویان، مددکاران و فعالین حاضر در این مرکز را ضبط و این مرکز را پلمپ کردند.^{۲۹۳} افشین حیرتیان، از دیگر اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، ۲۰ آبان ۱۴۰۴، با یورش خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی، در منزل مادرش بازداشت شد.^{۲۹۴} حسین میربهاری ۶ آذرماه با تودیع وثیقه سنگین ۵ میلیارد تومانی به‌صورت موقت از زندان اوین آزاد شد.^{۲۹۵} او ۳۳ روز از دوران حبس خود را در سلول انفرادی گذراند.

فعالان صنفی معلمان

با وجود وضعیت دشوار معیشتی معلمان در یک سال اخیر، فشارهای امنیتی و قضایی علیه‌شان به شکلی کم‌سابقه افزایش یافته و حکومت نه تنها پاسخی به مطالبات صنفی معلمان نداده، بلکه برخوردی کاملاً امنیتی با آنان داشته است.

ده‌ها فعال صنفی، از جمله اعضای شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در شهرهای مختلف، به دلیل شرکت در تجمعات اعتراضی مسالمت‌آمیز یا انتشار مطالب انتقادی در رسانه‌های اجتماعی، احضار و بازداشت شدند و با اتهاماتی مانند «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» روبه‌رو شده‌اند، اتهام‌هایی که به صدور احکام سنگین حبس، تبعید و اخراج از کار منجر شده است. در برخی موارد، معلمان حتی در فضای آموزشی و در حضور دانش‌آموزان و همکاران مورد ضرب و شتم و بازداشت قرار گرفته‌اند و دست‌کم در یک مورد گزارش شده که نیروهای امنیتی برای بازداشت یک معلم در مدرسه از اسلحه استفاده کردند.

انفصال از خدمت، تهدید و فشار برای حذف محتوا و توقف فعالیت در رسانه‌های اجتماعی از دیگر روش‌های اعمال‌شده علیه معلمان بوده است. همچنین نهادهای امنیتی کوشیده‌اند با بازداشت اعضای فعال تشکلهای صنفی نقش و اثرگذاری این تشکلهای را کاهش دهند و فعالیت آن‌ها را مختل کنند. علاوه بر این، در طول سال گذشته، چند نفر از اعضای فعال تشکلهای صنفی فرهنگیان به دلیل فشارهای حکومتی ناچار به ترک ایران شدند.

گزارش مدافعان حقوق بشر ایران - ۲۰۲۵ در این بخش معلمان را فهرست می‌کند که طی سال گذشته میلادی تحت فشار و تعقیب قضایی بوده‌اند.



کوکب بداعی پگاه

سن: ۴۱

حوزه فعالیت: فعال صنفی معلمان

وضعیت: بازداشت در مکان نامعلوم

وضعیت حقوقی: نامعلوم

حقوق نقض شده: فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، احضار و تهدید، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، محرومیت از حقوق و مزایا، آزار و اذیت، ضبط غیرقانونی اموال، محرومیت از خدمات، ناپدیدسازی قهری

پیشینه

اعتراضی معلمان شرکت و در سخنرانی‌هایش از سیاست‌های حکومت در سرکوب معلمان انتقاد کرده است. او همچنین بارها از دولت خواسته است تا برای آموزش رایگان و حق برخورداری از آموزش برای همه کودکان اقدام کند.

این فعال صنفی فرهنگیان همچنین در نامه‌ای به وزیر آموزش و پرورش، از حضور روحانیون و طلاب حوزه علمیه در مدارس، به شدت انتقاد کرده است. او به دلیل فعالیت‌های صنفی بارها احضار، تهدید به اخراج و از حقوق و مزایای معلمی محروم شده است. در آذرماه ۱۴۰۱ اداره آموزش و پرورش شهرستان ایذه در اقدامی غیرقانونی، با وجود حائز شرایط بودن بداعی پگاه برای بهره‌مندی از مزایای طرح رتبه‌بندی، این بند را از حکم جدید حقوقی او حذف کرد.^{۲۹۶} هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری خوزستان نیز در بهمن ۱۴۰۱، این فعال صنفی را به سه ماه انفصال از خدمت محکوم کرد.^{۲۹۷} در تیرماه ۱۴۰۲ این مجازات در مرحله تجدیدنظر به یک ماه کاهش یافت.

کوکب بداعی و تعدادی دیگر از معلمان فعال صنفی خوزستان ۲۷ خرداد ۱۴۰۲ در شعبه ۳ دادگاه انقلاب اهواز به اتهام‌های «فعالیت تبلیغی علیه نظام، اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی و عضویت در گروه‌هایی که هدف آن‌ها برهم‌زدن امنیت کشور است» محاکمه شدند.^{۲۹۸} در این دادگاه برای او و دیگر اعضای کانون صنفی معلمان خوزستان حکم تبرئه صادر شد اما با اعمال فشار نهادهای امنیتی، این حکم مورد اعتراض نماینده دادستان قرار گرفت و پرونده مرداد ماه ۱۴۰۲ به دادگاه تجدیدنظر ارسال شد.^{۲۹۹} هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری آموزش و پرورش استان خوزستان در ۲۹ خرداد ۱۴۰۳ این معلم خوزستانی را با اتهام‌هایی نظیر «عضویت در گروه واتس‌اپی صنفی و همکاری و ارتباط با کانال شورای غیرقانونی هماهنگی» به چهار ماه انفصال از خدمت محکوم کرد.^{۳۰۰}

دادگاه کوکب بداعی پگاه مهرماه ۱۴۰۳ در حالی تشکیل شد که وکیل انتخابی او اجازه حضور در دادگاه را نداشت.^{۳۰۱} پس از اتمام دادگاه او با قرار وثیقه‌ای به مبلغ یک میلیارد تومان به صورت موقت آزاد شد.

به روز رسانی

این فعال صنفی پس از آن، چندین بار برای دفاع از خود در دادگاه احضار شد و در نهایت، شعبه سوم دادگاه انقلاب اهواز، کوکب بداعی پگاه را در ۱۸ دی ۱۴۰۳ به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» به پنج سال و به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال حبس محکوم کرد.^{۳۰۲} این حکم در دادگاه تجدیدنظر لغو و او تبرئه شد.

در جریان بازداشت‌های گسترده پس از سرکوب خونین و کشتار معترضان دی‌ماه ۱۴۰۴، نیروهای امنیتی ۶ بهمن‌ماه به منزل کوکب بداعی پگاه در ایذه یورش بردند، تلفن همراه او را ضبط کردند و ابلاغیه احضاریه او به اداره اطلاعات را به او تحویل دادند و او را بازداشت کردند. از وضعیت او هیچ اطلاعی در دست نیست و همسرش با مراجعه رسمی به مراجع قضایی، شکایت اعلام مفقودی ثبت کرده است.

مسعود فرهیخته

سن: ۵۹

حوزه فعالیت: فعال صنفی معلمان

وضعیت: زندانی در زندان مرکزی کرج (ندامتگاه)

وضعیت حقوقی: ۳ سال و ۶ ماه و یک روز حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، محرومیت از رسیدگی درمانی، حبس طولانی مدت در انفرادی



پیشینه

مسعود فرهیخته، دبیر آموزش و پرورش، عضو کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر و عضو شورای هماهنگی و کمیته مذاکره برای آزادی معلمان است که سال‌ها برای آموزش رایگان و با کیفیت برای دانش‌آموزان، بهبود وضعیت معیشت معلمان و آزادی معلمان زندانی فعالیت کرده و از سال ۱۳۹۶ چندین بار احضار و بازداشت شده است.^{۳۰۲}

فرهیخته در سال ۱۴۰۱ برای مذاکره با مدیرکل آموزش و پرورش کردستان و حمایت از معلمان زندانی به سنندج رفت و پیش از تجمع روز معلم در ۱۱ اردیبهشت بازداشت شد. او ۲۱ اردیبهشت با قرار کفالت از زندان آزاد شد، ولی فردای آن روز با هجوم نیروهای امنیتی به منزلش، بار دیگر بازداشت^{۳۰۴} و ۱۸ خرداد همان سال با وثیقه به صورت موقت از زندان آزاد شد.

این عضو کانون صنفی فرهنگیان، شهریور همان سال در دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی ولی عصر تهران به دلیل حضور در تجمعات غیرقانونی به یک سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق، محکوم و در ۱۲ آذرماه مقابل اداره آموزش و پرورش استان البرز بازداشت شد.^{۳۰۵} فرهیخته که این بار به بند امنیتی ۲۰۹ اوین منتقل شده بود، ۱۷ دی‌ماه به تیپ ۶ زندان تهران بزرگ انتقال یافت و ۱۲ بهمن به صورت موقت آزاد شد.^{۳۰۶}

در ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ بار دیگر با هجوم نیروهای امنیتی به منزلش در کرج بازداشت شد و پس از ۲۳ روز حبس در سلول انفرادی زندان اوین و دو روز در زندان قزلحصار کرج آزاد شد.^{۳۰۷}

در فروردین ۱۴۰۳ دادگاه انقلاب سنندج فرهیخته را به دلیل شرکت در تجمعات اعتراضی، سخنرانی و حمایت از معلمان زندانی، به «تبلیغ علیه نظام» متهم و به ۳ سال حبس محکوم کرد که با توجه به نداشتن سابقه کیفری، این حبس به جزای نقدی تبدیل شد.^{۳۰۸} پس از اعتراض قانونی و کلا به حکم، دادگاه تجدیدنظر استان کردستان اواخر مرداد ۱۴۰۳ پرونده را دوباره بررسی کرد و او را به طور کامل و قطعی از تمامی این اتهام‌ها تبرئه کرد.^{۳۰۹}

به روز رسانی

در ۲۷ آذر ۱۴۰۳ شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج، این فعال صنفی معلمان را به اتهام «اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام» به شش سال زندان، دو سال ممنوعیت از حضور در گروه‌ها، ممنوعیت خروج از کشور و عدم حضور در استان‌های تهران، البرز، قزوین، لرستان و کردستان محکوم کرد.^{۳۱۰} این حکم در دادگاه تجدیدنظر به سه سال و شش ماه و یک روز حبس کاهش یافت.^{۳۱۱}

او ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ در روز برگزاری مجمع شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان در شهرضا، به همراه فعالان صنفی دیگر بازداشت و پس از دو روز از اصفهان به زندان مرکزی کرج منتقل شد.^{۳۱۲}

مسعود فرهیخته به دلیل انتشار بیانیه از داخل زندان، در مهرماه ۱۴۰۴ به مدت ۱۲ روز در سلول انفرادی، حبس و برای مدتی از تماس با خانواده محروم شد.^{۳۱۳} او در آذرماه ۱۴۰۴، اعلام کرد از زمان حضور در زندان به کارزار «سه‌شنبه‌های اعتراضی نه به اعدام» پیوسته و در اعتراض به صدور و اجرای احکام اعدام، هر سه‌شنبه، اعتصاب غذا کرد؛^{۳۱۴} پس از اعلام این خبر، بار دیگر به سلول انفرادی منتقل شد.

در ۲۶ اسفند ۱۴۰۴ برای اعتراض به سازمان زندان‌ها به دلیل رسیدگی نکردن به وضعیت زندانیان و شرایط حبس، دست به اعتصاب غذا زد و همچنان با وجود ابتلا به بیماری تیروئید، در زندان از دسترسی به خدمات درمانی مناسب محروم است.

محمد حبیبی



سن: ۴۶

حوزه فعالیت: فعال صنفی معلمان

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از رسیدگی درمانی، اخراج از کار و محرومیت از شغل، ممنوعیت ملاقات با خانواده، شکنجه و آزار

پیشینه

محمد حبیبی، معلم، سخنگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران و سخنگوی پیشین کانون صنفی معلمان تهران است که فعالیت‌های گسترده‌ای برای پیگیری مطالبات فرهنگیان داشته است. او بارها حملات شیمیایی به مدارس دخترانه را محکوم کرده و خواستار معرفی عاملان و آمران این حملات شده است.

در اسفندماه ۱۳۹۶، مأموران امنیتی، به مدرسه محل تدریس این فعال صنفی یورش بردند و او را در حضور دانش‌آموزان و دیگر معلمان با استفاده از اسپری فلفل بازداشت کردند.^{۳۱۵} او ۴۴ روز بعد با وثیقه آزاد شد، اما در تجمع مسالمت‌آمیز معلمان در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ بار دیگر مورد ضرب و جرح مأموران قرار گرفت و بازداشت شد.^{۳۱۶} حبیبی با بدنی کبود و دنده آسیب‌دیده بدون هیچ مراقبت درمانی به مدت یک هفته در انفرادی حبس بود و بعد از آن به زندان تهران بزرگ (فشافویه) منتقل شد. به مدت سه ماه از هرگونه رسیدگی پزشکی محروم بود، طوری که شکستگی دنده‌اش بدون مراقبت تخصصی و با مرور زمان ترمیم شد.

این سخنگوی پیشین کانون صنفی معلمان تهران در مرداد همان سال به اتهام «اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه امنیت ملی» به مدت ۱۰ سال و شش ماه حبس، ۷۴ ضربه شلاق و دو سال ممنوعیت فعالیت در احزاب سیاسی و اجتماعی و ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد.^{۳۱۷} این حکم اواخر آذر ۱۳۹۷ در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تهران تأیید شد.^{۳۱۸}

او در دوران حبس چند بار بین زندان‌های اوین و فشافویه جابه‌جا و با وجود بیماری زمینهای، بارها از رسیدگی درمانی محروم شد. مقام‌های زندان چندین بار برای مجازاتش، مانع ملاقات او و خانواده‌اش شدند. همچنین حبیبی با حکم وزارت آموزش و پرورش از کارش اخراج شد. این معلم پس از تحمل دو سال و نیم حبس در ۲۰ آبان ۱۳۹۹ مشمول بخش‌نامه آزادی زودهنگام و از زندان تهران بزرگ آزاد شد.^{۳۱۹} با ادامه فعالیت‌های صنفی، محمد حبیبی بار دیگر ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ بازداشت و بیش از ۵۰ روز در سلول انفرادی نگه داشته شد. شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران اول آبان ۱۴۰۱ او را به سه سال و هفت ماه حبس بابت اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» و یک سال حبس به اتهام «تبلیغ علیه نظام» محکوم کرد.

این فعال صنفی در ۱۹ بهمن ۱۴۰۱ با قرار گرفتن در فهرست عفو عمومی از زندان آزاد شد.^{۳۲۰} اما حدود دو ماه بعد، در ۱۶ فروردین ۱۴۰۲، نیروهای امنیتی با یورش به محل تدریسش، او را به‌طور خشونت‌آمیزی بازداشت و به زندان اوین منتقل کردند.^{۳۲۱} او پس از تحمل ۴۷ روز حبس در سلول انفرادی، اول خرداد با تودیع وثیقه آزاد شد.^{۳۲۲}

در مهر ۱۴۰۲ هیئت تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش، حکم اخراج حبیبی را صادر کرد و این حکم در دیوان عدالت اداری نیز تأیید شد.^{۳۲۳} شرکت و راه‌اندازی تجمعات صنفی و عضویت در کانون صنفی معلمان از اتهامات او بود.

به روز رسانی

در مردادماه ۱۴۰۳ دادگاه انقلاب شهریار این فعال صنفی را به دلیل اعتراض به مسمومیت‌های زنجیره‌ای دانش‌آموزان، به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به شش ماه و یک روز حبس محکوم کرد.^{۳۲۴} پس از تأیید حکم در دادگاه تجدیدنظر، او در ۲۰ آبان ۱۴۰۳ بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. محمد حبیبی در اسفند ۱۴۰۳ با پایان دوره محکومیت، از زندان اوین آزاد شد.^{۳۲۵}

علی کروشاتی

سن: ۵۲

حوزه فعالیت: فعال صنفی معلمان

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، احضار و

تهدید، محرومیت از حقوق و مزایای شغلی



پیشینه

علی کروشاتی، معلم، نایب رئیس کانون صنفی فرهنگیان خوزستان و عضو شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان است که سال‌ها پی‌گیر حقوق و مطالبات معلمان بوده است.

این معلم خوزستانی به دلیل فعالیت‌های صنفی بارها احضار و تهدید به اخراج و از ارتقا و برخورداری از جایگاه مناسب شغلی محروم شده است. شعبه‌های دادگاه انقلاب اهواز بارها او را به دلیل فعالیت صنفی احضار کرده‌اند.

در ۲۱ آبان ۱۳۹۷، این فعال صنفی به همراه پیروز نامی، دبیر کانون صنفی فرهنگیان خوزستان، با حمله مأموران سپاه پاسداران در اهواز بازداشت شد. مأموران سپاه پاسداران با استفاده از موبایل پیروز نامی که از ادمن‌های کانال کانون معلمان خوزستان بود، همان شب، خبر لغو تحصن و اعتصاب معلمان را در کانال کانون منتشر کردند.^{۳۲۶} علی کروشاتی ۲۱ آذرماه با وثیقه آزاد شد.

او در ۲۲ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱، در حالی که برای پی‌گیری وضعیت یکی از همکاران بازداشت‌شده‌اش به پلیس امنیت اهواز مراجعه کرده بود، بار دیگر بازداشت و پس از یک روز بازجویی آزاد شد.

نهادهای حراستی آموزش و پرورش این معلم و فعال صنفی را طی دوران تدریسش به اشکال مختلف تحت فشار قرار داده‌اند؛ از جمله این‌که در آذرماه ۱۴۰۱ در اقدامی غیرقانونی، بند طرح رتبه‌بندی را از حکم جدید حقوقی او حذف کردند.^{۳۲۷} او در سال ۱۴۰۲ به مدت ۲ ماه از خدمت منفصل شد.

با افزایش فشارهای حکومت بر فعالان مدنی، دادگاه انقلاب اهواز در ۲۷ خرداد ۱۴۰۲ او را به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام، اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی و برهم زدن امنیت ملی» احضار کرد.^{۳۲۸}

هرچند شعبه ۳ دادگاه انقلاب اهواز برای او و دیگر اعضای کانون صنفی معلمان خوزستان حکم تبرئه صادر کرد، اما این حکم با اعمال فشار نهادهای امنیتی، مورد اعتراض نماینده دادستان قرار گرفت و پرونده در مردادماه ۱۴۰۲، به دادگاه تجدیدنظر ارسال شد.^{۳۲۹}

به روزرسانی

در ۱۸ دی ۱۴۰۳، شعبه سوم دادگاه انقلاب اهواز به ریاست یک قاضی جدید، علی کروشاتی را به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» به پنج سال و به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال حبس محکوم کرد.^{۳۳۰} این حکم آذرماه ۱۴۰۴ در دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان لغو و او از تمامی اتهامات تبرئه شد.

حسین رمضان پور



سن: ۴۴

حوزه فعالیت: فعال صنفی معلمان

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: پرونده باز دارد

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند

قانونی، حبس طولانی مدت، شکنجه و آزار در هنگام بازداشت

پیشینه

حسین رمضان پور، معلم، عضو هیئت مدیره انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی و عضو مجمع فرهنگیان است که سال‌ها به دلیل فعالیت‌های صنفی با برخوردهای امنیتی و قضایی مواجه شده است.

نخستین برخوردهای قضایی با او به سال ۱۳۹۶ بازمی‌گردد که نهادهای امنیتی و پلیس فتا به دلیل انتقاد در فضای مجازی، چندین بار او را احضار کردند. رمضان پور در سال ۱۳۹۷ پس از شرکت در تجمعات معلمان دستگیر شد و به مدت سه هفته در سلول انفرادی مورد بازجویی قرار گرفت. در سال ۱۳۹۸ در دو پرونده به هشت سال حبس و همچنین دوبار اجرای حکم ۷۴ ضربه شلاق (در مجموع ۱۴۸ ضربه) محکوم شد.^{۳۳۱} یکی از احکام ۷۴ ضربه شلاقش بلافاصله اجرایی شد، اما حبسش که بعدتر به دو سال کاهش پیدا کرده بود، بلافاصله اجرا نشد.

حسین رمضان پور به دلیل حمایت از اعتراضات مردمی در رسانه‌های اجتماعی و فعالیت‌های صنفی، در سال ۱۴۰۰ در شعبه یک اجرای احکام دادسرای بجنورد، به اتهام «نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم شد. بهمن همان سال به زندان مرکزی بجنورد، منتقل^{۳۳۲} و حدود شش ماه بعد، به صورت مشروط آزاد شد. همان سال، هیئت رسیدگی به تخلفات اداری آموزش و پرورش، با تشکیل پرونده، برای او حکم تبعید یک‌ساله به شهرستان مانه و سملقان در استان خراسان شمالی را صادر کرد.

هم‌زمان با اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱ و افزایش فشارهای امنیتی بر فعالان مدنی و صنفی، پرونده پیشین او (دو سال حبس) بار دیگر به جریان افتاد و اسفند همان سال، مأموران اطلاعات سپاه پاسداران در میانه مراسمی در مدرسه، این معلم را در حضور دانش‌آموزان و معلمان با رفتاری خشونت‌آمیز و با تهدید سلاح بازداشت^{۳۳۳} و برای اجرای حکم دو سال حبس پیشین، به زندان مرکزی بجنورد منتقل کردند.

پس از گذراندن نیمی از دوران محکومیت، حکم حبس این فعال صنفی در مهر ۱۴۰۲، به رأی باز تبدیل و پس از تعلیق چهار ماه پایانی حبس، حسین رمضان پور در اواخر مهرماه ۱۴۰۳ آزاد شد.

به روز رسانی

حسین رمضان پور فروردین‌ماه ۱۴۰۴ بار دیگر در شعبه ۱۰۵ دادگاه کیفری دو بجنورد به اتهام «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» به دو سال حبس محکوم شد. این حکم با استناد به فعالیت‌های مدنی او در فضای مجازی در سال ۱۴۰۱ صادر شد، در حالی که این پرونده پیش‌تر به دنبال صدور عفو عمومی، مختومه اعلام شده بود. در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، حسین رمضان پور ۱۹ دی‌ماه در شهر بجنورد بازداشت و به مدت ۲۱ روز در سلول انفرادی بازداشتگاه اداره اطلاعات بجنورد نگهداری شد. در این مدت، خانواده‌اش از وضعیت او بی‌اطلاع بودند. او در اواخر اسفند ۱۴۰۴ با تودیع وثیقه یک میلیارد تومانی به صورت موقت از زندان مرکزی بجنورد آزاد شد، اما پرونده قضایی‌اش همچنان مفتوح است.

محمد رضا رمضانزاده

سن: ۵۲

حوزه فعالیت: فعال صنفی معلمان

وضعیت: آزادی مشروط

وضعیت حقوقی: ماه حبس، ۱۲ میلیون جریمه نقدی

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و

روند قانونی، حبس طولانی مدت در انفرادی، بازنشستگی اجباری



پیشینه

محمد رضا رمضانزاده، معلم بازنشسته، رئیس سابق شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران و مسئول صنفی انجمن فرهنگیان خراسان شمالی است که نهادهای امنیتی از سال ۱۳۹۷ بارها او را احضار، بازجویی، تهدید و بازداشت کرده‌اند. او در پاییز ۱۳۹۷ یک بار ۹ روز و بار دوم ۳۵ روز به دلیل فعالیت‌های صنفی بازداشت و بازجویی شد و در کل این مدت ۳۸ روز را در انفرادی بود.

هیئت بدوی تخلفات اداری آموزش و پرورش در بهمن ۱۳۹۸، این فعال صنفی را به دلیل شرکت در تجمعات و اعتراضات صنفی، به بازنشستگی پیش از موعد با تقلیل یک گروه (کاهش حقوق و مزایای بازنشستگی فرد به طبقه شغلی پایین‌تر) محکوم کرد.^{۳۳۴} به علاوه، در دادگاه انقلاب بجنورد، به ۱۵ سال زندان، ۷۴ ضربه شلاق، نزدیک به سه میلیون تومان جریمه نقدی و دو سال محرومیت از فعالیت‌های حزبی محکوم شد.^{۳۳۵} این حکم در مرحله تجدیدنظر، به شش سال کاهش یافت. رمضانزاده ۳۰ دی‌ماه ۱۳۹۹ خود را به زندان مرکزی بجنورد معرفی کرد^{۳۳۶} و بعد از حدود ۱۷ ماه حبس، با پایند الکترونیکی آزاد شد. سه ماه بعد، پایند او باز و او به صورت مشروط آزاد شد.

پس از حملات شیمیایی به مدارس دخترانه^{۳۳۷} در سال ۱۴۰۱ که اعتراض‌های گسترده معلمان را در پی داشت، رمضانزاده به دلیل شرکت در این تجمعات در اسفند همان سال به دادرسی احضار و پرونده جدیدی برای او تشکیل شد. او خرداد ۱۴۰۲ در دادگاه بجنورد به اتهام نشر اکاذیب به ۱۴ ماه حبس، ۱۲ میلیون جریمه نقدی و دو سال تبعید به شهر طبس محکوم شد. در دادگاه تجدیدنظر، حکم حبس تأیید و تبعید حذف شد.

به روزرسانی

محمد رضا رمضانزاده سال گذشته برای اجرای حکم، احضار شد و نهادهای امنیتی و قضایی او را برای معرفی به زندان و اجرای حکم تحت فشار قرار دادند. او در حال حاضر همچنان آزاد است.

افشین رزمجویی

سن: ۴۴

حوزه فعالیت: فعال صنفی معلمان

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و

روند قانونی



پیشینه

افشین رزمجویی، دبیر بازنشسته فیزیک، ساکن شیراز و عضو انجمن صنفی معلمان فارس، ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱ در جریان حمله نیروهای امنیتی به تجمع صنفی معلمان استان فارس بازداشت^{۳۳۸} و بعد از مدتی به صورت موقت آزاد شد. دادگاه انقلاب شیراز در تیرماه ۱۴۰۲ او را به ۵ سال حبس، ۲ سال منع فعالیت در فضای مجازی، ۲ سال منع خروج از کشور و ابطال گذرنامه محکوم کرد. این رأی بهمن ماه همان سال در دیوان عالی کشور، نقض و پس از اعاده دادرسی، حکم حبس به دو سال کاهش یافت، اما دیگر مجازات‌های تکمیلی کماکان برجا ماندند.

رزمجویی ۲۹ آبان ۱۴۰۲ برای اجرای محکومیت حبس، بازداشت شد، اما حکم حبس تعزیری او در تاریخ ۲۳ بهمن ماه ۱۴۰۲ به حبس تحت نظارت قضایی تبدیل، و این فعال صنفی فرهنگیان از زندان مرکزی شیراز (عادل‌آباد) آزاد شد و دوران حبس دوساله خود را با پابند الکترونیکی، در خارج از زندان، سپری کرد.

به روزرسانی

افشین رزمجویی ۲۸ مهر ماه ۱۴۰۴ با پایان دوره محکومیت و خروج از نظارت پابند الکترونیکی، آزاد شد.^{۳۳۹}

سیامک صادقی چهارازی

سن: ۴۹

حوزه فعالیت: فعال صنفی معلمان

وضعیت: زندانی در زندان مرکزی اهواز (شیبان)

وضعیت حقوقی: بازداشت و در انتظار برگزاری دادگاه

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و

روند قانونی، حبس طولانیمدت در انفرادی، بازنشستگی اجباری



پیشینه

سیامک صادقی چهارازی، معلم بازنشسته و فعال صنفی معلمان خوزستان است که به دلیل فعالیت‌های صنفی، پی‌گیری مطالبات فرهنگی، شرکت در تجمعات اعتراضی معلمان و اعتراض به حملات شیمیایی به مدارس دخترانه، بارها بازداشت و احضار شده است.

همزمان با تجمعات گسترده معلمان و اعتراض به کاهش بودجه رتبه‌بندی، در اردیبهشت سال ۱۴۰۱، نیروهای پلیس امنیت او را به همراه ده‌ها معلم دیگر بازداشت کردند. در جریان این دستگیری، مأموران معلمان را با خشونت کتک زدند، با اسلحه تهدید کردند و سر صادقی را به جدول خیابان کوبیدند، او را به روی زمین کشاندند و با خود بردند.^{۳۴۰} او پس از یک روز بازجویی در پلیس امنیت منطقه کوی لشکرآباد اهواز، با وثیقه آزاد شد. با ادامه فعالیت‌های صنفی صادقی، دادگاه انقلاب اهواز او را در ۱۶ اسفند ۱۴۰۱ به اتهام‌های «تبلیغ علیه نظام و تجمع و تبانی علیه امنیت کشور» احضار کرد.^{۳۴۱}

در ۲۷ خرداد ۱۴۰۲، جلسه دادگاه او برای رسیدگی به اتهامات «فعالیت تبلیغی علیه نظام، اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی و عضویت در گروه‌هایی که هدف آنها بر هم‌زدن امنیت کشور است» برگزار شد.^{۳۴۲}

پانزدهم آبان ۱۴۰۲ همزمان با برگزاری تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری در تهران، صادقی چهارازی بازداشت و پس از ساعاتی آزاد شد. یک ماه بعد، شعبه ۳ دادگاه انقلاب اهواز، بار دیگر او را با اتهامات «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام و تشکیل گروه و اخلاف در نظم عمومی» احضار کرد.^{۳۴۳}

هر چند شعبه ۳ دادگاه انقلاب اهواز برای او و دیگر اعضای کانون صنفی معلمان خوزستان حکم تبرئه صادر کرد، اما این حکم با اعمال فشار نهاد‌های امنیتی، مورد اعتراض نماینده دادستان قرار گرفت و پرونده در مرداد ۱۴۰۲ به دادگاه تجدیدنظر ارسال شد.^{۳۴۴}

به روزرسانی

شعبه سوم دادگاه انقلاب اهواز در ۱۸ دی ۱۴۰۳ صادقی چهارازی را به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» به پنج سال و به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال حبس محکوم کرد.^{۳۴۵} این حکم در دادگاه تجدید نظر لغو و او تبرئه شد.

او ۸ فروردین‌ماه ۱۴۰۵ بار دیگر در منزلش در اهواز بازداشت شد. مأموران امنیتی هنگام بازداشت، خانه را تفتیش و خانواده او را تهدید کردند. «استفاده از فیلتر شکن» به‌عنوان اتهام او مطرح شد. صادقی چهارازی به زندان شیبان اهواز منتقل و ۲۷ فروردین ۱۴۰۵ در شعبه ۱۲ بازپرسی دادرسی انقلاب اهواز اتهامات «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به رهبری» به او تفهیم شد.

ایرج توبیهای نجف آبادی

سن: ۶۵

حوزه فعالیت: فعال صنفی معلمان

وضعیت: زندانی در زندان مرکزی اصفهان

وضعیت حقوقی: ۲ سال و یک ماه حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محاکمه ناعادلانه، حبس انفرادی طولانی مدت، محرومیت از وکیل



پیشینه

ایرج توبیهای نجف آبادی، معلم بازنشسته و عضو هیئت مدیره و مسئول روابط عمومی کانون فرهنگیان نجف آباد، فعال صنفی معلمان اصفهان است که به علت فعالیت‌های صنفی بارها بازداشت و برای او چندین پرونده قضایی تشکیل شده است. او نخستین بار، ۲۰ مهر ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» با هجوم مأموران امنیتی لباس شخصی به محل کارش روبرو و بازداشت شد؛ این فعال صنفی معلمان به مدت ۳۰ روز در سلول انفرادی بند الفطا در زندان مرکزی اصفهان (دستگرد) و ۱۰ روز در بند عمومی مورد بازجویی قرار گرفت و سپس با تودیع وثیقه آزاد شد. در فرودین ماه سال بعد، مأموران امنیتی لباس شخصی بدون ارائه حکم یا کارت شناسایی، بار دیگر این فعال صنفی را مقابل اداره آموزش و پرورش نجف آباد با خشونت بازداشت و به زندان نجف آباد منتقل کردند. او پس از پنج روز حبس در سلول انفرادی و بازجویی، با وثیقه آزاد شد. چند ماه بعد در ۲۰ مهر ۱۴۰۲ مأموران امنیتی لباس شخصی او را در خیابان ربودند و بار دیگر به همان زندان منتقل کردند. این فعال صنفی پس از ۱۳ روز بازجویی با وثیقه آزاد شد. بعد از احضارهای مکرر و تشکیل چندین پرونده علیه این معلم بازنشسته، شعبه ۱۰۲ دادگاه انقلاب نجف آباد در ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۳، توبیهای نجف آبادی را به هشت سال حبس، جریمه نقدی و دو سال تبعید محکوم کرد.^{۴۴} اتهامات او «توهین به رهبر جمهوری اسلامی»، «تبلیغ علیه نظام، حضور در تجمعات فرهنگیان و تحریک فرهنگیان»، «نشر اکاذیب از طریق سامانه‌های مخابراتی» و «اهانت و توهین به مقامات» بوده‌اند. او همچنین به اتهام تبلیغ علیه نظام و نامه دادخواهی از دادگستری در پرونده‌ای دیگر در شعبه ۱۰۲ به طور غیابی به دو سال حبس و جریمه نقدی محکوم شد. دادگاه تجدیدنظر این احکام را تأیید و پس از تجمیع احکام، مدت حبس به دو سال و یک ماه تغییر کرد.

به روز رسانی

ایرج توبیهای نجف آبادی در تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۴۰۳، برای گذراندن حکم دو سال و یک ماه حبس، به زندان مرکزی اصفهان (دستگرد) رفت و هم اکنون دوران حبس خود را در آنجا می‌گذراند.

حسین واحدی

سن: ۵۹

حوزه فعالیت: فعال صنفی معلمان

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و

روند قانونی، حبس طولانیمدت در انفرادی، بازنشستگی اجباری



پیشینه

حسین واحدی، مشهور به داریوش اشکانی، معلم بازنشسته و بازرس انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی است که به دلیل فعالیت‌های صنفی و پیگیری مطالبات معلمان از سال ۱۳۹۷ تاکنون با چندین پرونده قضایی روبه‌رو شده است.

این معلم و فعال صنفی، نخستین بار در سال ۱۳۹۷ به اتهام «نشر اکاذیب» به یک سال حبس و جریمه نقدی محکوم شد. دادگاه تجدیدنظر استان خراسان شمالی این حکم را تعلیق کرد.

در پی سرکوب گسترده فعالان صنفی پس از اعتراضات «زن، زندگی، آزادی»، واحدی در شهریور ۱۴۰۱ به اتهام «نشر اکاذیب» به شعبه ۵ دادرسی عمومی و انقلاب بجنورد احضار و با قرار کفالت آزاد شد؛ او آبان‌ماه همان سال در شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو بجنورد برای این اتهام محاکمه و به یک سال حبس محکوم شد که این حکم به مدت سه سال به حالت تعلیق درآمد. اسفند همان سال، مأموران اطلاعات سپاه پاسداران پس از ضبط تلفن همراه این معلم، صفحه اینستاگرامش را نیز مسدود کردند.^{۳۴۷}

در دی‌ماه ۱۴۰۳، شعبه یک دادگاه انقلاب بجنورد او را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم کرد؛^{۳۴۸} این حکم در دادگاه تجدیدنظر خراسان شمالی نیز تأیید شد.^{۳۴۹} همچنین در پرونده‌ای دیگر، دادگاه انقلاب بجنورد واحدی را بازهم به اتهام «تبلیغ علیه نظام» (عمدتاً مربوط به فعالیت‌هایش در فضای مجازی و انتشار مطالب صنفی) به ۳ ماه حبس تعزیری دیگر محکوم کرد که براساس رأی دادگاه تجدیدنظر در اسفند ۱۴۰۳ به جزای نقدی تبدیل شد.^{۳۵۰}

به روزرسانی

حسین واحدی ۸ تیر ماه ۱۴۰۴، برای اجرای حکم یک سال حبس، به زندان مرکزی بجنورد رفت.^{۳۵۱} این فعال صنفی ۱۵ مرداد ۱۴۰۴ برای مرخصی پنج روزه از زندان آزاد شد، ولی مأموران اداره اطلاعات بجنورد در روز دوم مرخصی او را بازداشت و به زندان بازگرداندند. ۳۵۲ او در تاریخ ۲۲ آبان ۱۴۰۴، پس از سپری کردن بخشی از دوران حبس خود در زندان مرکزی بجنورد، با احتساب دوران بازداشت قبلی، به مرخصی متصل به آزادی اعزام شد.

فعالان حقوق اقلیت‌ها

ائتلافی از ۴۲ سازمان حقوق بشری بین‌المللی، شامل سازمان حقوق بشر ایران و «با هم علیه اعدام»، اسفندماه ۱۴۰۳ (ماه مارس ۲۰۲۵) در بیانیه‌ای مشترک ۳۵۳ تأکید کردند که نقض گسترده حقوق بشر در رابطه با اقلیت‌های اتنیک، مذهبی و عقیدتی همچنان ادامه دارد؛ و این درحالی است که فعالان در زمینه حقوق اقلیت‌ها نیز به‌طور مداوم تحت فشار و سرکوب سیستماتیک جمهوری اسلامی قرار دارند.

این مدافعان حقوق بشر در بسیاری از موارد به‌دلیل پیگیری حقوق اقلیت‌های اتنیک و مذهبی، حق تحصیل، حق آموزش به زبان مادری و... با تهدید، احضارهای مکرر، بازداشت و محکومیت به حبس‌های طولانی‌مدت مواجه شده‌اند.

در این بخش وضعیت حقوقی چند مدافع حقوق بشر در حوزه حقوق اقلیت‌ها را بررسی می‌کنیم.

انیسا فنائیان

سن: ۴۶

حوزه فعالیت: فعال حقوق اقلیت‌ها

وضعیت: زندانی در زندان مرکزی سمنان

وضعیت حقوقی: ۸ سال حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی



پیشینه

انیسا فنائیان، فعال حقوق اقلیت‌ها و شهروند بهائی، به کودکان محروم از تحصیل، از جمله کودکان مهاجر افغانستانی، در زمینه آموزش کمک می‌کرد.^{۳۵۴} دادگاه انقلاب سمنان در فروردین‌ماه ۱۳۹۱ او را با اتهاماتی از جمله «تشکیل و راه اندازی گروه‌های غیرقانونی وابسته به بهائیت» و «فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام و به نفع فرقه بهائیت» به یک سال حبس محکوم کرد. او ۳۰ دی‌ماه همان سال پس از احضار و معرفی خود به زندان، بازداشت و برای اجرای حکم به بند زنان زندان مرکزی سمنان منتقل شد.^{۳۵۵} این در حالی بود که همسرش، سیامک ایقانی نیز هم‌زمان در حال گذراندن دوره محرومیت در زندان سمنان بود و دو فرزند خردسال ۳ و ۸ ساله آنان این دوره یک‌ساله را بدون پدر و مادر و در کنار بستگان‌شان سپری کردند.

فنائیان در مرداد ۱۴۰۲ بار دیگر بازداشت و اواسط شهریور با قرار وثیقه آزاد شد.^{۳۵۶} اسفند ماه همان سال، با حکم علی ایثاری، رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب سمنان، با اتهام‌های «تشکیل و راه‌اندازی و اداره گروه به قصد برهم زدن امنیت کشور»، «فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع اسلام» و «تبلیغ علیه نظام» به ۱۶ سال حبس، جریمه نقدی، ۱۵ سال محرومیت از حقوق اجتماعی و دو سال محرومیت از عضویت در احزاب محکوم شد.^{۳۵۷} طبق حکم دادگاه، مبلغ حدود چهار هزار و ۳۵۰ دلار داریبی شخصی او نیز که هنگام بازرسی منزلش ضبط شده بود، به نفع حکومت مصادره شد. تدریس به کودکان محروم از آموزش و شرکت در مراسم یادبود آنلاین عطاالله رضوانی در سال ۱۳۹۹، از موارد استنادی برای صدور این حکم بود.

شعبه ۷ دادگاه تجدیدنظر استان سمنان در آذرماه ۱۴۰۳ حکم این شهروند بهائی را به ۸ سال حبس کاهش داد.^{۳۵۸}

به روزرسانی

در ۲۱ اسفند ۱۴۰۳ نیروهای امنیتی فنائیان را که همراه فرزندش به بیمارستانی در سمنان مراجعه کرده بود، برای اجرای حکم بازداشت کردند.^{۳۵۹} او ۱۰ مهرماه ۱۴۰۴ در پی پذیرش اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور، با تودیع وثیقه سنگین از زندان مرکزی سمنان به صورت موقت آزاد شد؛^{۳۶۰} اما یک ماه بعد در ۴ آبان همان سال، شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان سمنان به ریاست محمد بلوچی، با وجود پذیرش اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور و ارجاع پرونده به شعبه هم‌عرض، آنیسا فنائیان را به ۸ سال حبس محکوم کرد. او اردیبهشت ۱۴۰۵ بار دیگر برای اجرای حکم بازداشت شد و در زندان مرکزی سمنان به سر می‌برد.



سروه پور محمدی

سن: ۳۶

حوزه فعالیت: فعال حقوق اقلیت‌ها

وضعیت: زندانی در زندان مرکزی سنندج

وضعیت حقوقی: ۵ سال حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از تماس با خانواده

پیشینه

سروه پورمحمدی، مدرس زبان کردی و از اعضای سازمان مردم‌نهاد نوژین، ۹ بهمن ۱۴۰۱ به دادگاه سنندج مراجعه کرد تا وضعیت قضایی اعضای بازداشت‌شده این انجمن را پیگیری کند که همان‌جا بازداشت شد.^{۳۶۱} پس از دو هفته بازداشت، در ۲۴ بهمن‌ماه همان سال، با وثیقه به‌صورت موقت تا پایان مراحل دادرسی از بند زنان زندان مرکزی سنندج آزاد شد. شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج به ریاست قاضی کرمی در آبان ۱۴۰۲ سروه پورمحمدی را به اتهام «تشکیل گروه و دستجات به قصد برهم زدن امنیت» به ۱۰ سال حبس محکوم کرد.^{۳۶۲} این حکم در دادگاه تجدیدنظر سنندج، به پنج سال، کاهش یافت.^{۳۶۳}

به روزرسانی

سروه پورمحمدی ۳۰ فروردین ۱۴۰۴، پس از احضار به شعبه اجرای احکام سنندج بازداشت و برای گذراندن دوران محکومیت، به بند زنان زندان مرکزی سنندج منتقل شد.^{۳۶۴}

صمد ریگی

سن: ۴۳

حوزه فعالیت: فعال حقوق اقلیت‌ها

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: پرونده باز دارد

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، محرومیت از حق دسترسی

به وکیل، محرومیت از تماس تلفنی و ملاقات با خانواده



پیشینه

صمد ریگی فعال مدنی بلوچ و کارمند بانک ملی اهل ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان است که به دلیل فعالیت‌های مدنی، پیگیری حقوق مردم بلوچ و اعتراض به رفتار حکومت و فساد ساختاری مسئولان جمهوری اسلامی با عنوان «صدای بلوچستان» شهرت پیدا کرده است. او بارها از مقامات قضایی خواسته است تا برای جلوگیری از تیراندازی نیروهای نظامی و انتظامی به مردم این منطقه اقدام کنند.^{۳۶۵} با ادامه فعالیت مدنی ریگی و اعتراض او به وضعیت نامنی در استان سیستان و بلوچستان، در ۵ مهر ۱۴۰۰ ده نفر از نیروهای نظامی و امنیتی، برای بازداشت او به روستای تمپ ریگان یورش بردند. مأموران که با مقاومت مردم روستا مواجه شدند، به سمت شهروندان تیراندازی کردند و چندین نفر را زخمی کردند.^{۳۶۶} اما موفق به بازداشت ریگی نشدند.

در نهایت بهمن‌ماه ۱۴۰۰ مأموران امنیتی این فعال مدنی را هنگام مراجعه به دادرسی زاهدان بازداشت و به زندان مرکزی زاهدان منتقل کردند.^{۳۶۷} ریگی در دادگاه انقلاب زاهدان به سه سال حبس محکوم شد. در دوران زندان، دو حکم حبس دیگر نیز برای این فعال مدنی صادر شد؛ یکی سه ماه و یک روز حبس به اتهام «توهین به قضات» بدون شاکه خصوصی و دیگری مربوط به افشاگری‌ها و اعتراض‌های او به شکنجه و اعدام معترضان بلوچ پس از اعتراضات ۱۴۰۱. پس از تجمیع احکام، محکومیت سه‌ساله او از سوی شعبه ۷ دادگاه تجدیدنظر استان سیستان و بلوچستان، به ریاست قاضی مسعود معاذاللهی، تأیید شد. او ۳ سال را در زندان گذراند و پس از پایان دوران محکومیت از آزاد شد.

به روز رسانی

این فعال مدنی در مهر ۱۴۰۴ با انتشار مطالبی در رسانه‌های اجتماعی و طرح خبر «تجاوز به چند کودک» در ایرانشهر، از عملکرد پزشکی قانونی در پیگیری نکردن این پرونده‌ها انتقاد کرد و سکوت و کم‌کاری نهادهای مسئول را عامل انصراف بسیاری از خانواده‌ها از شکایت دانست. پس از این افشاگری، رضا عبدی، مدیرکل پزشکی قانونی سیستان و بلوچستان، از ریگی شکایت کرد.^{۳۶۸} ریگی ۱۵ مهر ۱۴۰۴ در محل کار خود در یکی از بانک‌های ایرانشهر بازداشت شد.^{۳۶۹}

مأموران اطلاعات ایرانشهر پس از بازداشت این فعال بلوچ، او به منزلش بردند و با تفتیش خانه، تلفن‌های همراه اعضای خانواده و برخی وسایل شخصی آنان را ضبط و سپس او را به اداره اطلاعات ایرانشهر منتقل کردند.^{۳۷۰} دو روز بعد به بازداشتگاه اداره اطلاعات زاهدان منتقل شد و در این مدت از حق دسترسی به وکیل، تماس تلفنی و ملاقات با خانواده محروم بود. صمد ریگی پس از اعتصاب غذای چهار روزه، در ۱۱ آبان ۱۴۰۴ با تودیع وثیقه یک میلیارد تومانی از زندان آزاد شد. پرونده او با اتهاماتی از جمله «نشر اکاذیب» و «تشویش اذهان عمومی» همچنان در جریان است.

سمکو یوسفی

سن:

حوزه فعالیت: فعال حقوق اقلیت‌ها

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: ۶ ماه حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، محرومیت از حق دسترسی به

وکیل



به روزرسانی

سمکو یوسفی، مشهور به سمکو سلامت، نویسنده، شاعر و مدرس زبان کردی در آموزشگاه «ادب» و همچنین از اعضای اصلی انجمن زیست‌محیطی «ژینبان» است که ۵ خرداد ۱۴۰۴، با هجوم خشونت‌آمیز نیروهای اطلاعات به منزلش بازداشت شد.^{۳۷} نیروهای اداره اطلاعات بدون ارائه برگه قضایی و با خشونت منزل او را تفتیش، تلفن همراه او، همسر و فرزندانش را ضبط کردند.

این فعال کرد، سپس برای بازجویی به اداره اطلاعات ارومیه منتقل و در نهایت به زندان بوکان منتقل شد. سمکو یوسفی، در تاریخ ۲ تیر ماه ۱۴۰۴، با وثیقه به صورت موقت از زندان بوکان آزاد شد.

نیروهای اداره اطلاعات بوکان بار دیگر در ۱۷ آذرماه همان سال بدون ارائه حکم قضایی و با ضرب‌وشتم او را بازداشت کردند. در جریان این بازداشت، تلفن همراه او ضبط و او پس از چند ساعت بازجویی آزاد شد؛ با این حال فشارهای امنیتی همچنان ادامه یافت. سمکو یوسفی در ۲۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ به دادگاه انقلاب بوکان احضار و به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شد.

فعالان محیط‌زیست

تخریب گسترده منابع آب و محیط‌زیست، امکان زیستن را در عرصه‌های وسیعی از ایران با چالش‌های جدی مواجه کرده است. از اوایل دهه ۷۰ خورشیدی حرکت‌های اعتراضی در واکنش به اجرای پروژه‌های مخرب آغاز شد. فعالان محیط‌زیست در مخالفت با احداث آزادراه تهران-شمال - که ابتدا فاقد ارزیابی زیست‌محیطی بود - چند بار در محل اجرای پروژه تحصن کردند و با ضرب‌وشتم ماموران مواجه شدند. بعدتر، در اواخر دهه ۸۰ با سیطره نگاه امنیتی، دریافت مجوز برای تجمع محدودتر شد. با بحرانی‌شدن وضعیت دریاچه ارومیه، موج گسترده اعتراض‌ها در ۱۳۹۰ رقم خورد و تجمع اعتراضی مردم که به صورت نمادین، آب به این پهنه آبی می‌ریختند، با سرکوب و بازداشت‌های گسترده مواجه شد. میانه دهه ۹۰، همین برخورد با فعالان محیط‌زیست که به خشک‌شدن رودخانه کارون اعتراض داشتند تکرار شد. بهمن ۱۳۹۶ را می‌توان نقطه عطف برخوردهای قهرآمیز با فعالان محیط‌زیست دانست، وقتی که حدود ۵۵ کارشناس و فعال محیط‌زیست دستگیر و شش نفر آنان به زندان‌های طولانی‌مدت محکوم شدند و یک نفر نیز در زندان، جان باخت.

برخورد با فعالان و کارشناسان محیط‌زیست معترض همچنان به اشکال مختلف، از جمله احضار، ارباب و تهدید، تا حبس طولانی‌مدت در جریان است. در ادامه نام افرادی ذکر می‌شود که طی سال گذشته به دلیل فعالیت در این حوزه، تحت تعقیب قضایی قرار گرفته‌اند.

کریم اسماعیل زاده

سن: ۴۶

حوزه فعالیت: فعال محیط زیست

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: در انتظار برگزاری دادگاه

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از تماس و ملاقات با خانواده، محرومیت از رسیدگی درمانی، شکنجه و آزار، حبس طولانی مدت در سلول انفرادی



پیشینه

کریم اسماعیل زاده، فعال محیط زیست، بوکسور و قهرمان پاورلیفتینگ، از ورزشکاران شناخته شده تبریز است که در رابطه با محیط زیست آذربایجان، به ویژه وضعیت دریاچه ارومیه و آلودگی رود ارس، اطلاع رسانی گسترده ای کرده است. اسماعیل زاده نخستین بار ۲۵ مرداد ۱۴۰۲ هنگام ورود به ورزشگاه یادگار امام (سهند) تبریز برای تماشای بازی فوتبال بین تیم های تراکتور تبریز و پرسپولیس تهران، پس از ضرب و شتم شدید، به دست نیروهای امنیتی بازداشت و یک روز بعد، در شعبه ۱۰ دادرسی عمومی و انقلاب تبریز اتهام «تحریک و دعوت مردم به اعمال خشونت آمیز در فضای مجازی» به او تفهیم شد. دلیل این اتهام، فعالیت های اسماعیل زاده در رسانه های اجتماعی بود که در روزهای پیش از این مسابقه با انتشار ویدیوهای، از هواداران تیم تراکتور خواسته بود تا با سردادن شعار و برافراشتن پارچه نوشته ها در جریان بازی، به وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه اعتراض کنند. این فعال محیط زیست ۲۸ مرداد ۱۴۰۴ با تودیع وثیقه به طور موقت تا پایان مراحل دادرسی آزاد شد. شعبه اول دادگاه انقلاب تبریز در دی ماه همان سال، او را به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم^{۳۷۲} و شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی، این رأی را در اسفندماه عیناً تأیید کرد. اسماعیل زاده ۲۹ فروردین ۱۴۰۳ بازداشت و برای تحمل حبس به زندان مرکزی تبریز منتقل شد.^{۳۷۳} او در دو ماه اول حبس با وجود بیماری و زخم معده شدید، از دریافت خدمات درمانی و همچنین تماس یا ملاقات با خانواده و محروم بود^{۳۷۴} و در نهایت شهریور ۱۴۰۳ با قرار وثیقه آزاد شد.

به روز رسانی

این فعال محیط زیست بار دیگر در ۲۰ اسفند ۱۴۰۳ بازداشت و به مدت ۴۹ روز در سلول انفرادی حبس و تحت بازجویی بود و شکنجه شد. وکیلش، سینا یوسفی، بعدتر از وضعیت جسمی بسیار وخیم او به دلیل شکنجه های شدید جسمی و روانی در سلول انفرادی اداره اطلاعات تبریز خبر داد و نوشت که دست و پای او را ۴۹ روز در انفرادی بسته بودند و حدود ۴۰ کیلوگرم وزن از دست داد؛ نهادهای امنیتی همچنین با محروم کردن او از خواب و تهدید به کشتن اعضای خانواده اش، او را بیشتر تحت فشار قرار داده بودند.^{۳۷۵} او سپس به بند ۵ (بند امنیتی) زندان مرکزی تبریز منتقل و بدون هیچ گونه ارتباط با بیرون، در وضعیت بلا تکلیف نگهداری شد. اسماعیل زاده اواسط تیرماه ۱۴۰۴ با تودیع وثیقه سنگین به طور موقت آزاد شد. پس از فراخوان و دعوت از مردم در پاییز ۱۴۰۴ برای شرکت در تجمع اعتراضی^{۳۷۶} به خشک شدن دریاچه ارومیه، اسماعیل زاده بار دیگر به اتهام «تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام» احضار و ۲۶ مهرماه بازداشت شد. نیروهای امنیتی او را برای بازجویی به بازداشتگاه اداره اطلاعات تبریز منتقل کردند، اما پس از چند روز، دخترش در پیامی اینستاگرامی اعلام کرد که خانواده هیچ اطلاعی از وضعیت و محل نگهداری اسماعیل زاده ندارد.^{۳۷۷} این فعال محیط زیست در اعتراض به بازداشت غیرقانونی و بلا تکلیفی در زندان اقدام به اعتصاب غذا کرد.^{۳۷۸} هفتم آبان ماه، در نهمین روز اعتصاب غذا، به دلیل وخامت وضعیت جسمی و خونریزی شدید از دهان و بینی به بیمارستان منتقل شد.^{۳۷۹} کریم اسماعیل زاده ۱۰ آبان ۱۴۰۴ با وثیقه آزاد شد و در حال حاضر در انتظار حکم است.

یوسف فرهادی بابادی

سن: ۴۴

حوزه فعالیت: فعال محیط‌زیست

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: پرونده باز دارد

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و

روند قانونی



پیشینه

یوسف فرهادی بابادی اهل استان چهارمحال و بختیاری، فعال محیط‌زیست، مخالف پروژه‌های انتقال آب، از جمله طرح انتقال آب از چهارمحال و بختیاری به اصفهان، عضو کمپین مردمی «حمایت از زاگرس مهربان» و مدیر کانال تلگرامی «صدای پای آب» است. این فعال محیط‌زیست به دلیل انتقاد از پروژه‌های انتقال آب، چندین بار احضار و بازداشت شده است. او در اردیبهشت ۱۳۹۷ با شکایت اعضای مجمع نمایندگان اصفهان در رابطه با انتشار مطالب انتقادی درباره انتقال آب در کانال «صدای پای آب» احضار و بازداشت شد و پس از ۹ روز، در ۱۸ اردیبهشت با تودیع وثیقه به طور موقت آزاد شد.

بار دیگر در ۲۸ بهمن همان سال، نیروهای اداره اطلاعات شهرکرد پس از عملیات تعقیب و گریز، خودرویش را متوقف کردند و او و برادرش را ربودند.^{۳۸۰} در دوران بازداشت، نیروهای امنیتی او را به مرگ تهدید کردند^{۳۸۱} و بنابر گزارش‌های کانال تلگرامی «صدای پای آب»، دلیل اصلی این برخوردها، فعالیت‌های افشاگرانه او در آن کانال تلگرامی درباره پروژه‌های انتقال آب کارون و آن چه که «مافیای آب» می‌خواند بود.^{۳۸۲} او همچنین اعلام کرده بود که در زندان برای اخذ اعتراف اجباری تحت فشار قرار گرفته است.^{۳۸۳} او در ۲۷ اسفند ۱۳۹۷ بار دیگر با سپردن وثیقه آزاد شد.

شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب تهران با پی‌گیری پرونده‌های این فعال محیط‌زیست، در تیرماه ۱۴۰۳ این فعال محیط‌زیست را به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال حبس و به اتهام «نشر اکاذیب» به یک سال حبس دیگر و جزای نقدی محکوم کرد.^{۳۸۴} در مرحله تجدیدنظر با اعمال قانون تجمیع احکام، حکم نهایی حبس قابل اجرا برای او، یک سال حبس تعزیری قطعی اعلام و او مهرماه ۱۴۰۳ برای اجرای حکم به زندان احضار شد. یوسف فرهادی بابادی ۱۵ آبان همان سال اعلام کرد که خود را برای اجرای حکم معرفی کرده است و حدود یک ماه بعد، حکم او به رأی باز تغییر کرد.

به روز رسانی

در آذرماه ۱۴۰۳ برای رسیدگی به شکایت‌هایی درباره افشاگری‌ها علیه پروژه‌های انتقال آب در حوضه زاگرس به شعبه اول دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان لردگان (چهارمحال و بختیاری) احضار شد و این پرونده همچنان باز است.



حر منصورى عبدالملكى

سن: ۴۴

حوزه فعالیت: فعال محیط‌زیست

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: پرونده باز دارد

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی

پیشینه

حر منصورى عبدالملكى عكاس و فعال محیط زیست و از منتقدان ساخت «پتروشیمی امیرآباد مازندران» است که درباره حفاظت از تالاب «میانکاله» و زیست‌بوم‌های در معرض خطر استان مازندران اطلاع‌رسانی کرده است. این فعال محیط‌زیست تیرماه ۱۴۰۲ در محل برگزاری نشست خبری پتروشیمی میانکاله به دلیل انتقاد از ساخت «پتروشیمی امیرآباد مازندران» بازداشت و یک روز بعد با وثیقه آزاد شد.^{۳۸۵}

به‌روزرسانی

حر منصورى در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۴۰۴ به‌دلیل انتشار فیلمی از قطع درختان با لودر و نسبت‌دادن آن به مجتمع گردشگری الیمالات، در شعبه ۱۴۷ دادگاه کیفری ۲ شهر نور به اتهام نشر اکاذیب به هفت‌ماه حبس تعزیری محکوم شد.^{۳۸۶} این مجتمع گردشگری، واقع در محدوده جنگلی الیمالات نور در استان مازندران، به‌دلیل ازبین بردن و قطع درختان برای ساخت غیرمجاز سافاری، مورد اعتراض بسیاری از فعالان محیط زیست بوده است.^{۳۸۷}

فعالان حقوق کارگران

بحران‌های اقتصادی مداوم در ایران، عقب‌افتادگی و پرداخت‌نشدن دستمزدها، مشکلات بیمه‌ای، دستمزدهای ناکافی، نبود امنیت شغلی و جانی و افزایش حوادث کار، کارگران را در سال گذشته به اعتراض و اعتصاب‌های پی‌درپی واداشته است.

جمهوری اسلامی در سال گذشته نیز همچون سال‌های پیش، ابتدایی‌ترین مطالبات کارگران را نادیده گرفت. با به رسمیت نشناختن تشکله‌ها و سندیکاهای مستقل کارگری، فعالیت آنان را تهدیدی امنیتی قلمداد کرد و اعتصاب‌ها و تجمع‌های صنفی را با فشارهای امنیتی و محدودیت‌های گسترده پاسخ داد. کارگران معترض و اعضای سندیکاهای کارگری بارها تهدید، احضار، بازداشت، بازجویی، اخراج یا از کار تعلیق و فعالان کارگری با اتهام‌هایی مانند «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی» و «اخلال در نظم» به حبس، تبعید، جریمه یا ممنوعیت فعالیت محکوم شده‌اند.

در این بخش به وضعیت حقوقی ۶ نفر از فعالان کارگری می‌پردازیم که طی سال گذشته تحت تعقیب قضایی قرار گرفته‌اند.

آنیسا اسداللهی

سن: ۳۶

حوزه فعالیت: فعال حقوق کارگران

وضعیت: زندانی در زندان اوین

وضعیت حقوقی: ۳ سال و ۷ ماه

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، حبس در سلول انفرادی، محرومیت از دسترسی به وکیل



پیشینه

آنیسا (مریم) اسداللهی، فعال حقوق کارگران، معلم، مترجم و نویسنده‌ای است که در حوزه‌های مختلف از جمله حقوق زنان و کارگران، مقالات و کتاب‌هایی را ترجمه کرده است.

این فعال کارگری نخستین بار ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ مقابل مجلس شورای اسلامی در تجمع کارگران به مناسبت روز جهانی کارگر بازداشت و به زندان قرچک ورامین منتقل و پس از مدتی با قید وثیقه به طور موقت آزاد شد. او پس از بازداشت مجدد در ۲۸ خرداد همان سال به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل و پس از مدت طولانی نگهداری در سلول انفرادی و انجام بازجویی‌ها، بار دیگر با تودیع وثیقه از زندان آزاد شد.^{۳۸۸}

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب در پاییز ۱۳۹۸ اسداللهی را بابت اتهام «اخلال در نظم عمومی» به یک سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرد که مدت ۶ ماه از دوران محکومیت او نیز به حالت تعلیق درآمد. براساس این حکم همچنین، ۳ ماه از دوران محکومیت تعزیری او به مجازات جایگزین حبس، از جمله خدمت رایگان به جانبازان و رونویسی از چند جلد کتاب مورد نظر دادگاه تبدیل شد؛ بعد از احضار و مراجعه به دادسرا در ۱۴ دی ماه، او برای اجرای حکم به زندان اوین منتقل شد و با احتساب مدتی که پیش‌تر در بازداشت گذرانده بود، اول بهمن همان سال، از زندان آزاد شد.

در ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ مأموران امنیتی بار دیگر او و همسرش کیوان مهدی را بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کردند.^{۳۸۹} وزارت اطلاعات اتهام این زوج فعال کارگری را «همکاری با یک تیم خارجی» اعلام و ادعا کرد که این زوج قصد داشتند با دو شهروند فرانسوی (سسیل کوهلر و ژاک پاری) که برای «جاسوسی و ایجاد آشوب» به ایران رفته بودند «هسته ضد امنیتی» ایجاد کنند. این درحالی است که طبق گفته وکیل او، امیر رئیس‌یان، هیچ‌گونه مدرک مستند قانونی، مبنی بر جاسوس بودن شهروندان فرانسوی وجود نداشت و این اسداللهی و مهدی نیز تنها به‌عنوان مترجم در جلسات فعالان کارگری و صنفی معلمان شرکت کرده بودند.^{۳۹۰} اسداللهی ۲۹ مرداد همان سال، با وثیقه به صورت موقت از زندان اوین آزاد شد.

او ۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ در آستانه روز جهانی کارگر به همراه چند فعال کارگری در خانه محمد حبیبی، معلم و فعال صنفی، با یورش خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی بازداشت و ۱۱ روز بعد، با وثیقه از زندان اوین آزاد شد.^{۳۹۱}

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری، در ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲، اسداللهی را به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» به پنج سال و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۸ ماه حبس محکوم کرد. به گفته این فعال کارگری، استوری‌اش در اعتراض به اعدام محسن شکاری و مجیدرضا رهنورد مصداق تبلیغ علیه نظام قرار گرفت. دادگاه تجدیدنظر استان تهران تیرماه ۱۴۰۲ این حکم را عیناً تأیید کرد.^{۳۹۲} و اسداللهی یک ماه بعد برای اجرای حکم به زندان اوین منتقل شد.^{۳۹۳}

با پذیرش اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور در خرداد ۱۴۰۳ حکم این فعال کارگری به سه سال و هفت ماه کاهش یافت.

به روز رسانی

پس از حمله اسرائیل به زندان اوین در تیرماه ۱۴۰۴ آنیسا اسداللهی همراه سایر زندانیان زن به زندان قرچک ورامین منتقل و در تاریخ ۱۷ مهر به زندان اوین بازگردانده شد. او در تمام دوران حبس از مرخصی محروم ماند و سرانجام در اول اسفند ۱۴۰۴ پس از پایان دوران محکومیت از زندان اوین آزاد شد.

اسماعیل گرامی

سن: ۷۱

حوزه فعالیت: فعال کارگری

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از رسیدگی درمانی، عدم رعایت اصل تفکیک جرایم در زندان، بدرفتاری و شکنجه، محرومیت از دسترسی به وکیل



پیشینه

اسماعیل گرامی، کارگر بازنشسته کارخانه کارتن‌سازی، سال‌ها برای مطالبات صنفی و حقوق بازنشستگان فعالیت کرده و بارها احضار و بازداشت شده است.

این فعال کارگری ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ در تجمع معلمان مقابل سازمان برنامه‌بودجه بازداشت و به دادرسی اوین منتقل شد.^{۳۹۴} او چند روز بعد به‌طور موقت آزاد شد.^{۳۹۵}

مأموران قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران در ۱۴ فروردین ۱۴۰۰ به منزل گرامی یورش بردند و چند روز پس از حبس در سلول انفرادی، او را به زندان تهران بزرگ (فشافویه) منتقل کردند. ۳۹۶ شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران این فعال صنفی و کارگری را به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» به پنج سال حبس، ۷۴ ضربه شلاق و پرداخت دو میلیون تومان جریمه نقدی محکوم کرد.^{۳۹۷} این حکم ۲۸ شهریور ۱۴۰۰ در دادگاه تجدیدنظر نیز تأیید شد.

در ۱۶ مهر ۱۴۰۰ گروهی از زندانیان جرائم خشن در زندان فشافویه به گرامی و چند زندانی سیاسی دیگر حمله فیزیکی کردند.^{۳۹۸} او در جلساتی با مسئولان زندان با هشدار درباره نبود امنیت جانی درخواست کرده بود به بند دیگری منتقل شود.^{۳۹۹}

گرامی دوم مرداد ۱۴۰۱ بدون اطلاع قبلی به زندان اوین منتقل شد. یک هفته بعد، این فعال کارگری که به بیماری صرع و سایر مشکلات جسمی زمینه‌ای دچار بود، پس از ابتلا به بیماری کووید-۱۹ به این دلیل که حاضر نبود با دستبند و پابند به بیمارستان برود، از دریافت خدمات درمانی محروم ماند و به قرنطینه زندان بازگردانده شد.^{۴۰۰} پس از آتش‌سوزی زندان اوین در ۲۳ مهر ۱۴۰۱، او را به زندان رجایی‌شهر کرج منتقل کردند اما در آنجا نیز از خدمات درمانی محروم ماند. او ۲۴ بهمن ۱۴۰۱ در قالب بخشنامه «عفو عمومی» از زندان آزاد شد.

اسماعیل گرامی بار دیگر ۳۰ آبان ۱۴۰۲ در تجمع بازنشستگان مقابل سازمان تأمین اجتماعی بازداشت^{۴۰۱} و همان شب آزاد شد. مأموران امنیتی ۱۷ مرداد ۱۴۰۳ با یورش به منزل گرامی، وسایل الکترونیکی و کارت ملی او را ضبط کردند و از او خواستند طی پنج روز خود را به دادرسی اوین معرفی کند.^{۴۰۲} چند روز بعد پس از حضور در دادرسی اوین، بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.

به روز رسانی

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران در شهریور ۱۴۰۳ او را به «تبلیغ علیه نظام از طریق شرکت در تجمعات» متهم و به یک سال حبس محکوم کرد.^{۴۰۳} اسماعیل گرامی پس از حمله اسرائیل به زندان اوین در تیرماه ۱۴۰۴، به همراه دیگر زندانیان سیاسی به زندان تهران بزرگ (فشافویه) منتقل و در تاریخ ۳۰ تیر ماه ۱۴۰۴ با پایان دوران محکومیت، از زندان تهران بزرگ (فشافویه) آزاد شد.^{۴۰۴} با این حال، در مهر ۱۴۰۴ نیروهای امنیتی با یورش به منزل او و همسرش ژاله روح‌زاد، زوج فعال کارگری، بعد از تفتیش منزل، وسایل الکترونیکی آنان را با خود بردند.

نسرین جوادی

سن: ۶۸

حوزه فعالیت: فعال کارگری

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی:-

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، حبس انفرادی طولانی مدت، محرومیت از ملاقات با خانواده، محرومیت از رسیدگی درمانی، آزار و اذیت خانواده

پیشینه

نسرین جوادی (اعظم خضری جوادی)، کارگر بازنشسته، از فعالان حقوق کارگران، عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران و از اعضای مؤسس شورای بازنشستگان تأمین اجتماعی است.

این فعال کارگری در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ در تجمع روز جهانی کارگر روبه روی ساختمان مجلس شورای اسلامی بازداشت شد.^{۴۰۵} او پس از تحمل ۳۳ روز حبس که ۲۲ روز آن در سلول انفرادی و تحت بازجویی‌های شدید گذشت، در نهایت با تودیع وثیقه از زندان آزاد شد.^{۴۰۶} شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری در ۱۵ مرداد همان سال جوادی را به اتهام «اجتماع و تبانی جهت اقدام علیه امنیت کشور»، «تبلیغ علیه نظام» و «اخلال در نظم و آسایش عمومی» به هفت سال حبس تعزیری، ۷۴ ضربه شلاق، دو سال محرومیت استفاده از تلفن همراه و ممنوعیت فعالیت در احزاب محکوم کرد.^{۴۰۷} در مرحله تجدیدنظر، او از دو اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «اخلال در نظم عمومی» تبرئه، اما حکم پنج سال زندانش تأیید شد.^{۴۰۸} در واقع، با وجود صدور حکم براءت، در حکم قابل اجرای او هیچ تغییری ایجاد نشد.^{۴۰۹}

جوادی تیرماه ۱۳۹۹ برای اجرای حکم فراخوانده شد.^{۴۱۰} به دلیل ابتلا به کرونا و بیماری‌های متعدد در بهمن ۱۴۰۰ درخواست عدم توانایی تحمل حبس داد. با این که پزشکان، ناتوانی او را در تحمل زندان تأیید کردند، اجرای احکام، این نظر را نپذیرفت و آن را به تأیید پزشکی قانونی موکول کرد؛ اما پزشکی قانونی برخلاف نظر پزشکان متخصص به امکان تحمل حبس رای داد.^{۴۱۱} در نهایت با وجود نیاز روزانه به تزریق داروهای ویژه پوکی استخوان و عمل جراحی آب مروارید، جوادی ۱۱ تیرماه ۱۴۰۱ خود را برای اجرای حکم به زندان اوین معرفی کرد.^{۴۱۲}

این فعال کارگری ۲۸ آبان ماه ۱۴۰۱ در پی وخامت حالش، به صورت نیمه‌بیهوش به بیمارستان منتقل و چند روز بعد، بدون بهبودی کامل به زندان بازگردانده شد.^{۴۱۳}

در مرداد ۱۴۰۳ گروهی از زنان زندانی از جمله جوادی به خبر اعدام رضا رسایی، زندانی سیاسی اعتراض کردند که در پی آن نیروهای گارد زندان به بند آنها یورش بردند و او دچار حمله عصبی شد.^{۴۱۴} چند ماه بعد، وقتی تنها فرزندش به کما رفت و به بیمارستان منتقل شد، مسئولان زندان با درخواست مرخصی او مخالفت کردند.^{۴۱۵}

به روز رسانی

این فعال کارگری در دی ماه ۱۴۰۳ از حق ملاقات حضوری با خانواده‌اش محروم شد. مسئولان زندان دلیل این محرومیت را همراه داشتن «یک سیم پاوربانک» در وسایل یکی از اعضای خانواده عنوان کردند.^{۴۱۶}

نسرین جوادی ۲۴ شهریور ۱۴۰۴ پس از تحمل حدود سه سال و چهار ماه حبس مداوم، از زندان قرچک ورامین آزاد شد.^{۴۱۷}

شریفه محمدی

سن: ۴۶

حوزه فعالیت: فعال کارگری

وضعیت: زندانی در زندان مرکزی رشت

وضعیت حقوقی: ۳۰ سال حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از رسیدگی درمانی، حبس انفرادی طولانی مدت، محرومیت از تماس تلفنی و ملاقات با خانواده، آزار و شکنجه



پیشینه

شریفه محمدی، فعال کارگری اهل میانه در آذربایجان شرقی و از اعضای «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری» ۱۴ آذرماه ۱۴۰۲ در رشت، شهر محل سکونتش بازداشت شد.^{۴۱۸} او چند هفته را در سلول انفرادی گذراند و در این مدت از حق تماس تلفنی و ملاقات با خانواده محروم بود.^{۴۱۹}

این فعال کارگری ۲۱ دی ۱۴۰۲ برای بازجویی به زندان مرکزی سنندج منتقل شد. بازجویان وزارت اطلاعات او را برای اخذ اعتراف اجباری علیه خود با ضرب و جرح تحت فشار قرار دادند، به طوری که به گفته هم‌بندی‌هایش، پس از بازگشت از بازجویی به بند زندان مرکزی سنندج آثار شکنجه بر صورتش نمایان بود.^{۴۲۰} او در مدت ۲۶ روز، تنها دوبار با خانواده تلفنی تماس گرفت و بعد از سه ماه، به او اجازه ملاقات حضوری با همسر و پسر ۱۲ ساله‌اش داده شد.^{۴۲۱} محمدی با وجود دردهای شدید دیسک کمر و عفونت یکی از انگشت‌هایش، در زندان از درمان و خدمات پزشکی محروم بود.^{۴۲۲} اتهام اولیه او «تبلیغ علیه نظام» اعلام شد، ولی مدتی بعد، نهادهای امنیتی «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری» را وابسته به حزب کومله معرفی و شریفه را به «بعی» (قیام مسلحانه علیه حکومت) متهم کردند. این اتهام به صدور حکم اعدام برای او در شعبه اول دادگاه انقلاب رشت در تاریخ ۱۴ تیر ۱۴۰۳ منجر شد.^{۴۲۳} این حکم در حالی صادر شد که «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری» هرگونه ارتباط با گروه‌های مسلح را تکذیب و بر صنفی بودن فعالیتش تأکید کرده است. بستگان محمدی نیز گفته‌اند که او «هیچ فعالیت مسلحانه‌ای نداشته و تنها برای فعالیت‌های مسالمت‌آمیز خود در تشکل‌های کارگری به اعدام محکوم شده است».

ویدا محمدی، دختر عمه شریفه، در برنامه اسپیس هفتگی سازمان حقوق بشر ایران^{۴۲۴} گفت قاضی با استناد به فایل‌های موجود در تلفن همراه شریفه، اتهام بعی را به او نسبت داده است.^{۴۲۵} به گفته او، این فایل‌ها شامل مطالبی درباره جریان‌های دارای گرایش چپ، تراکت‌هایی مرتبط با آزادی زندانیان زن در رشت، تراکت‌های «نه به اعدام» و مقاله‌ای درباره تأثیر قیام ژینا بر جنبش کارگری بوده است. شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور در ۲۱ مهر ۱۴۰۳ حکم اعدام محمدی را نقض کرد و پرونده او را برای رسیدگی مجدد به دادگاه هم‌عرض فرستاد.^{۴۲۶}

به روزرسانی

در ۲۴ بهمن ۱۴۰۳ شعبه دوم دادگاه انقلاب رشت این فعال کارگری را دوباره به اعدام محکوم کرد.^{۴۲۷} به گفته امیر رئیس‌یان، وکیل محمدی، این حکم ایراداتی جدی دارد و دادگاه، بدون پاسخ به نقدهای وکلا، نظریه ضابط را بدون بررسی و به طور کامل پذیرفته و نواقص آن را نادیده گرفته است.^{۴۲۸} حکم اعدام محمدی ۲۵ مرداد ۱۴۰۴ در دیوان عالی کشور تأیید شد.^{۴۲۹} به گفته وکیل این زندانی، با وجود باقی ماندن تمام ایرادهای پرونده، شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور که پیش‌تر حکم اعدام را نقض کرده بود، این بار آن را تأیید کرد.^{۴۳۰} در نهایت حکم اعدام شریفه محمدی در آبان‌ماه ۱۴۰۴ با یک درجه تخفیف به حبس درجه یک (۳۰ سال زندان) تبدیل شد.^{۴۳۱} او کماکان در زندان مرکزی رشت (لاکان) محبوس است.

مهران رئوف

سن: ۶۹

حوزه فعالیت: فعال کارگری

وضعیت: زندانی در زندان اوین

وضعیت حقوقی: ۷ سال و ۶ ماه حبس

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، محرومیت از رسیدگی

درمانی، حبس انفرادی طولانی مدت، محرومیت از حق دسترسی

به وکیل، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محاکمه

ناعادلانه، محرومیت از مرخصی

پیشینه

مهران رئوف، فعال حقوق کارگران و معلم زبان انگلیسی، شهروند دو تابعیتی بریتانیایی-ایرانی است که بعد از سفر به ایران در ۲۵ مهرماه ۱۳۹۹ پس از یورش مأموران به منزل مسکونی اش در تهران بازداشت شد. ۴۳۲ مأموران امنیتی پس از تفتیش منزل، کتابها و دیگر وسایل شخصی از جمله کامپیوتر و موبایل او را ضبط و این فعال کارگری را به بند دو-الف زندان اوین منتقل کردند.^{۴۳۳}

رئوف در تماسی تلفنی از زندان اعلام کرد به اتهام «وابستگی به گروه کمونیستی» تحت بازجویی و از حق داشتن وکیل مستقل محروم است.^{۴۳۴} او در اعتراض به این شرایط در فروردین ماه ۱۴۰۰ با وجود کهولت سن و بیماری، اعتصاب غذا کرد.^{۴۳۵} پس از حدود هشت ماه حبس انفرادی در ۲۳ خرداد ۱۴۰۰ به بند عمومی زندان اوین منتقل شد. ۴۳۶ شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی افشاری در مرداد ۱۴۰۰، به اتهام «مشارکت در اداره گروه غیرقانونی و فعالیت تبلیغی علیه نظام» برای او حکم ۱۰ سال و هشت ماه زندان صادر کرد.^{۴۳۷}

حکم او براساس قانون تجمیع احکام و مرحله تجدیدنظر به هفت سال و شش ماه حبس تعزیری قابل اجرا کاهش یافت.

پس از آن که در سال ۱۴۰۱ گروهی از زندانیان با عفو عمومی آزاد شدند، رئوف در نامه‌ای از زندان به تبعیض علیه دوتابعیتی‌ها و مستثنی کردن آنها از فهرست عفو عمومی اعتراض کرد و استفاده ابزاری جمهوری اسلامی از زندانیان دوتابعیتی را محکوم دانست.^{۴۳۸}

به روزرسانی

پس از حمله اسرائیل به زندان اوین در دوم تیرماه ۱۴۰۴ مأموران مهران رئوف را به همراه زندانی‌های دیگر با دستبند و پابند و با زور اسلحه زیر شلیک پدافندها به زندان تهران بزرگ (فشافویه) منتقل کردند.

این زندانی ۶۹ ساله که به دیابت، سینوزیت مزمن و درد شدید دندان مبتلاست، پس از انتقال به زندان تهران بزرگ با وضعیت جسمی نامناسب و بدون دسترسی به خدمات درمانی و پزشکی نگه داشته شده است. او در این مدت حتی یک روز هم مرخصی نداشته و از ملاقات با اعضای خانواده خود نیز محروم بوده است. مهران رئوف مردادماه به همراه سایر زندانیان، به زندان اوین بازگردانده شد. سرانجام در ۶ دی‌ماه ۱۴۰۴ فقط برای سه روز به مرخصی اعزام شد.

مازیار سیدنژاد

سن: ۴۴

حوزه فعالیت: فعال کارگری

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، اعترافات اجباری پخش شده از تلویزیون، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، حبس طولانی مدت در سلول انفرادی، محرومیت از رسیدگی درمانی



پیشینه

مازیار سیدنژاد، فعال کارگری نخستین بار ۱۰ آذر ۱۳۹۷ در جریان سرکوب فعالان سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز بازداشت و ۲۷ اسفند همان سال با وثیقه به صورت موقت از زندان مرکزی اهواز (شیبان) آزاد شد. این فعال کارگری در مدت بازداشت تحت فشار به اعترافات اجباری تلویزیونی وادار شد. شبکه اول صداوسیما در بخش خبری ۲۰:۳۰ این اعترافات را در ۱۹ دی ۱۳۹۷ با عنوان «طراحی سوخته» پخش کرد.^{۴۳۹} شعبه ۴ دادگاه انقلاب اهواز ۲۹ آذر ۱۳۹۹ این فعال کارگری را به اتهام «عضویت در گروه مخالف نظام» به سه سال حبس محکوم^{۴۴۰} و شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان این حکم را در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۴۰۰ تأیید کرد.^{۴۴۱} یک هفته بعد، مأموران امنیتی او را در منزلش در تهران بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین، منتقل کردند. او مدتی را در سلول انفرادی و محروم از حق ملاقات با خانواده و تماس با آنان گذراند.^{۴۴۲} سیدنژاد پس از حدود دو ماه حبس، در ۲۵ مرداد ۱۴۰۰ با تودیع وثیقه آزاد شد.^{۴۴۳} اما فشارهای قضایی بر او ادامه داشت تا این که شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی ۲۶ دی ۱۴۰۱ او را به اتهام «عضویت در گروه‌های کمونیستی و تبلیغ علیه نظام» به سه سال حبس محکوم کرد. علاوه بر این، او به مدت ۲ سال از خروج از کشور، عضویت در احزاب و گروه‌ها و حضور در فضای مجازی محروم شد.^{۴۴۴} این فعال کارگری در ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ برای تحمل محکومیت حبس به زندان اوین رفت. در ۲۶ شهریور ماه ۱۴۰۳، با نامساعد شدن وضعیت جسمی مربوط به سیاتیک و درد شدید کمر به بیمارستان منتقل شد. پیش‌تر مسئولان زندان، به دلیل مخالفت سیدنژاد با پوشیدن لباس زندان هنگام انتقال، از اعزام او به بیمارستان خودداری کرده بودند.^{۴۴۵}

به روز رسانی

حکم حبس این فعال کارگری در بهمن ۱۴۰۳، پس از پذیرش درخواست تجمیع احکام، به سه سال و سه ماه و دو روز حبس تعزیری کاهش یافت و او در ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ با مرخصی متصل به آزادی، از زندان اوین آزاد شد. با این حال، پس از جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل در در آغاز تابستان ۱۴۰۴، با افزایش فشار بر فعالان مدنی، نهاد‌های امنیتی، بار دیگر مازیار سیدنژاد را احضار و بازجویی کردند.^{۴۴۶}

فعالان حقوق زنان

جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر با چالش بسیار بزرگی روبه‌رو بوده است: سرپیچی زنان از رعایت حجاب اجباری. حکومت تلاش کرد برای کنترل پوشش و تحمیل حجاب اجباری بر زنان از روش‌های قهری استفاده کند، مانند استفاده از دوربین‌های نظارتی برای شناسایی زنان معترض به حجاب اجباری، بازداشت، تشکیل پرونده‌های قضایی، جریمه‌های سنگین و محرومیت از خدمات عمومی، آموزش و یا حتی اشتغال برای مجازات زنان معترض. علاوه بر این، تلاش زنان برای بازیابی دیگر حقوق از دست‌رفته‌شان در جامعه تحت حکومت جمهوری اسلامی نیز در سال‌های اخیر پررنگ‌تر شده است و برای مثال، چندین زن به‌دلیل آواز خواندن در اماکن عمومی یا انتشار ویدیوی آن در رسانه‌های اجتماعی، بازداشت شدند و دستگاه قضایی حساب‌های آنان در شبکه‌های اجتماعی را مسدود کرد. در این بخش به وضعیت حقوقی دو نفر از فعالان حقوق زنان می‌پردازیم.

آیدا عمویی

سن: ۴۱

حوزه فعالیت: فعال حقوق زنان

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: در انتظار صدور حکم نهایی

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، محرومیت از ملاقات با خانواده



به روز رسانی

آیدا عمویی مربی تکواندو و فعال حقوق زنان است. نیروهای اداره اطلاعات سنندج در ۲۸ دی ماه ۱۴۰۳ بدون ارائه برگه قضایی و با خشونت او را در باشگاه ورزشی محل کارش بازداشت کردند.^{۴۴۷} عمویی پیش از دستگیر شدن بارها به صورت تلفنی از سوی همین نهاد تهدید شده بود.^{۴۴۸} او در ایام بازداشت از حق دسترسی به وکیل و ملاقات با خانواده خود محروم بود^{۴۴۹} تا در ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ پس از ۱۷ روز بازداشت با تودیع وثیقه سنگین ۶ میلیارد تومانی به صورت موقت تا پایان مراحل دادرسی از زندان مرکزی سنندج آزاد شد.^{۴۵۰}

ژینا مدرس گرچی

سن: ۴۵

حوزه فعالیت: فعال حقوق زنان

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، نگهداری طولانی مدت در سلول انفرادی، محرومیت از رسیدگی درمانی، محرومیت از مرخصی



پیشینه

ژینا مدرس گرچی، فعال حقوق زنان، روزنامه‌نگار و مؤسس «انجمن زنان ژیوانا» است که در ارتباط با حقوق زنان به‌ویژه علیه «زن‌کشی» فعال بوده است.^{۴۵۱} او نخستین بار در سال ۱۴۰۱ در جریان خیزش «زن، زندگی، آزادی» در سنندج با خشونت دستگیر و پس از ۴۰ روز بازداشت، با تودیع وثیقه آزاد شد. پیش از این بازداشت نیز نیروهای امنیتی به او هشدار داده بودند که اگر در تجمعات سنندج شرکت کند «دیگر آفتاب را نخواهد دید».

مدرس گرچی در فروردین‌ماه ۱۴۰۲ بار دیگر بازداشت شد. در این دوره او از ملاقات با خانواده محروم بود و مأموران زندان و نهادهای امنیتی این فعال حقوق زنان را برای اعتراف اجباری تحت فشار قرار دادند.^{۴۵۲} او بعد از یک‌ماه بازداشت در سلول انفرادی به بند عمومی زنان در زندان مرکزی سنندج منتقل^{۴۵۳} و پس از ۸۴ روز با تودیع وثیقه آزاد شد.

پنجم خرداد ۱۴۰۳ شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج به ریاست قاضی محمد کرمی، این فعال حقوق زنان را به اتهام «تشکیل گروه غیرقانونی با هدف براندازی» به ۱۰ سال، به اتهام «همکاری با گروه‌ها و دول متخاصم» به ۱۰ سال و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم کرد.^{۴۵۴} مواردی که به‌عنوان مبنای این اتهامات در دادگاه مطرح شد، عبارت بودند از: «تأسیس انجمن ژیوانا با ایدئولوژی فمینیستی و هدف براندازی»، «شرکت در تجمعات و سردادن شعارهای ساختارشکنانه»، «ارتباط با عناصر ضدانقلاب»، «حضور در کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی بین‌المللی» و «انتشار مطالب و انجام مصاحبه با رسانه‌های خارج از کشور پس از درگذشت مهسا امینی». بعدتر، این حکم در دادگاه تجدیدنظر، به ۲۸ ماه حبس تعزیری (۱۶ ماه بابت تشکیل گروه غیرقانونی و ۱۲ ماه بابت تبلیغ علیه نظام) کاهش یافت^{۴۵۵} و طبق قانون تجمیع احکام، مجازات اشد یعنی ۱۶ ماه حبس تعزیری برای او قابل اجرا شد.

به‌روزرسانی

ژینا مدرس گرچی که ۱۲ آبان ۱۴۰۳ برای اجرای حکم به زندان مرکزی سنندج منتقل شده بود^{۴۵۶}، ۳۱ شهریورماه ۱۴۰۴ پس از پایان دوره محکومیتش از زندان سنندج آزاد شد.^{۴۵۷}

هنرمندان

پس از اعتراضات سراسری سال ۱۴۰۱، بسیاری از هنرمندان ایرانی در واکنش به سرکوب خونین معترضان، با حمایت از خانواده‌های دادخواه و مخالفت با احکام حبس و اعدام، آثاری در حمایت از جنبش «زن، زندگی، آزادی» تولید کردند. این حضور فعال و تأثیرگذار باعث شد که در سال‌های اخیر برخوردهای امنیتی و قضایی با هنرمندان به شدت افزایش یابد. احضار، بازداشت و زندان گوشه‌ای از برخورد حکومت با آنان بود و شماری از این هنرمندان نیز به‌ناچار از کشور خارج شدند. این بخش به وضعیت حقوقی هنرمندانی می‌پردازد که طی سال گذشته به دلیل دفاع از حقوق بشر تحت تعقیب قضایی قرار گرفته‌اند.

وفا احمدپور دامناپ

سن: ۴۱

حوزه فعالیت: هنرمند

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، عدم رعایت اصل تفکیک جرائم در زندان، شکنجه و آزار



پیشینه

وفا احمدپور دامنااب با نام هنری «وفادار»، خواننده رپ اعتراضی است. او در حساب‌هایش در رسانه‌های اجتماعی با انتشار موزیک‌ویدئوهای اعتراضی، حمایت از جنبش «زن، زندگی، آزادی» و انتقادهایش از مسئولان جمهوری اسلامی را بازتاب داده است. علاوه بر این، او با حضور بر سر مزار کشته‌شدگان و اعدام‌شدگان در رابطه با اعتراضات، آثار هنری‌اش را به آنان تقدیم کرده است.

پس از اعتراض‌های سال ۱۴۰۱ نهادهای امنیتی بارها «وفادار» را احضار و تهدید کردند، به طوری که او مجبور شد مدتی مخفیانه زندگی کند. پس از حدود یک سال، نیروهای امنیتی با دسترسی به شماره تلفنش، او را برای شرکت در دادگاه احضار کردند. «وفادار» به دلیل غیرقانونی بودن احضار تلفنی، از مراجعه به مراکز امنیتی خودداری کرد. او ۱۴ بهمن ۱۴۰۲ اعلام کرد که نیروهای امنیتی به منزل خانواده او یورش برده و اعضای خانواده‌اش را به گروگان گرفته‌اند. یک روز بعد، او مجبور شد برای آزادی خانواده‌اش، خود را به زندان اوین معرفی کند. پس از بازداشت، به مدت دو هفته هر شب به بازداشتگاه آگاهی شاپور تهران و سلول متهمانی که «شور» خوانده می‌شدند، منتقل و روزها برای بازجویی به زندان اوین بازگردانده می‌شد. او ۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۲ با وثیقه به صورت موقت از زندان اوین آزاد و در اردیبهشت ۱۴۰۳ به اتهام «تبلیغ علیه نظام» در دادگاه انقلاب تهران به یک سال حبس محکوم شد.

انتشار موزیک ویدئویی به نام «آماده باش»^{۴۵۸} ضبط‌شده در شیراز (محوطه بنای تخت جمشید) با اجرای او و دانیال مقدم، دیگر خواننده رپ، باعث شد این دو هنرمند در ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ در شیراز بازداشت شوند. این اثر به موضوعات اجتماعی، از جمله سرکوب، دستگیری‌های گسترده و بحران اقتصادی در ایران می‌پرداخت. احمدپور به بازداشتگاه اطلاعات و پس از مدتی، به زندان مرکزی شیراز (عادل‌آباد) منتقل شد. در زمان بازداشت، مأموران امنیتی با نشانرفتن اسلحه به سوی احمدپور، او را مورد ضرب و جرح قرار دادند، به گونه‌ای که پرده گوش راستش پاره شد. احمدپور در مردادماه به اتهام «تبلیغ علیه نظام» در دادگاه انقلاب شیراز به یک سال حبس دیگر، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی محکوم شد. براساس این حکم، دوره حبس او باید تحت نظارت پابند الکترونیکی در خارج از زندان اجرا می‌شد. او ۲۳ مهر ۱۴۰۳ از زندان عادل‌آباد شیراز به زندان اوین منتقل شد.

به روز رسانی

وفا احمدپور دامنااب در بهمن‌ماه ۱۴۰۳، پس از گذراندن ۹ ماه حبس، از زندان اوین آزاد و سپری کردن محکومیت مربوط به پرونده دومش با پابند الکترونیکی آغاز شد.^{۴۵۹} او سوم آبان ۱۴۰۴ پس از پایان دوره حبسش، از نظارت پابند الکترونیکی خارج شد.

دانیال مقدم

سن: ۳۲

حوزه فعالیت: هنرمند

وضعیت: آزاد، ملزم به اقامت خارج از تهران و استان‌های

هم‌جوار آن

وضعیت حقوقی: ۲ سال ممنوعیت اقامت در تهران و

استان‌های هم‌جوار و چند ماه حبس تعلیقی

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی

عادلانه و روند قانونی، محرومیت از خروج از کشور، آزار و

اذیت خانواده، محرومیت از دسترسی به وکیل



پیشینه

دانیال مقدم، خواننده رپ اعتراضی، با انتشار ویدئوهای اعتراضی در رسانه‌های اجتماعی به حمایت از جنبش «زن، زندگی، آزادی» پرداخته است. او همچنین با حضور بر سر مزار کشته‌شدگان و اعدام‌شدگان در رابطه با اعتراضات، آثار هنری خود را به آنان تقدیم کرده و در برابر زندان اوین، در اعتراض به صدور احکام اعدام، دست به تحصن زده است.^{۴۶۰}

او به همراه سحر زکریا و صبا کمالی، هردو بازیگر، در آذرماه ۱۴۰۲ به مناسبت «روز جهانی منع خشونت علیه زنان» موزیک‌ویدئویی با عنوان «حوری» منتشر کردند،^{۴۶۱} و در پی آن، به دادرسی فرهنگ و رسانه، احضار شدند.

دانیال مقدم به همراه وفا احمدپور، دیگر خواننده رپ، پس از انتشار موزیک‌ویدئو «آماده باش» که در محوطه باستانی تخت جمشید ضبط شده بود، در ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ بازداشت شدند. این اثر به موضوعات اجتماعی، از جمله سرکوب، دستگیری‌های گسترده و بحران اقتصادی در ایران پرداخته است. مقدم به همراه احمدپور، به بازداشتگاه اطلاعات و پس از مدتی، به زندان مرکزی شیراز (عادل‌آباد) منتقل شدند. این خواننده رپ، ۱۶ تیرماه همان سال با وثیقه از زندان آزاد شد.

به روز رسانی

او مردادماه ۱۴۰۳ در شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس تحت نظارت پابند الکترونیکی، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال منع فعالیت در فضای مجازی محکوم شد. مقدم با وجود داشتن پابند الکترونیکی، همچنان به فعالیت‌های مدنی خود ادامه داد، از جمله حمایت از اعتصاب کامیون‌داران، زندانیان سیاسی و زنان و تولید موزیک ویدئوهای اعتراضی. یکی از این ویدیوها، به نام «خط مقدم» با حضور خانواده‌های جان‌باختگان و آسیب‌دیدگان چشمی اعتراضات ۱۴۰۱ اجرا شد. او به دلیل این فعالیت‌ها، بارها به دادرسی انقلاب تهران احضار شد.^{۴۶۲}

مقدم در اول تیرماه ۱۴۰۴، پس از احضار و مراجعه به دادرسی زندان اوین، به بخش قرنطینه منتقل شد. یک روز بعد، با حمله اسرائیل به این زندان، دیوارهای بند قرنطینه در اثر انفجار تخریب شدند. او برای مدتی مفقود شد و بعد از ۳ هفته در یک پیام ویدئویی^{۴۶۳} اعلام کرد بر اثر موج انفجار ناشی از حمله هوایی، «ناخواسته» از زندان متواری شده است.

این خواننده رپ، ۷ مردادماه مجدداً در شیراز بازداشت و ابتدا به زندان تهران بزرگ و سپس به زندان اوین منتقل شد. نیروهای امنیتی در شهرک صدرای شیراز، خودرو مادرش را بدون اخطار هدف شلیک‌های پیاپی قرار دادند و متوقف کردند تا مقدم را دستگیر کنند.^{۴۶۵} مادر این خواننده نیز در خودرو حضور داشته است.

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران او را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به هشت ماه حبس، دو سال ممنوعیت اقامت در تهران و استان‌های هم‌جوار و ممنوع‌الخروجی محکوم کرد. انتشار مطالب در فضای مجازی و ارسال تصاویر برای رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور، از اتهامات او بود. او در ۵ اسفندماه ۱۴۰۴ با تعلیق مدتی که از حبسش باقی مانده بود، از زندان آزاد شد و گذراندن دوره مجازات‌های تکمیلی را آغاز کرد که خود از آن با عنوان تبعید یاد کرده است.

جعفر پناهی



سن: ۶۵

حوزه فعالیت: هنرمند

وضعیت: آزاد با وثیقه

وضعیت حقوقی: در انتظار حکم دادگاه تجدیدنظر

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، نگهداری طولانی مدت در

سلول انفرادی، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از

حق دسترسی به وکیل

پیشینه

جعفر پناهی یکی از شناخته‌شده‌ترین فیلم‌سازان ایرانی در سطح بین‌المللی و برنده جوایز معتبر سینمایی ونیز، برلین و کن و همچنین یکی از فعالان ضد مجازات مرگ و از اعضای اصلی کارزار لگام (لغو گام‌به‌گام مجازات اعدام) است که طی دهه‌های اخیر با ممنوعیت، بازداشت و حبس روبه‌رو بوده است. او آذرماه ۱۳۸۹ با اتهامات «اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام» به شش سال حبس تعزیری و ۲۰ سال محرومیت از ساختن فیلم، نوشتن فیلمنامه، مسافرت به خارج از کشور و مصاحبه با رسانه‌ها و مطبوعات محکوم شد.^{۴۶۶}

در تیرماه ۱۴۰۱ زمانی که برای پی‌گیری وضعیت همکاران بازداشت شده‌اش، محمد رسول‌اف و مصطفی آل‌احمد، به دادسرای زندان اوین مراجعه کرده بود، بازداشت شد و حکم ۶ سال حبس او به اجرا درآمد.

در زندان با وجود آن که دیوان عالی کشور با درخواست تجدید نظر او موافقت کرده و در حالی که وثیقه آماده بود، با آزادی او مخالفت شد. پناهی به نشانه اعتراض اعتصاب غذا کرد و سرانجام در ۱۶ بهمن ۱۴۰۱ با تودیع وثیقه از زندان اوین آزاد شد.^{۴۶۷} حکم حبس او یک ماه بعد در شعبه ۹ دیوان عالی کشور نقض و پرونده به شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر تهران ارجاع شد.

پناهی در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ پس از ۱۴ سال ممنوع‌الخروجی، کشور را ترک کرد. گذرنامه پناهی در سال ۱۳۸۸ زمانی که قصد سفر به پاریس را داشت، توقیف شده و او بعدتر در سال ۱۳۸۹ با حکم قضایی ممنوع‌الخروج شده بود.

به روز رسانی

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران در آذرماه ۱۴۰۴ پناهی را به‌طور غیابی به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت خروج از کشور و عضویت در گروه‌ها یا دسته‌جات سیاسی و اجتماعی محکوم کرد.^{۴۶۸} در زمان صدور این حکم، پناهی که در خارج از کشور بود اعلام کرد هرگز قصد پناهندگی ندارد و ۱۰ فروردین ۱۴۰۵ به ایران بازگشت.

وکلاهی پناهی درخواست تجدیدنظر در حکم غیابی اخیر را دادند که با پذیرش آن، اعلام شد شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ به این پرونده رسیدگی می‌کند. پناهی در حال حاضر با قید وثیقه آزاد است.

نواب قزلباش

سن:

حوزه فعالیت: هنرمند

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: مجازات تکمیلی ۱۶ ماه محرومیت

از فعالیت در فضای مجازی

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه



پیشینه

نواب قزلباش، طراح و گرافیست و عضو پیشین هیئت مدیره انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران است که با انتشار طرح‌های گرافیکی در صفحه اینستاگرامش، به حکومت جمهوری اسلامی انتقاد و از اعتراضات مدنی و دانشجویی حمایت کرده است. یکی از آثار قزلباش، پوستر اعتراضی با عنوان «نه» است^{۴۶۹} که در همبستگی با بیانیه دانشجویان دانشگاه هنر طراحی کرده است و خطاب به حاکمیت می‌گوید: «میان ما و شما دریایی خون فاصله است. هیچ حرفی با شما نداریم الا یک کلمه: نه.»

به روزرسانی

شعبه ۲۳ دادگاه انقلاب تهران در مردادماه ۱۴۰۴ قزلباش را به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به ۴ ماه حبس تعزیری و ۱۶ ماه محرومیت از فعالیت در فضای مجازی محکوم^{۴۷۰} و صفحه اینستاگرامش را مسدود کرد. نواب قزلباش در ۲۶ مرداد ۱۴۰۴ برای گذراندن محکومیت چهار ماه حبس به زندان اوین منتقل و ۲۰ مهر از زندان آزاد شد. ۴۷۱ در حال حاضر، صفحه اینستاگرام او باز است، اما تمامی پست‌ها از صفحه اینستاگرامش حذف شده‌اند.

مهدی یراحی

سن: ۴۴

حوزه فعالیت: هنرمند

وضعیت: آزاد

وضعیت حقوقی: -

حقوق نقض شده: بازداشت خودسرانه، فقدان دادرسی عادلانه و روند قانونی، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، آزار و شکنجه



پیشینه

مهدی یراحی خواننده و آهنگسازی است که آلبوم‌های متعددی را منتشر کرده و در سال‌های اخیر با موزیک‌ویدئوهای اعتراضی با مضمون حقوق بشری، شناخته شده است.

او در سال ۱۳۹۸ پس از آن که در یکی از کنسرت‌هایش با پوشیدن لباس کارگری و اجرای ترانه‌ای در همبستگی با اعتراضات کارگران اهواز همراهی کرد، از اجرای موسیقی منع شد. هرچند این ممنوعیت در ابتدا لغو شد، اما پس از اجرای ترانه‌ای در گرمی‌داشت کشته‌شدگان اعتراض‌های سراسری آبان ۱۳۹۸ و ایراد سخنرانی‌های اعتراضی در دو کنسرت، بار دیگر اعمال شد.

در مرداد ۱۴۰۱، پس از بازداشت سپیده رشنو (شاعر و نویسنده اهل لرستان) به دلیل «نقض قوانین حجاب» و اعترافات اجباری او در صداوسیما با چهره‌ای کبود و شکنجه‌شده، یراحی اعلام کرد که رسانه‌های دولتی دیگر اجازه استفاده از آثار او را ندارند.

با آغاز اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در شهریور ۱۴۰۱، مهدی یراحی چند ترانه به این جنبش تقدیم کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به ترانه‌های «قفس بس»، «سرود زن»، «سرود زندگی» و «روسریتو» اشاره کرد. او پس از انتشار موزیک‌ویدئوی «روسریتو» که در حمایت از حق آزادی پوشش زنان ایرانی ساخته شده بود، ۶ شهریورماه ۱۴۰۲ در تهران بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.^{۴۷۲} مهر همان سال با وثیقه ۱۵ میلیارد تومانی آزاد^{۴۷۳} و به دلیل فشارهای جسمی و روانی دوران حبس، به مدت یک هفته در بیمارستان بستری شد.

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران دی‌ماه همان سال، او را به دو سال و هشت ماه زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرد. حکم حبس مهدی یراحی به دلیل بیماری و نیاز به مراقبت‌های پزشکی در ۶ اسفند ۱۴۰۲ به پابند الکترونیکی تبدیل شد.^{۴۷۴} زهرا مینویی، وکیل یراحی، ۸ دی‌ماه ۱۴۰۳ اعلام کرد که محکومیت یک‌سال زندان این خواننده تحت نظارت پابند الکترونیکی به پایان رسید و او آزاد شد.

به‌روزرسانی

حکم شلاق او در ۱۵ اسفند ماه ۱۴۰۳ در شعبه چهارم اجرای احکام دادرسی امنیت اخلاقی تهران اجرا و پرونده او مختومه شد.^{۴۷۵} مهدی یراحی پیشتر اعلام کرده بود برای لغو این مجازات، اقدام و اعتراض نمی‌کند. مهدی یراحی در ۲۲ بهمن ۱۴۰۴ تک‌آهنگ اعتراضی جدیدی به نام «آشویتس» (Auschwitz) منتشر کرد.

توصیه‌های سازمان حقوق بشر ایران

توصیه‌های سازمان حقوق بشر ایران

سازمان حقوق بشر ایران از مقام‌های جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد تا:

۱. آزادی فوری و بدون قید و شرط مدافعان حقوق بشر و سایر زندانیان سیاسی را به‌عنوان یکی از شروط محوری هرگونه مذاکره و تعامل با جمهوری اسلامی قرار دهند.
۲. تحقیقات فوری، مستقل و بی‌طرفانه درباره نقض‌های جدی حقوق بشر، از جمله مرگ‌های مشکوک مدافعان حقوق بشر، را از طریق سازوکارهای بین‌المللی پیگیری و تضمین کنند.
۳. با استناد به اصل صلاحیت قضایی جهانی، ناقضان جدی حقوق بشر را مورد تحقیق و پیگرد قرار دهند و زمینه پاسخ‌گو کردن آمران و عاملان نقض حقوق بشر را فراهم کنند.
۴. از تمامی ابزارهای حقوقی، سیاسی و دیپلماتیک برای پاسخ‌گو کردن مقام‌های مسئول در سرکوب، شکنجه و آزار مدافعان حقوق بشر استفاده کنند.
۵. حمایت فعال از سازوکارهای سازمان ملل متحد، از جمله گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران و مأموریت کمیته مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب، را تقویت و تداوم و اثربخشی آن‌ها را تضمین کنند.

سازمان حقوق بشر از جامعه بین‌الملل می‌خواهد تا:

۱. تمامی مدافعان حقوق بشر و زندانیان سیاسی را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کنند و به بازداشت‌های خودسرانه پایان دهند.
۲. دسترسی کامل و فوری همه زندانیان به خدمات درمانی استاندارد را تضمین نمایند و از محرومیت درمانی به‌عنوان ابزار فشار استفاده نکنند.
۳. با سازوکارهای سازمان ملل متحد، از جمله گزارشگر ویژه و کمیته حقیقت‌یاب، همکاری کامل داشته باشند و دسترسی بی‌قید و شرط به کشور، زندان‌ها و ملاقات‌های خصوصی را برای آنان فراهم کنند.
۴. آزادی بیان و تشکل و تجمعات مسالمت‌آمیز را تضمین کنند و به هرگونه سرکوب مدافعان حقوق بشر پایان دهند.
۵. شکنجه، بدرفتاری و اعترافات اجباری را فوراً متوقف کنند.
۶. به فشار، تهدید و تعقیب قضایی مدافعان حقوق بشر و جرم‌انگاری فعالیت‌های مسالمت‌آمیز مدنی خاتمه دهند.

پینوشتها

1. <https://iranhr.net/fa/articles/8458/>
2. <https://iranhr.net/fa/articles/2344/>
3. <https://iranhr.net/fa/articles/6521/>
4. <https://iranhr.net/fa/articles/6523/>
5. <https://www.radiozamaneh.com/801249/>
6. https://t.me/No_To_Execution_Tuesdays/110
7. <https://x.com/golrokhiraee/status/1954946207165341826>
8. <https://iranhr.net/fa/statement/68/>
9. <https://iranhr.net/fa/articles/7043/>
10. <https://iranhr.net/fa/articles/7006/>
11. <https://www.clubhouse.com/house/نشسته‌های-نهم-ام-ادام>
12. <https://www.instagram.com/p/Cjbasu8DWWc/>
13. <https://x.com/Khosrowalikord2/status/1896191913277157683>
14. <https://x.com/Khosrowalikord2/status/1896191913277157683>
15. <https://x.com/Khosrowalikord2/status/1723959820469117304>
16. <https://x.com/Khosrowalikord2/status/1758410730314043836>
17. <https://x.com/Khosrowalikord2/status/1961062962363265210>
18. <https://iranhr.net/fa/articles/8436/>
19. <https://iranhr.net/fa/articles/3569/>
20. <https://iranhr.net/fa/articles/3860/>
21. <https://x.com/amirreiis/status/1414869846035247107>
22. <https://iranhr.net/fa/articles/5311/>
23. <https://x.com/iranhr/status/1669742407364014082>
24. <https://vokalapress.ir/توضیحات-و-کیل-امیر-سالار-داوودی>
25. <https://www.didarnews.ir/fa/news/108919>
26. <https://iranhr.net/fa/articles/4857/>
27. <https://x.com/saeedkhalili110/status/1430434641043939330>
28. <https://x.com/saeedkhalili110/status/1538804488961765377>
29. <https://x.com/MostafaNil58/status/1559471187356688385>
30. <https://x.com/MostafaNil58/status/1580941154308145153>
31. <https://x.com/ZMinuei/status/1842576056227856685>
32. <https://x.com/alimojtahedzad3/status/1882010701943960016>
33. <https://x.com/SinaYousefilaw/status/1939421899647328397>
34. <https://iranhr.net/fa/articles/5718/>
35. <https://iranhr.net/fa/articles/3455/>
36. <https://iranhr.net/fa/articles/3584/>
37. <https://iranhr.net/fa/articles/3702/>
38. <https://www.rokna.net/محمد-خجفی-به-یک-سال-حبس-جدیگر-محکوم-شد>
39. <https://iranhr.net/fa/articles/3620/>
40. <https://t.me/kaleme/18308>
41. <https://t.me/kaleme/27448>
42. <https://t.me/kaleme/28176>
43. <https://www.instagram.com/reel/Crak-LHAK0d/>
44. <https://vokalapress.ir/پروانه-و-کالت-محمد-خجفی-ابطال-شد>
45. <https://www.instagram.com/p/DODMEY8jd1q/>
46. <https://www.instagram.com/takhalofateentezamighozat>
47. <https://vokalapress.ir/بهنام-نزدادی-به-یک-سال-حبس-محکوم-شد>
48. <https://www.sharghdaily.com/در-انتظار-اجرای-حکم-بر-ای-یک-وکیل>
49. <https://vokalapress.ir/تخفیف-حکم-بهنام-نزدادی>
50. <https://vokalapress.ir/بهنام-نزدادی-را-هی-نزدان-او-ین-شد>
51. <https://vokalapress.ir/بهنام-نزدادی-آزاد-شد>
52. <https://vokalapress.ir/محکومیت-جدید-وکیل-بهنام-نزدادی>
53. <https://vokalapress.ir/احضار-مجدد-بهنام-نزدادی>
54. <https://x.com/abdalzahra213/status/1982392240199836000>
55. <https://iranhr.net/fa/articles/6079/>
56. <https://iranhr.net/fa/articles/5628/>
57. <https://iranhr.net/fa/articles/6079/>
58. <https://iranhr.net/fa/articles/6079/>
59. <https://x.com/vakilroaya/status/1782428818797449387>
60. <https://vokalapress.ir/سعید-شیخ-با-وثیقه-آزاد-شد>
61. <https://vokalapress.ir/محکومیت-سعید-شیخ-به-سه-سال-حبس>
62. <https://iranhr.net/fa/articles/3215/>
63. <https://iranhr.net/fa/articles/5593/>
64. <https://iranhr.net/fa/articles/3345/>
65. <https://www.tabnak.ir/fa/news/860774>
66. <https://iranhr.net/fa/articles/3676/>
67. <https://iranhr.net/fa/articles/4381/>
68. <https://iranhr.net/fa/articles/4472/>
69. <https://iranhr.net/fa/articles/4388/>
70. <https://iranhr.net/fa/articles/4353/>
71. <https://www.instagram.com/p/DFdGf7iti-x/>
72. <https://iranhr.net/fa/articles/6270/>
73. <https://x.com/RezaKhandan4/status/1718721913130795147>
74. <https://t.me/farsna/295433>
75. <https://x.com/RezaKhandan4/status/1724827065495572714>
76. https://t.me/syndica_7tape/2123
77. https://t.me/syndica_7tape/1631
78. https://t.me/syndica_7tape/2470
79. https://t.me/syndica_7tape/2055
80. https://t.me/syndica_7tape/4521
81. <https://t.me/emtedadnet/58262>
82. <https://iranhr.net/fa/articles/5628/>
83. https://t.me/syndica_7tape/5433
84. <https://t.me/emtedadnet/78032>
85. <https://rsf.org/fa/کشور-ایران>
86. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/08/iran-un-experts>
87. <https://iranhr.net/fa/articles/4660/>
88. <https://t.me/ettehad/88766>
89. <https://t.me/ettehad/88923>
90. <https://t.me/ettehad/94299>
91. <https://t.me/ettehad/107919>
92. <https://t.me/ettehad/109704>
93. <https://t.me/ettehad/112873>
94. <https://t.me/ettehad/114365>
95. <https://t.me/ettehad/115823>
96. <https://t.me/kashowra/17564>
97. <https://t.me/ettehad/120697>
98. <https://t.me/ettehad/127810>
99. <https://kurdpa.net/fa/news/2025/05/18>
100. <https://www.hra-news.org/2025/hranews/a-56817/>
101. <https://t.me/ettehad/118274>
102. <https://edaalat.org/cases-files/تصمیم-نهایی-پرونده>
103. <https://x.com/hasanasadz/status/1862820614580437202>
104. <https://www.mizanonline.ir/fa/news/4713419>
105. <https://www.instagram.com/p/Cq7jBQ5t07Z/>
106. <https://www.instagram.com/p/C9ujyrTpVlo/>
107. https://www.instagram.com/p/Cs4SoxjLT_u/
108. <https://www.instagram.com/p/CzUQOHfr6o5/>
109. <https://x.com/MarzieAdinezade/status/1816019667388977316>
110. <https://x.com/MarzieAdinezade/status/1833194720115179733>
111. <https://www.instagram.com/p/DJSRexTNqd8/>
112. <https://iranhr.net/fa/articles/4947/>
113. <https://iranhr.net/fa/articles/5432/>
114. <https://iranhr.net/fa/articles/5444/>
115. <https://iranhr.net/fa/articles/5374/>
116. <https://iranhr.net/fa/articles/6171/>
117. <https://www.sharghdaily.com/پرونده-جدید-مریم-اکبری-منفرد>
118. <https://www.sharghdaily.com/ممانعت-از-حفاظت-حضوری>
119. https://www.instagram.com/feyzollah_azarnoosh/
120. <https://www.iranintl.com/202511292497>
121. <https://www.instagram.com/p/COawzRshJPU/>
122. <https://www.instagram.com/p/CRWqXEvn5iZ/>
123. <https://www.instagram.com/p/CfQdizUDU08/>
124. https://www.instagram.com/p/CzG_WFzuLT5/

پیشنهادات

125. <https://humanrights.inir.org/convicted-837/>
126. <https://www.instagram.com/p/C63Z-6KORSj/>
127. <https://x.com/SabaBakhtyari/status/1864643253406191933>
128. <https://www.sharghdaily.com/تیرنماز-کلاهدراری-و-تحصیل-مال-نامشروع>
129. <https://www.sharghdaily.com/تیرنماز-کلاهدراری-و-تحصیل-مال-نامشروع>
130. <https://www.sharghdaily.com/بمسحکم-اعتراض-خواهیم-کرد>
131. <https://www.sharghdaily.com/تیرنماز-کلاهدراری-و-تحصیل-مال-نامشروع>
132. <https://x.com/ShahlaOroji/status/1958284852144361902>
133. <https://iranhr.net/fa/articles/3694/>
134. <https://iranhr.net/fa/articles/3694/>
135. <https://www.instagram.com/p/C5CblenP87n/>
136. https://x.com/reza_shafakhah/status/1731196029213835274
137. https://x.com/reza_shafakhah/status/1733878120694821280
138. <https://www.instagram.com/p/DQRjHjxDFvG/>
139. <https://t.me/kasenfi/11602>
140. <https://x.com/Memol82639562/status/1437493039174402050>
141. <https://www.iranhr.net/fa/articles/5337/>
142. [بازداشت-عناصر-مدعی-دادخواهی](https://farsnews.ir/politics/1657547916000249912/)
143. <https://x.com/Memol82639562/status/1590835540186005504>
144. <https://x.com/Memol82639562/status/1806073094530121735>
145. <https://x.com/nargesfnd/status/1895387169742594396>
146. <https://x.com/Memol82639562/status/1890703928947298456>
147. <https://t.me/kchaleshFI/26260>
148. <https://x.com/SoltaniMina1/status/1854371614906859868>
149. <https://x.com/miladboukani8/status/1895174392352776271>
150. <https://t.me/ettehad/64725>
151. <https://t.me/ettehad/81408>
152. <https://t.me/ettehad/98189>
153. <https://t.me/ettehad/115703>
154. <https://t.me/kasenfi/30844>
155. <https://t.me/kasenfi/33038>
156. <https://t.me/ettehad/125637>
157. <https://iranhr.net/fa/articles/4126/>
158. <https://iranhr.net/fa/articles/4243/>
159. <https://x.com/amirreiiis/status/1503314895844085765>
160. https://x.com/Hasti__amiri/status/1503318202801172481
161. https://t.me/senfi_uni_iran/2808
162. https://t.me/senfi_uni_iran/2821
163. <https://t.me/ettehad/111568>
164. <https://t.me/kashowra/15788>
165. <https://t.me/kasenfi/27560>
166. <https://t.me/kasenfi/31881>
167. <https://t.me/kashowra/19569>
168. <https://www.instagram.com/p/DNfJ1x4sMes/>
169. <https://t.me/ettehad/112776>
170. <https://t.me/ettehad/114218>
171. <https://t.me/kasenfi/28318>
172. <https://t.me/ettehad/118778>
173. <https://t.me/EEAUT/8451>
174. <https://t.me/ettehad/127482>
175. https://t.me/senfi_uni_iran/9158
176. [بازنشستگی-اجباری-حسن-باقری-نیا/](https://ensafnews.com/463694/)
177. <https://t.me/EEAUT/9294>
178. https://t.me/h_bagherinia/34
179. <https://t.me/kashowra/21437>
180. <https://t.me/kashowra/21514>
181. <https://t.me/ettehad/13896>
182. <https://t.me/ettehad/68639>
183. <https://iranhr.net/fa/articles/4005/>
184. <https://iranhr.net/fa/articles/4594/>
185. <https://iranhr.net/fa/articles/4594/>
186. <https://iranhr.net/fa/articles/4704/>
187. <https://iranhr.net/fa/articles/5183/>
188. <https://t.me/ettehad/105728>
189. <https://x.com/golrokhirae/status/1675434088142979073>
190. https://t.me/syndica_7tape/8169
191. https://t.me/senfi_uni_iran/10024
192. <https://www.sharghdaily.com/مطهر-هگونهای-آزادشد>
193. <https://x.com/MotG96/status/1808486686864683214>
194. https://x.com/artemi__ss/status/1901312917896675374
195. <https://x.com/MotG96/status/1959956201778680053>
196. <https://x.com/MostafaNili58/status/1945199063248302262>
197. <https://x.com/MotG96/status/1959934432661389551>
198. <https://t.me/emtedadnet/45909>
199. <https://t.me/emtedadnet/47925>
200. https://x.com/Arash_sadeghii/status/1541388606253809664
201. <https://x.com/Ramin1safarnia/status/1564932161429557248>
202. <https://t.me/ettehad/115041>
203. <https://t.me/ettehad/116277>
204. https://x.com/Ahmadreza_haeri/status/1645775287299330049
205. <https://t.me/kasenfi/28183>
206. <https://www.instagram.com/p/DCJbaPuN6M6/>
207. <https://www.instagram.com/p/DRM9SJIuWZ/>
208. <https://www.instagram.com/p/DPEGqQcCrKz/>
209. <https://t.me/ettehad/41565>
210. https://t.me/senfi_uni_iran/1277
211. https://t.me/senfi_uni_iran/2044
212. https://t.me/senfi_uni_iran/2050
213. <https://t.me/ettehad/80686>
214. https://t.me/senfi_uni_iran/2718
215. <https://t.me/ettehad/88369>
216. <https://t.me/kasenfi/16919>
217. https://t.me/senfi_uni_iran/2766
218. https://t.me/senfi_uni_iran/2851
219. https://t.me/senfi_uni_iran/8640
220. <https://t.me/kasenfi/35137>
221. <https://t.me/kashowra/20311>
222. <https://t.me/kasenfi/37167>
223. <https://youtu.be/XEloPKJ4wLc?t=753>
224. <https://www.instagram.com/reel/DiyelGZJRvA/>
225. <https://iranhr.net/fa/articles/3465/>
226. <https://www.sharghdaily.com/بازداشت-رضا-خندان>
227. <https://www.instagram.com/p/DDhZZrjNDz3/>
228. <https://www.sharghdaily.com/بازداشت-رضا-خندان>
229. <https://www.instagram.com/p/DD4ZTb8t0Ak/>
230. <https://www.instagram.com/p/DD6ldTtIWR/>
231. <https://www.instagram.com/p/DFdgf7iti-x/>
232. <https://www.instagram.com/p/DHapnSfS12C/>
233. <https://www.instagram.com/p/DLnSgjGwHd/>
234. <https://www.hra-news.org/2019/hranews/a-19208/>
235. <https://iranhr.net/fa/people/6083/>
236. <https://www.hra-news.org/2025/hranews/a-53200/>
237. <https://www.instagram.com/p/DQYx40EkR0Z/>
238. <https://web.archive.org/web/20120111084322/http://www.rahesabz.net/story/43172/>
239. [تایید-حکم-نرگس-محمدی-در-دادگاه-تجدیدنظر](https://ensafnews.com/39849/)
240. <https://iranhr.net/fa/articles/4459/>
241. <https://iranhr.net/fa/articles/4975/>
242. <https://x.com/RahmaniTaghi/status/1485164743249829888>
243. <https://x.com/RahmaniTaghi/status/1513827970577801220>
244. <https://x.com/RahmaniTaghi/status/1540970204603318273>
245. <https://x.com/MostafaNili58/status/1803010508565413984>
246. <https://x.com/MostafaNili58/status/1864261263917731963>
247. <https://x.com/nargesfnd/status/1994425042281623978>

248. <https://t.me/emtedadnet/15048>
249. <https://t.me/emtedadnet/40335>
250. <https://www.didarnews.ir/fa/news/108919/>-شکایت دادخواهان- سلامت
251. <https://t.me/emtedadnet/63759>
252. <https://t.me/emtedadnet/67602>
253. <https://t.me/emtedadnet/85086>
254. <https://t.me/emtedadnet/96598>
255. <https://www.sharghdaily.com/مهدی-محمودیان-آزادشد/>
256. <https://t.me/emtedadnet/104582>
257. <https://ensafnews.com/101318/ضیاء-خنیوی-آزادشد/>
258. <https://x.com/amirreii/status/1409842487624077313>
259. <https://x.com/amirreii/status/1409842683892449281>
260. <https://www.instagram.com/p/CvsUGInN1KD/>
261. <https://www.instagram.com/p/C61fhYqtVhs/>
262. <https://t.me/emtedadnet/88693>
263. <https://t.me/ettehad/90796>
264. <https://t.me/ettehad/91068>
265. https://x.com/IranRights_org/status/1887850182454415407
266. <https://www.instagram.com/reel/C64fr9UyWT/>
267. <https://iranhr.net/fa/articles/2560/>
268. <https://iranhr.net/fa/articles/2733/>
269. <https://iranhr.net/fa/articles/2750/>
270. <https://iranhr.net/fa/articles/3457/>
271. <https://iranhr.net/fa/articles/3987/>
272. <https://iranhr.net/fa/articles/4818/>
273. <https://x.com/Ramin1safarnia/status/1618383576718016513>
274. <https://x.com/Ramin1safarnia/status/1655762075140907009>
275. <https://x.com/Ramin1safarnia/status/1702393007272509742>
276. <https://x.com/Rsheermohammadi/status/1939383004985483551>
277. <https://www.instagram.com/reel/Cy9Xwz6oGOZ/>
278. <https://www.instagram.com/reel/C0jkuCANHWk/>
279. <https://www.instagram.com/reel/C0jkuCANHWk/>
280. <https://www.instagram.com/p/C1BflEat3RO/>
281. <https://www.instagram.com/p/C6QZKSNNfus/>
282. <https://t.me/EEAUT/9135>
283. <https://www.instagram.com/reel/C0ZeQWrtupD/>
284. <https://www.instagram.com/p/DKtvN1eNyOF/>
285. <https://www.instagram.com/p/DLAHQJVRweX/>
286. <https://www.instagram.com/reel/DLWrz-CvzVL/>
287. <https://www.instagram.com/p/DPG-kf6Cg7Q/>
288. <https://jamiatdefaa.org/about/>
289. <https://jamiatdefaa.org/closed-jamiat-shojaee/>
290. <https://www.instagram.com/p/DLUMvdht5u/>
291. <https://t.me/ettehad/134783>
292. <https://t.me/ettehad/136551>
293. <https://t.me/ettehad/136558>
294. <https://x.com/dadban4/status/1988588063354736881>
295. <https://t.me/kashowra/22471>
296. <https://t.me/kashowra/14591>
297. <https://t.me/kashowra/15160>
298. <https://t.me/kashowra/16459>
299. <https://t.me/kashowra/17270>
300. <https://t.me/kashowra/19641>
301. <https://t.me/kashowra/19933>
302. <https://t.me/ettehad/129823>
303. <https://t.me/kashowra/3257>
304. <https://t.me/ettehad/100558>
305. <https://t.me/kashowra/12588>
306. <https://t.me/ettehad/111400>
307. <https://t.me/kashowra/16717>
308. <https://t.me/kashowra/18925>
309. <https://t.me/kashowra/19672>
310. <https://t.me/kashowra/20595>
311. <https://t.me/kashowra/21628>
312. <https://t.me/ettehad/135939>
313. <https://t.me/ettehad/136282>
314. <https://t.me/kashowra/22410>
315. <https://t.me/ettehad/45354>
316. <https://t.me/kaseni/1037>
317. <https://t.me/kaseni/2512>
318. <https://t.me/kaseni/4173>
319. <https://t.me/ettehad/85442>
320. <https://t.me/ettehad/111607>
321. <https://t.me/kashowra/16026>
322. <https://t.me/kashowra/16663>
323. <https://t.me/ettehad/118429>
324. <https://t.me/kaseni/34126>
325. <https://t.me/kaseni/38597>
326. <https://t.me/ettehad/60639>
327. <https://t.me/kashowra/14591>
328. <https://t.me/kashowra/16832>
329. <https://t.me/kashowra/17270>
330. <https://t.me/ettehad/129823>
331. <https://t.me/ettehad/77797>
332. <https://t.me/ettehad/97018>
333. <https://t.me/ettehad/112963>
334. <https://t.me/kashowra/2055>
335. <https://t.me/ettehad/77797>
336. <https://t.me/kaseni/11125>
337. <https://iranhr.net/fa/articles/5755/>
338. <https://t.me/kaseni/21597>
339. <https://www.instagram.com/p/DQHrvslAhuU/>
340. <https://t.me/kashowra/10617>
341. <https://t.me/ettehad/112859>
342. <https://t.me/kaseni/26633>
343. <https://t.me/kashowra/18149>
344. <https://t.me/kashowra/17270>
345. <https://t.me/ettehad/129823>
346. <https://t.me/kashowra/19102>
347. <https://t.me/kashowra/19268>
348. <https://t.me/kashowra/20327>
349. <https://t.me/kashowra/20584>
350. <https://t.me/kashowra/20799>
351. <https://t.me/kashowra/21452>
352. <https://t.me/kashowra/21607>
353. <https://iranhr.net/en/statement/70/>
354. <https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/namh-anysa-fnayyan-bray-kwdkan-afghanstany>
355. <https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/hra-na-anysa-fnayyan-bazdasht-shd>
356. <https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/hra-na-anysa-fnayyan-twst-nyrwhay-amnyty-bazdasht-shd>
357. <https://www.iranintl.com/202403114062>
358. <https://hengaw.net/fa/news/2024/12/article-40>
359. <https://hengaw.net/fa/news/2025/03/article-83>
360. <https://www.hra-news.org/2025/hranews/a-56929/>
361. <https://hengaw.net/fa/news/2025/02/article-17>
362. <https://hengaw.net/fa/news/archive/62329>
363. <https://hengaw.net/fa/news/2024/11/article-192>
364. <https://hengaw.net/fa/news/2025/04/article-109>
365. <https://t.me/haalvsh/922>
366. <https://t.me/haalvsh/1231>
367. <https://t.me/haalvsh/1231>
368. <https://www.instagram.com/p/DPrK6FXAvI7/>
369. <https://www.instagram.com/p/DPhMqtXkXSr/>
370. <https://t.me/haalvsh/31020>

371. <https://hengaw.net/fa/news/2025/05/article-186>
372. <https://www.instagram.com/p/C1PQat3Nrf/>
373. <https://www.instagram.com/reel/C55Zhk6t563/>
374. <https://x.com/SinaYousefilaw/status/1916160720091201689>
375. <https://x.com/SinaYousefilaw/status/1944159231210574184>
376. <https://www.instagram.com/p/DODON-6iK3Q/>
377. <https://www.instagram.com/reel/DQHoY69CGqz/>
378. <https://www.instagram.com/p/DQNb12tCE68/>
379. <https://x.com/SinaYousefilaw/status/1984614945971900549>
380. <https://t.me/sedayepayeb1/13725>
381. <https://t.me/sedayepayeb1/13807>
382. <https://t.me/sedayepayeb1/13808>
383. <https://t.me/sedayepayeb1/13935>
384. <https://payamema.ir/payam/113105>
385. <https://www.sharghdaily.com/حر-منصورى-بہ-مقید-وثیقہ-آزاد-شد/>
386. <https://payamema.ir/payam/129203>
387. <https://www.sharghdaily.com/سافارى-الیمالات-مجوز-خندارد/>
388. <https://t.me/ettehad/71683>
389. <https://t.me/ettehad/100356>
390. <https://bit.ly/3AelBv7>
391. <https://t.me/ettehad/114872>
392. <https://t.me/ettehad/116450>
393. <https://t.me/ettehad/117136>
394. <https://t.me/kaseni/1079>
395. <https://t.me/kaseni/1125>
396. <https://t.me/kaseni/11623>
397. <https://t.me/kaseni/12697>
398. <https://t.me/kaseni/15340>
399. <https://t.me/kaseni/15340>
400. <https://t.me/Shbazneshasteganir/22671>
401. <https://t.me/Shbazneshasteganir/35578>
402. <https://t.me/kaseni/34468>
403. <https://www.hra-news.org/2024/hranews/a-50437/>
404. <https://t.me/kaseni/40990>
405. <https://t.me/ettehad/69837>
406. <https://t.me/ettehad/71001>
407. <https://t.me/ettehad/73924>
408. <https://t.me/ettehad/80357>
409. <https://iranhr.net/fa/articles/5324/>
410. <https://t.me/ettehad/81839>
411. <https://t.me/ettehad/102795>
412. <https://iranhr.net/fa/articles/5324/>
413. <https://t.me/ettehad/108851>
414. https://t.me/kanoon_nevisandegane_iran/1327
415. <https://t.me/ettehad/127804>
416. <https://t.me/ettehad/129274>
417. <https://t.me/ettehad/135878>
418. <https://t.me/kashowra/18122>
419. <https://t.me/ettehad/121210>
420. <https://t.me/kashowra/18378>
421. <https://t.me/ettehad/123810>
422. <https://t.me/kashowra/18413>
423. <https://iranhr.net/fa/articles/6779/>
424. <https://iranhr.net/fa/tv/766/>
425. <https://www.instagram.com/reel/DNlpGz2sXLq/>
426. <https://x.com/SharghDaily/status/1845008435793805644>
427. <https://t.me/ettehad/130978>
428. <https://www.sharghdaily.com/دوبارہ-مفر-جام-خواہی-می-کنیم/>
429. <https://iranhr.net/fa/articles/7877/>
430. <https://www.sharghdaily.com/پیگیر-اعادہ-دادار-سی-خواہیم-بود/>
431. <https://x.com/amirreiis/status/1983559683450556866>
432. <https://t.me/ettehad/84815>
433. <https://t.me/ettehad/84815>
434. <https://t.me/ettehad/87279>
435. <https://t.me/ettehad/89652>
436. <https://t.me/ettehad/91120>
437. <https://x.com/MostafaNili58/status/1422814248015646720>
438. <https://t.me/ettehad/113781>
439. <https://www.iribnews.ir/fa/news/2332882/طراحی-سوخنہ>
440. <https://t.me/ettehad/86747>
441. <https://t.me/ettehad/90863>
442. <https://t.me/ettehad/91022>
443. <https://t.me/ettehad/92534>
444. <https://t.me/ettehad/110931>
445. <https://t.me/ettehad/127092>
446. https://x.com/marroofian_n/status/1945204531987370272
447. https://www.instagram.com/p/DE_FcJKa0g/
448. https://www.instagram.com/p/DE_FcJKa0g/
449. <https://hengaw.net/fa/news/2025/02/article-17>
450. <https://hengaw.net/fa/news/2025/02/article-17>
451. https://www.instagram.com/jivano_women
452. <https://hengaw.net/fa/news/archive/59159>
453. <https://hengaw.net/fa/news/archive/59435>
454. <https://hengaw.net/fa/news/2024/05/article-178>
455. <https://hengaw.net/fa/news/2024/10/article-29>
456. <https://www.instagram.com/p/DB3OuM8tJfi/>
457. <https://hengaw.net/fa/news/2025/09/article-136>
458. <https://www.instagram.com/reel/C6rBRF6qFJB/>
459. <https://www.instagram.com/p/DFhtn7MiZN5/>
460. <https://www.instagram.com/reel/DE-KraAN9gH/>
461. <https://www.instagram.com/reel/C0Bywxr5nq/>
462. <https://www.instagram.com/reel/DKRgHeNqOFY/>
463. https://www.instagram.com/reel/DMlbgGQ-N1_N/
464. https://www.instagram.com/reel/DMlbgGQ-N1_N/
465. <https://www.instagram.com/reel/DVMEfOqDDN0/>
466. <https://www.isna.ir/news/8909-18267/-جعفر-پناہی-بہ-۶-سال-حبس-محکوم-شد>
467. <https://donya-e-eqtesad.com/جعفر-پناہی-آزاد-شد/>
468. <https://x.com/MostafaNili58/status/1995496993108734353>
469. <https://x.com/arashtorabi70/status/1670733186286886914>
470. <https://x.com/MostafaNili58/status/1957044741436219436>
471. <https://x.com/hamedbd/status/1977700486493945978>
472. <https://www.instagram.com/p/CxYYxNGOd9D/>
473. <https://x.com/ZMinuei/status/1744648914970529935>
474. <https://x.com/ZMinuei/status/1761814821261942855>
475. <https://x.com/ZMinuei/status/1897263350398247133>



گزارش مدافعان حقوق بشر ایران ۲۰۲۵